۹۲۶

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی ـ اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۴۴۵
رده‌بندی دیویی:	گ ت / ۷۸۳م و ۹۱.
سرشناسه:	ون دایک، کورنلیوس ون آلن، ۱۸۱۸ ـ ۱۸۹۵م
عنوان قراردادی:	[المرآة الوضیة فی الکرة الارضیة. فارسی]
عنوان:	کشف القناع عن احوال الاقالیم والبقاع
کاتب:	تاریخ کتابت:
محل نشر:	بمبئی ناشر: مطبع مظفر حسنی تاریخ نشر: [بی تا]
صفحه شمار:	۲۲۰ ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان:	فارسی ابعاد: ۲۱ x ۱۳ نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐
توضیحات:	نامعلوم تاریخ ثبت: بهمن ۱۳۶۲
یادداشتها:	۱. در ابتدا دیباچه آمده است. ۲. مذیل به فهرست اسامی اقالیم و ممالک و بلاد و مدن به اختلاف لغات
موضوع(ها):	۱. جغرافیا ـ متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه(های) افزوده:	الف. طیالگیلانی، فخرالدین بن ابی القاسم، مترجم. ب. عنوان.
فهرستنگار:	اسدزاده تاریخ فهرستنگاری: خرداد ۸۹

۱ ـ یادداشت: ج. تاریخ تألیف کتاب ۱۸۵۲ م می‌باشد.

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: کشف القناع عن احوال الاقالیم والبقاع

مؤلف: فخرالدین ابی القاسم گلپایگانی

موضوع: جغرافیا زبان: فارسی

سال چاپ .... محل چاپ: بمبئی

شماره عمومی: ۱۸۶۴۱ کتابخانه / بخش ....

وقفی / خریداری تاریخ: بهمن ۴۲

طول: ۲۱ عرض: ۱۴ شماره صفحه ها: ۲۲۵

ملاحظات ....

شماره عمومی ۱۴۴۵

هو الله تعالى شانه

هذا

كتاب كشف القناع عن احوال الاقاليم والبقاع في ترجمة كتاب مرآة الوضية في الكرة الارضية

من تاليفات مستر كرنيليوس فنديك امريكاني

طبع في معمورة بمبئي

بعون الله وتوفيقه

٥

بسم الله الرحمن الرحیم

جواهر زواهر حمد وسپاس درگاه حضرت احدیتی را لایق وسزاست که
قبهٔ چرخ مقرنس را بی آلت خشت وگل برافراشته وطاق رواق را بشمسهٔ
زرّین خورشید وصور سیمین ماه نگاشته وآیینه خانهٔ زجاجرا بنقوش
اختران آراسته ونشیمن خاک که عمارت زیرین افلاک است بجدائوذات
بهجت پیراسته کریمی که بحار امواج عطایش را انتهائی وعیون جاریهٔ
رحمتش را زوالی وانهر منشعبهٔ احسانش را نفادی نه صانعی که
سطح مستدیر ارض از خطوط تذکرهٔ جلالش نقطه ورشحات سحاب ونفحات
صبا از گلزار صنعش ورقی است مبدعی که خاک تیره را بمواهب
سنیّه مجمع غرائب ومظهر بدائع صنائع ساخته واز قاموس محیط
مرحمت واوقیانوس مکرمت در رمعانی لطیفه بساحل ظهور آورده
تا هرکس بحسب استعداد خود فوائد جلیله عظیمه از آن بردارد و

درود نامحدود بر نور پاک ونیّر تابناک شمس فلک رسالت واختر
برج جلالت ونبالت حضرت سیّد الاصفیاء وخاتم الانبیاء محمّد
المبعوث بالایات الباهرات والبیّنات الظّاهرات علیه من الصّلوة ازکیها
ومن التحیّة انماها ووصیّ بلافصل انحضرت امیر البررة وقاتل الکفرة
یعسوب الدّین وقائد الغرّ المحجّلین الشّهاب الثّاقب علیّ بن ابی طالب
علیه السّلام وذراری طیّبه طاهره او باد وبعد چنین گوید
بنده فانی فخر الدّین بن ابی القاسم الگلپایگانی محتداً والاصفهانی
مسکناً که بر ضمیر منیر ارباب دانش وبینش مخفی وپوشیده مباد که
جغرافیا علمیست مطلوب ومرغوب واز جمله علوم منیفه وفنون
شریفه معدود ومحسوب پیوسته موجب ازدیاد مراتب مدنیّت
ومایهٔ حصول هیئت اجتماعیّه بشریّت وصاحبان آن در هر عصر وزمان
مقبول اهل معانی ومنظور اعالی وادانی بوده اند وچونکه کتاب مراة
الوصیّة فی الکرة الارضیّة از تالیفات جناب فخامت نصاب مستر
کرنیلیوس فندیک امریکانی که در این علم کتابی است کافی ووافی بلغت
عربی مبین وبر اکثر ناس غیر مستبین بود لذا بخاطر فاتر رسید که
محض خدمت بهم وطنان بترجمهٔ این نسخهٔ شریفه قیام نمایم ولکن بواسطهٔ
حوادثات روزگار وتقلّبات لیل ونهار وبلحاظ تعمیم موضوع مقاله
لازم التّهدید من صنّف فقد استهدف این امر خطیر در عهدهٔ تعویق
وتاخیر افتاد تا این ایّام خجسته فرجام که بعضی از دوستان جانی واخلاء
روحانی که تخلّف امرشان را فرض محال میشمرده مهیّج خیال ومحرّک
این شکسته بال گردیدند چاره ندیده جز آنکه بمضمون المأمور معذور
بانجام این خدمت کوشم وچشم از تعنّت همگنان پوشم رجا از نکته

پردازان فصاحت شعار و سخن سنجان بلاغت دثار انکه این ضعیف نحیف را هدف سهام ایراد و اعتراض ننمایند و اگر غلط واضحی یا خطاء لائحی مشاهده نمایند از حسن طویّت و صفای طینت خود بقلم عفو و اغماض باصلاحش کوشند و من الله استمدّ و به استعین و هو حسبی و نعم المعین **مقدّمه** بدانکه این علم بدو قسم منقسم میشود طبیعی و وصفی امّا اوّل مدار ان سطح زمین و انچه روی انست و کرهٔ هوائی است که بان احاطه دارد بدون التفات باقسام زمین و متعلّقات ان و امّا در قسم دوّم بلدان و ممالک و نسبت بعضی از اقسام سطح زمین ببعض دیگر ملاحظه میشود و لکن در این رساله بعضی از متعلّقات ژغرافیای طبیعی را اوّلاً ذکر مینمائیم و بعض دیگر با متعلّقات ژغرافیای وصفی بیان میشود

فصل اوّل در حقیقت این علم و بعض اصطلاحات ان

بدانکه ژغرافیا علمیست که از هیئت و اقسام سطح زمین و انواع اهل ان و حاصلهایش و امثال اینها در ان بیان میشود امّا زمین جسمی است مستدیر بشکل کرهٔ عظیمه و کمی از دو جهت قطب جنوبی و شمالی مسطّح است یعنی قطر ان از شرق بغرب مقدار ۲۶ میل از قطر ان از شمال بجنوب طولانی تر است و امّا استداره زمین از عهد فیثاغورس قریب پانصد سال قبل از مسیح تا حال متّفق علیه فلاسفه است و ادلّهٔ ان بسیار است از انجمله ظهور کرویّت سطح دریا ست از برای کسی که در کنار ان می ایستد و دیگر ظاهر شدن اعالی اشباح بعیده است قبل از اسافل انها اگرچه این اسافل بحسب جرم بزرگتر باشد و دیگر انکه بسیاری از اهل سیاحت از شرق یا غرب از یک جهت مسافرت اختیار کرده اند و بدون انکه برگردند سفر انها بهمان مکانیکه اوّلاً ان

ان حرکت کرده بودند منتهی شده   و بدان که هرگاه خطّ مستقیم میانه نقطه شمالی و جنوبی زمین کشیده شود پس ناچار بمرکز ان باید بگذرد و انرا محور زمین میگویند و طرف شمالی انرا قطب شمالی و طرف جنوبی را قطب جنوبی میگویند و هرگاه دور زمین خطّی بمساوات بُعد ان از قطب شمالی و جنوبی کشیده شود دائره حادث میشود و بواسطهٔ ان زمین بدو نصف میشود شمالی و جنوبی و این دائره را خطّ استوا مینامند و هرگاه دور زمین خطّ دیگری از جهت شمال بموازات خطّ استوا و بمسافت ۲۳ درجه و ۲۸ ثانیه از ان و یکی دیگر مثل ان از جهت جنوب کشیده شود دو دائره حادث میشود و شمالی انهارا خطّ سرطان و جنوبی را خطّ جدی و جزئی از سطح زمین که میانه انهاست منطقهٔ حارّه مینامند و هرگاه بموازات یکی از دو دائرهٔ مذکوره و بمسافت ۲۳ درجه و ۲۸ ثانیه از قطب شمالی دائره کشیده شود پس ان دائرهٔ شمالیّه است و مثل ان جنوبیّه است و جزئی از سطح زمین که میانه خطّ سرطان و دائرهٔ شمالیّه است منطقهٔ معتدلهٔ شمالیّه و جزئیکه میانه دائرهٔ شمالیّه و قطب شمالیست منطقهٔ بارده یا متجمّده شمالیّه و میانه خطّ جدی و دائره جنوبیّه منطقهٔ معتدله جنوبیّه و میانه دائرهٔ جنوبیّه و قطب منطقهٔ بارده نامیده میشود پس زمین بملاحظه اینها بپنج منطقه منقسم میشود امّا دوائر پس هر دائره به ۳۶۰ درجه و درجه به ۶۰ دقیقه و دقیقه به ۶۰ ثانیه منقسم میشود و درجه در خطّ استواء ۶۰ میل از میلهای جغرافیه و ۶۹.۲ میل از میلهای اعتیادیّه است و همچنین دائره هائیکه دور زمین از شمال بجنوب کشیده میشود مگر اینکه دوائر یکه موازی خطّ استواء است نزدیک

شدن بجهت قطب شمالی وجنوبی کوچك میشود تا انکه در پیش انها متلاشی میکردد پس واضح شد که هرقدر که دایره کوچك میشود درجه نیز کوچك میکردد وبدانکه خطوطیکه دور زمین از شمال بجنوب کشیده میشود دوایر تامه نیستند چه که زمین چنانچه کذشت دایره تامه نیست ولکن فرق بسیار کمست وملاحظه ان مکر در بعضی از حسابهای دقیقه فلکیه مثل حساب کسوف وامثال ان نمیشود ❖❖

وازبرای زمین دو حرکتاست یکی یومی که بدوران زمین در محور خودش از غرب بشرق در هر بیست وچهار ساعت یکمرتبه تمام میشود وان علت تتابع شب وروز است ودیکری سنوی که بدوران زمین دور افتاب از مغرب بمشرق در هر سال که عبارت از ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۲ دقیقه وچند ثانیه است یکمرتبه تمام میشود وان از جملهٔ علتهای تتابع فصول است ❖❖❖

وهرگاه صورت زمین یا صورت جزئی از انرا در روی کاغذی بکشند بترتیبی که اقسام وحدودان ونسبت بعضی ببعض دیکر از حیثیت قرب وبعد وامثال ان معلوم کردد انرا در اصطلاح اهل این علم خارطه میکویند واعلای ان شمال واسفلش جنوب ویمینش شرق ویسارش غرب محسوب میشود واین چهار جهت را نقط اصلیه مینامند وجهت متوسطه میانه شمال وشرق شمال شرقی است ومیانه جنوب وشرق جنوب شرقی ومیانه شمال وغرب شمال غربی ومیانه جنوب وغرب جنوب غربی است واین جهات را نقط فرعیه مینامند ومیانه نقط اصلیه وفرعیه نقطه های دیکری است که بدقت کردن در تفصیل جهات استنباط میشود ❖❖❖

عرض عبارت از دور بودن موضعی است

ازخط استواء شمالاً یا جنوباً وطول عبارت از دور بودن موضعی است از یکی از خطوطیکه میان دو قطب را در روی زمین بیکدیکر وصل میکند وخطوط مذکوره را خطوط نصف النهار مینامند وطول را از هر یکی از این خطوط مذکوره میتوان حساب کرد مکر اینکه نزد هر قومی عادت جاری شده که انرا از خط نصف النهار که بقصبهٔ بلادشان میکذرد حساب میکنند پس انکریز انرا از خط لندن واهل فرانسا از خط پاریس حساب میکنند وعلی هذا القیاس

فصل دوّیم در ارض یابسه واقسام ان بدانکه مسافت سطح زمین مقدار ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ میل مربعست وبدو قسم منقسم میشود یکی یابسه که خشکی است ودیکری اب وقسم بزرکتران اب است که مقدار دو ثلث کره را فرو کرفته امّا ارض یابسه باقسام مختلفه تقسیم میشود **قسم اوّل** ارض قارّه است وان قسم وسیعی از زمین است که بممالك متشتّته مشتمل است وقارّات شش است چهار از انها در نصف کره شرقی واقع است وان اوروپا واسیا وافریقا واوسترالیا است ودو قارّه دیکر در نصف غربی واقعست وان امریکای شمالی وجنوبی است **دوّیم** مملکت است وان قسم وسیعی از قارّه است که در تحت حکومت واحده داخل است مثل مملکت چین وفرانسا وعثمانیّه وامثال اینها وکاهی مملکت بایالت وایالت بولایت وولایت بقطعه وهم چنین تا برود تقسیم میشود **سیّم** جزیره است وان قطعه از زمین است که از جمیع جهات اب بان احاطه دارد مثل قبرس وکریت ومالطه وامثال اینها وجزائر بحسب مساحت مختلف اند چنانچه جزیره که در اوقیانوس اتلانتیك شمالی است محیطش ۱۵۰ ذراع است وجزیره اوسترالیا مساحتش مقدار

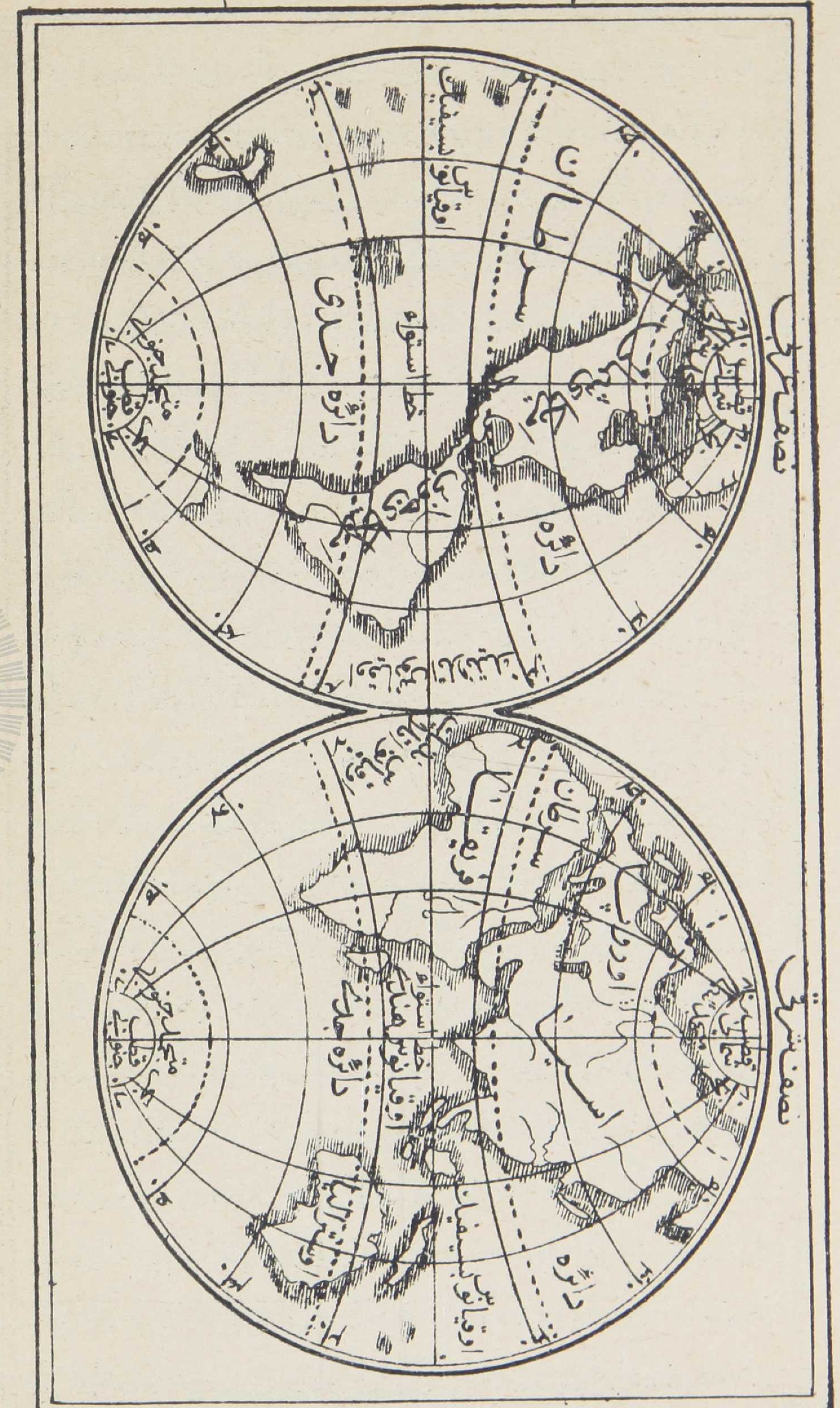
فصل دویم

۳۰۰۰۰۰ میل مربعست و بعضی از جزائر مثل قبرس منفرد و بعضی
در سلسله واقعند مثل جزائر الوتیان که میانه امریکای شمالی و اسیا
واقعست و بعضی مجتمعند مثل اوقیانوس محیط و هرگاه جزائر بسیاری
در دریائی واقع شده باشد انرا ارخبیل مینامند مثل ارخبیل
رومی وارخبیل هند غربی و بعضی از جزائر در اصل برکان بوده و
بعضی همیشه برکان بوده است مثل جزیره سترمبولی چهارم
شبه جزیره است وان قطعه از زمین است که از سه جهت اب انرا
احاطه کرده و از یک جهت بخشکی محدود است مثل موره و قرم و
ملقا پنجم راس است وان جزئی از کوه یا از زمین مرتفعی است که
داخل در دریا باشد ششم انف یا لسان است وان جزئی از زمین
است که داخل دریا باشد هفتم برزخ یا مختنق است وان قطعه
زمین تنگی است که میانه دو دریا محصور شده باشد هشتم
جبل است وان جزئی از قشر زمین است که از سطح ان بسیار مرتفع است
واگر کمی ارتفاع داشته باشد انرا هضبه یا تل میگویند و در هرجا
که کوهها بیکدیگر متصل باشند و بمسافت بعیده امتداد داشته
باشند انرا سلسله جبال مینامند و ناچار میانه دو کوه زمین
پستی واقع است پس اگر کوچک باشد انرا شعبه میگویند واگر بزرگ
باشد وادی مینامند واگر تنگ باشد در میانه سنگهای سختی
که از دو جانب قائمند انرا مضیق میگویند نهم سهل است وان زمینی
استکه سطح ان مستوی باشد پس اگر کوچک باشد و از چشمه ها
سیراب شود انرا مرج میگویند واگر وسیع باشد و از اب باران
سیراب شود و گیاه دران روئیده باشد و درخت نداشته باشد

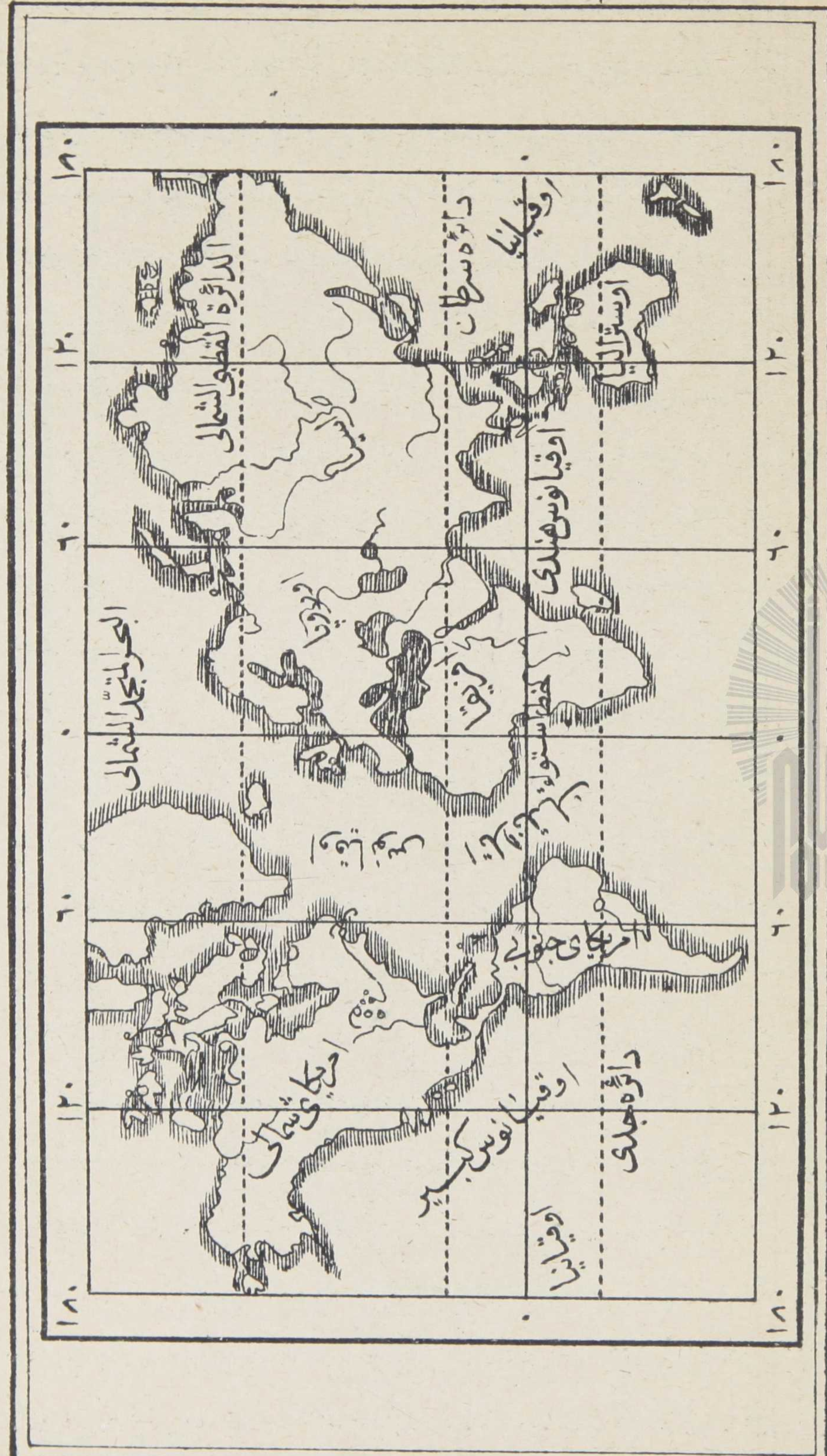
در ارض یابسه و اقسام ان

انرا بقعه مینامند واگر ریگزار باشد و نباتات دران روئیده
نباشد بادیه یا صحراء مینامند وگاهی در صحراها قطعه هائی یافت
میشود که اب باران از اطراف دران جاری است و باین واسطه
زمین بانما میشود پس انرا روضه میگویند واگر اب نهر یا چشمه دران
جاری باشد و درختهای بسیاری داشته باشد انرا غوطه مینامند و
از جمله انها غوطه دمشق است دهم جبل نار است که انرا برکان یا بلقان
میگویند وان کوهی است که در اوقات معینه یا غیر معینه اتش و دود
و خاکستر و سنگهای اب شده یا نشده و معدنهای اب شده که به
اطراف کوه جاری میشوند و پس از سرد شدن منجمد میگردند از ان
خارج میشود و در روی زمین مقدار پانصد کوه از این قبیل یافت
میشود و انهارا براکین نیز میگویند فصل سیم در اب وان دو
نوع است شور و شیرین و باعتبار وسعت و نسبتان بخشکی به
اقسام مختلفه منقسم میشود قسم اول دریای محیط استکه
انرا اوقیانوس میگویند وان قسم عظیمی از اب شور است که بیشتر
روی کره زمین را فرو گرفته مثل محیطی که میانه امریکا و اسیا است و
طول ان از شرق بغرب قریب دوازده هزار میل است و عرضش از مضیق
بیرین تا ۵۵ عرض جنوبی قریب ۹۰۰۰ میل است و مثل اوقیانوس
اتلانتیک که میانه غربی اوروپا و افریقا و شرقی امریکای شمالی و
جنوبی است و معظم عرض ان از شرق بغرب ۵۰۰۰ میل و کمتر عرضش
میانه شمالی اوروپا و شمالی امریکا ۹۰۰۰ میل و طولش از شمال به
جنوب قریب ۹۰۰۰ میل است و مثل اوقیانوس هندی که میانه
شرقی افریقا و جنوبی اسیا و شمالی اوسترالیا و غربی انست و مثل

خارطهٔ کرهٔ زمین



تسطیح کرهٔ زمین



اوقیانوس شمالی که در شمال اوروپا و اسیا و امریکاست و اوقیانوس جنوبی که در جنوب افریقا و امریکا و اوسترالیاست و بعضی ازاین اقسام ببعض دیگر متصل است واما تسمیهٔ انها باسامی مذکوره محض سهولت وصف و قرب تحدید است و بدانکه قعر دریا مثل خشکی پستی و بلندی و کوه و بیابان و وادی دارد و معدل عمق اوقیانوس قریب هفت میل است **دویم** بحر است وان قسم عظیمی از اب شور است که کمتر از اوقیانوس است مثل بحر متوسط و بحر روم که میانه اوروپا و افریقاست و اکثر دریاها اجزاء اوقیانوس یا متصل باشند مگر بحر خزر و بحر ارال که در اسیاست که انها از اوقیانوس منفصل اند **سیم** خلیج است وان جزء بزرگی از بحر یا اوقیانوس است که داخل در بر است وچون نیز از این قبیل است ولکن از خلیج کوچکتر است و انرا خور نیز میکویند **چهارم** بوغاز است وان جزئی از اب است که میانه دو بیابان محصور شده باشد و دو دریا را بیکدیکر وصل کند مثل بوغاز کوه طارق که بحر متوسط و اوقیانوس اتلانتیکی را بیکدیکر وصل میکند **پنجم** بحیره است وان قطعهٔ از اب شیرین ایستاده است که از جمیع جهات زمین بان احاطه دارد و اجمه نیز از این قبیل است و لکن کوچکتر از بحیره است و معروف به برکه است و اب بعضی از این بحیرات و برکه ها بواسطه داخل شدن نهری بانها جاری است مثل بحیره طبریه و بعضی جاری نیست مثل بحیره مرج **ششم** نهر است وان مجرای عظیمی از اب شیرین است که بعد از جاری شدنش بمسافتی در بحر یا بحیره ریخته میشود و جدول کوچکتر از انست و انرا نهیر نیز میکویند وان نهر کوچکی است که در نهر دیکری ریخته میشود و مکان داخل

شدن یکی از انهار بدیکری ملتقی النهرین و مکان داخل شدن انرا بدریا مصب میکویند و مکان خارج شدن انرا از زمین عین یا ینبوع مینامند و زمینی که اب ان بدریائی جاری میشود انرا حوض این دریا میکویند و وادی که اب از جوانب ان بنهر یا نهیری جاری میشود انرا حوض این نهر یا نهیر میکویند و خطیکه میانه دو حوضی را که بیکدیکر متصل اند فصل میکند انرا خط تقسیم میاه میکویند و جائی که نهر یا جدول از مکان عالی سرازیر میکردد شلاله یا خراره حادث می شود مثل شلالات نیل **هفتم** ترعه است وان نهر مصنوعی عمیقی است که میانه دو دریا یا دو نهر را جمع میکند و بعضی از ان برای عبور کشتیهای بزرک و بعضی برای زورقهای فقط صلاحیت دارند

فصل چهارم در احکام و ادیان اما احکام مختلفاست ولکن حصر ان در سه نوع ممکن است **اول** حکم ملکی مطلق که زمام امر و نهی در کف کفایت شخص واحد باشد و بشرائع و قوانینی مقید نباشد **دویم** حکم ملکی مقید که حکم سلطان از روی قوانین و شرائع مملکت باشد و از ان تجاوز نتواند بکند **سیم** حکم جمهوری است که زمام امر و نهی در دست اشخاصی باشد که رعایا انها را اختیار مینمایند و بحسب احکام انها سلوک میکنند واما ادیان در چهار نوع منحصر است **اول** دیانت یهودیه است وان مبنی بر اسفار عهد عتیق و تفاسیر و اضافاتی است که از کتاب تلمود با انها شده **دویم** دیانت مسیحیه است وان مبنی بر اسفار عهد عتیق و جدید است و اتباع ان بسه قسم منقسم است اول کدومیه که عقائد و طرق انها بحسب قوانین مجامع و اقوال اسلافشان است دویم باباویه که پاپای رومی را رئیس کنیسه و

نائب مناب مسیح میدانند واورا ازغلط واشتباه درامور دینیه معصوم ومقدس می پندارند سیم پروتستانیه که عقائد شان بر اسفار مقدسه فقط مبنی است وبقول دیکری اصلا التفات ندارند واما ارمن ویعاقبه واقباط ونساطره از فروع رومیه اند که در قرون سابقه از ایشان جدا شده اند سیم اسلام است وان مبنی بر قران مجید وسنت است واهل ان بچهار قسم منقسم است سنی وشیعه و وهابیه وصوفیه اما دروز ونصیریه واسماعیلیه اکرچه در ظاهر مدعی اسلام اند ولکن فی الحقیقة هرطائفه از انها عقائد مخصوصه دارند که از عقائد مجوسیه واسلامیه ومسیحیه ممزوج ومخلوط است چهارم وثنیه است وان چند نوع است که از جمله انها برهمیه است و انها بیک خداوند که اورا ضابط کل میدانند معتقدند ومیکویند که او سه خدا از جانب خود نصب کرده برهمه وویشنو وسیوا ودر تحت اینها خدایان بسیاری قائلند که عدد انها بچهار صد هزار میرسد و اهل اینمذهب بچهار مرتبه منقسم اند کهنه وجنود وتجار واهل صنائع وهیچ یک از این مراتب بدیکری مخلوط نمیشود وکسی که در یکی از انها از مادر متولد میشود بغیر ان انتقال نمی تواند کرد واین دیانت بیشتر در بلاد هندوستان شائع است ولکن حال بسیاری از ایشان در خط تمدن وتربیت داخل شده اند وباین رتبه ها اعتنائی ندارند و بادیکران که در رتبه دیکر متولد شده اند مخالطه میکنند ودیکر از انواع دیانت وثنیه بوذیه است وانها معتقدند که اول ما صدر از ماده عقل است وانرا بوذه مینامند وبعد هیولی وسایر موجودات از اینها تکوین شده اند واز جمله عادات اینطائفه اینست که اسلاف و

اعقاب خود را عبادت میکنند وبیشتر شیوع این دین در چین وسیام وبرما وشرقی هندوستان وجزائر جاپان است ودیکر از انواع وثنیه فتشیه است واینطائفه هرچیرا که نافع وضار است عبادت میکنند واین مذهب بغیر ازمیانه سودان در اواسط افریقا یافت نمی شود وعدد اصحاب اینمذاهب از این قرار است که ثبت میشود

اهل عالم تقریبا	۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰
وثنیه	۴۴۰۰۰۰۰۰۰
مسیحیه	۳۷۰۰۰۰۰۰۰
مسلمان	۱۴۵۰۰۰۰۰۰
یهود	۵۰۰۰۰۰۰

جدول عدد اصحاب ادیان

وثنیه	بوذیه	۳۵۰۰۰۰۰۰
	برهمیه	۱۴۰۰۰۰۰۰
	فتشیه وسایر انواع	۱۵۰۰۰۰۰۰
اسلامیه	سنی	۱۱۰۰۰۰۰۰۰
	شیعه	۵۰۰۰۰۰۰۰
	وهابیه	۴۹۰۰۰۰۰
	صوفیه	۱۰۰۰۰۰۰
مسیحیه	روم	۹۰۰۰۰۰۰۰
	پروتستانیه	۹۰۰۰۰۰۰۰
	نساطره وارمن واقباط وغیره	۱۰۰۰۰۰۰

فصل پنجم در اقسام بشر و لغات آنها چون بعضی از اجناس حیوانات
از قبیل اسب و سگ و امثال اینها را ملاحظه نمائیم می بینیم که اینها
با اتفاقشان در فصل قریب بانواع بسیاری منقسم اند که هر یک
نوعی از آنها از غیر خود بهیئتی مخصوص و تکوینی مخصوص ممتاز است و
از این راه میتوان استدلال کرد باینکه اصل آنها یکی است و اختلافی
که در میانه آنهاست عرضی است که از اختلاف اقالیم و اطعمه و امثال
اینها حادث شده و هم چنین هر گاه در جنس بشر ملاحظه شود مشهود
میگردد که با اتفاق کلّی در جوهریّات که مقوّم جنس اند بانواع مختلفه
منقسم اند و آن فرقی که میانه حیوانات است در آنها نیست و اختلاف
آنها از حیثیّت رنگ و شکل و هیئت با اتّحاد اصل آنها منافی نیست و
آنها بسه قسم منقسم اند **اوّل** سفید یا قوقاسی بانتساب آن به
قوقاس یا قوه قاف یعنی کوه قاف که در بلاد چرکس میانه بحر خزر و بحر
اسود است و این قسم از غیر خود بسفیدی اندام و نرمی موی و بلندی
جبهه و نازکی دماغ و سفیدی صورت ممتاز اند مثل اهل اوروپا
و نسل آنها در امریکا و سکّان غربی آسیا یعنی عرب و فرس و یهود
و سریان **دوّیم** زرد یا مغول بانتساب آن بمغول که قسمی از تتر است
و بعضی گفته اند که اصل آنها از کوههای آلتائی است که در شمالی چین
واقع است و این قسم از اقسام دیگر بزردی بشره و کمی و زبری موی
و استواء صورت و تنگی جبهه و ارتفاع استخوان صورت ممتاز اند
و این قسم بحسب قامت از قسم اوّل کوتاه تر اند مثل اهل چین و چاپان
و شمالی آسیا و شمالی بلاد مسکوب در اوروپا و شمالی امریکا و لکن
سکّان شمالی امریکا که معروف باسکیمو هستند فی الجمله رابطهٔ بانواع

سیّم دارند حتّی اینکه بعضی گمان کرده اند که آنها از نتایج قسم دوّیم و
سیّم اند که در ازدواج اختلاط کرده اند **سیّم** سیاه و این قسم از
سایر اقسام بسیاهی بشره ممتاز است و از برای آن سه فرع است
اوّل ملقّی بنسبت دادن آن بشبه جزیره ملقّا و آن برنگ زیتونی
و سیاهی و زیادتی موی با پیچیدگی و تنگی سر و بزرگی دماغ
ممتاز است مثل ساکنین ملقّا و جزائر بحر محیط و جزیره مادگسکار
دوّیم امریکانی و آن برنگ نحاسی و سیاهی موی و تنگی ریش و
پستی جبهه و ارتفاع استخوان صورت ممتاز است مثل ساکنین اصلیّه
امریکا **سیّم** زنگی و آن بشدّت سیاهی بشره و پیچیدگی و سیاهی
موی و پستی جبهه و ضخامت لب و فراخی دهان ممتاز است مثل
بدشتریها ساکنین اواسط افریقا و جنوبی آن و این اقسام در بعضی از بلاد
با یکدیگر در ازدواج مخالطه کردند و فروع بسیار و نتایج بیشمار
از آنها پیدا شد که ملحق ساختن آنها را باصلشان بسیار مشکل است
امّا لغات دنیا ادلّه بسیار با اتّحاد اصل آنها دلالت میکنند و لکن
لغت اصلیّه بالفعل مفقود است چه که بمرور ایّام و تمادی اجیال
اندک اندک از میان رفته و اقرب لغات بآن لغت چین و سایر لغاتی
است که از دو حرف مرکّب اند پس لغات بحسب نسبت آنها بلغت
اصلیّه بسه فرع تقسیم میشوند **اوّل** لغات طورانیّه و از جمله آنها
لغت چینیّه و تتریّه است که از جمله آن ترکیّه و چرکسیّه و مجاریّه
و لغات قبائل شمالی روسیا و سیبریا است **دوّیم** لغات آریانیّه
و از جمله آنها لغات هندیّه و فارسیّه و یونانیّه و لاتینیّه و مسکویّه
و نمساویّه و فروعات اینها مثل ایطالیانیّه و فرانساویّه و

اسبانیولیّه وانکریزیّه است سیّم لغات سامیه یعنی ارامیه واز
جمله انها عبرانیّه وسریانیّه وعربیّه وقبطیّه وحبشیّه واشوریّه و
بابلیّه وبربریّه وفروع اینهاست

فصل ششم در قارّهٔ اسیا

قارّهٔ اسیا از سایر قارات بزرکتر و وسیعتر وساکنین ان
زیاده تر است ودر حسن اراضی وتنوّع غلّات از قارات دیکر اعتبارش
کمتر نخواهد بود واز جمله چیزهائیکه مزید اعتبار انست انکه خداوند
عزّوجلّ ادم را از خاك ان خلق فرمود واز نسل نوح واولاد او بعد
از طوفان این سلسله تجدید شد واز انجا بقارات دیکر متفرّق و
پراکنده شدند ودر سنوات قدیمه اهل ان بمقامات عالیه ودرجات
سامیه از علوم وصنائع وتربیت وتمدّن ارتقا جستند واهالی
قارات دیکر در بحر جهالت وخرافت شناور بودند امّا حدود این
قارّه از جهت شمال بحر منجمد شمالی واز شرق باوقیانوس پسیفیکی
واز غرب بقارّه اوروپا وبحر متوسّط وبحر احمر واز جنوب باوقیانوس
هندی محدود است ومساحت ان ۴۰ ملیون متر مربّع است
که هر متری یکذراع وثلث ان میشود وسکّان ان مقدار ۸۰۰
ملیون نفس است واواسط این قارّه بمقدار ۴۰۰۰ یا ۵۰۰۰
قدم از مساوات دریا مرتفع است وکوههای بلندیکه ارتفاع
بعضی ازانها بمقدار ۲۸۰۰۰ قدم میرسد احاطه بانها دارد چنانچه
از جهت شمال سلسله کوههای ألتای میانه چین وسیبریا است
واز جنوب کوههای همالیا در شمالی هندوستان واین سلسله ها
از جهت غرب ممتدّ است تا اینکه بجبال کوه قاف وکوههای اسیای
صغری میرسد وبدانکه بحر خزر وبحر ارال از سایر دریاها

منفصل

منفصل اند ومخرجی ندارند امّا بحر ارال طول ان مقدار ۲۷۰ میل و
عرضش میانه ۱۰۰ و ۱۳۰ میل است واب ان شور است ومردمان
پس از تخفیف ابش نمك از ان استخراج میکنند ودر بیابانهای مجاوره
ان اسب وحمار وحشی وکرك واهو یافت میشود وامّا بحر خزر که انرا
بحر قزبین وبحر دیلم وبحر جرجان وبحر طبرستان نیز میکویند طول
ان مقدار ۷۵۰ میل وعرضش مقدار ۲۵۰ میل است وابش
بواسطهٔ امتزاج بنفط تلخ وشور است ودران انواع بسیاری از ماهی
ودر کنارههای ان بسیاری از پرندهکان الی یافت میشود وعبور
کشتی بواسطه شدّت طوفانان بسیار خطرناکست واینقارّه بچند
اقلیم که در هوا وحاصل مختلف است تقسیم میشود چه که در جهات
شمالیّه سیبریا برودت شدّت دارد ونهرها از ماه ایلول تا ماه
حزیران منجمد میمانند ودر جنوبی ان برودت اندکی تلطیف میشود
پس نهرها از ماه تشرین اوّل تا ماه ایار منجمد میمانند ودر جهات
متوسّطه قارّه در کوهها برودت شدّت دارد وبعضی از انها در ایام
سال خالی از برف نمیمانند وامّا هوای بیابانها ووادیها در اکثر اوقات معتدل
است وامّا جهات جنوبیّه که در منطقهٔ حارّه واقعست از ماه نیسان تا ماه
تشرین دوّم فصل زمستان وبقیّه سال فصل تابستانست وبغیر
این دو فصل فصلی ندارد ودر اینقارّه اجناس بسیاری از
حیوانات برّیه یافت میشود چنانچه یوز وپلنك وشیر وکرکدن وفیل
در بلاد هندوستان ونهنك در نهرهای ان واصناف بسیاری
از مار وهوامّ در انجا یافت میشود ودر جهات متوسّطه روباه وکفتار
وکرك واهو ونوعی از یوز که از یوز هندوستان کوچکتر است وهمچنین

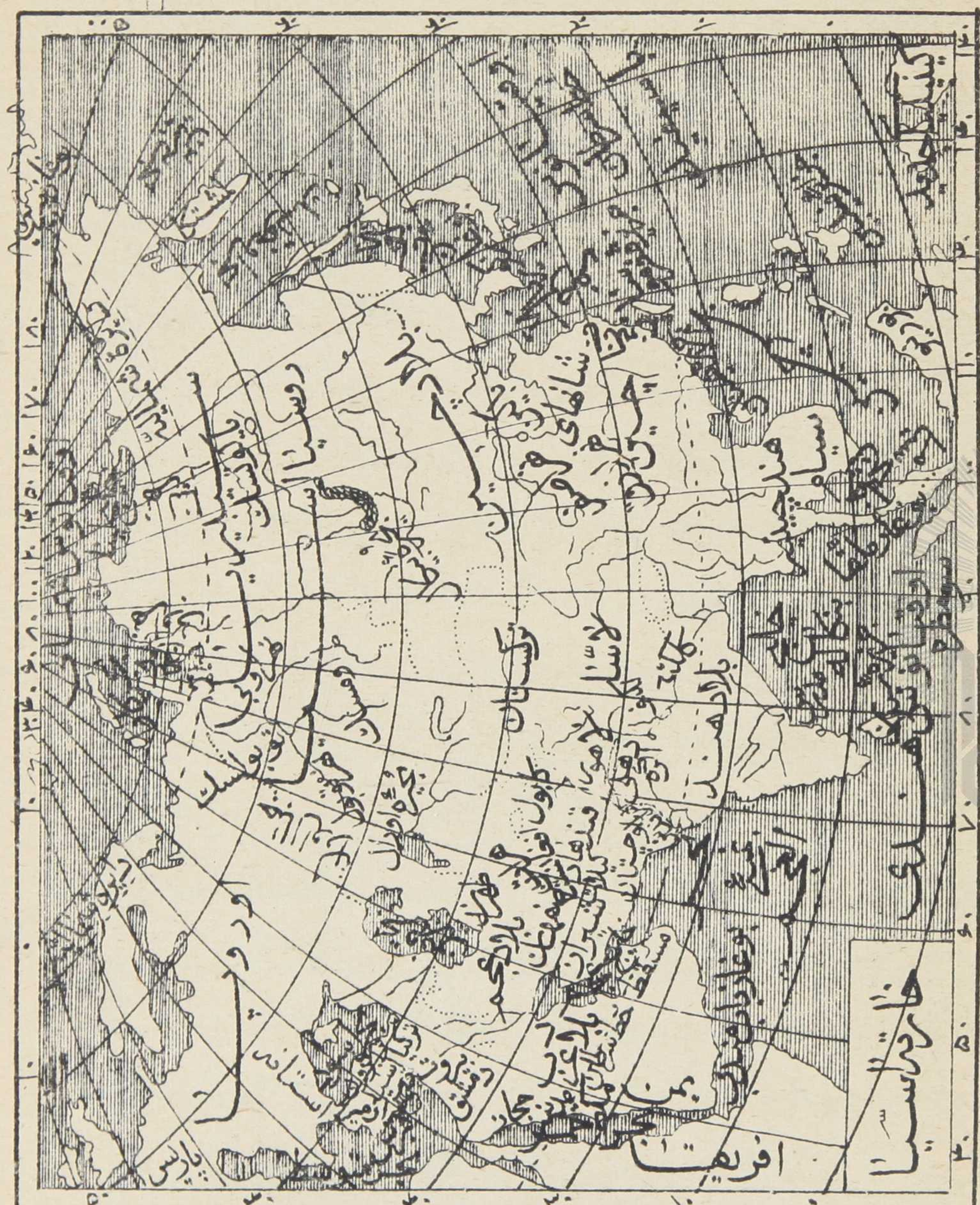
خرس در بعضی از کوهها یافت میشود و در بیابانهای بلاد تتر و سیبیر یا غزال مشک و انواع دیگر از اهوان و در کوههای سیبیریا نوعی از روباه که پوست ان از پوست روباه جنوب نرم تر است یافت میشود و در انجا سمور و سنجاب بسیار است و اهل ان انها را صید میکنند و کاهی میشود که پوست سنجاب را بهزار و پانصد غروش و زیاده میفروشند و در بلاد عرب اسبهای خوب و شتر تا حدّ ۵۵ عرض شمالی و حمار وحشی تا حدّ ۴۰ یافت میشود و در این قارّه انواع طیور از قبیل نعام و طاوس و درّه و باز و بوم و انواع دیگر یافت میشود و در ان از اشجار و نباتات غیر مألوف درخت قهوه در جنوبی بلاد عرب و قاقله و فلفل و زنجبیل و نارجیل و جوز طیب و انواع کل و ریاحین و نیشکر در هندوستان و از عقاقیر افیون و راوند و مُرّ و صبر و مصطکی و حنظل و کافور و بسیاری از اشجار مثل خرما و بلّوط و تمر هندی و صنوبر و سرو و صفصاف و کز و پسته و بادام و انجیر و غیر اینها یافت میشود و در هندوستان درخت تیک که چوب ان از برای ساختن کشتی خوب است و خیزران و صندل و درخت بنیان که شاخه های ان بزمین سراشیب میشود و در خاک ریشه میکند و هر شاخه درختی میکردد یافت میشود و بعضی از اهل سیاحت ذکر کرده که یکی از این درختها را مشاهده کرده که قریب سیصد شاخه داشته که هفت هزار نفر در زیر سایه ان میتوانسته اند که راحت کنند ⁂ و امّا معادن این قارّه اگرچه قلیلی از انها کشف شده و لکن بسیار است چنانچه بلّور در جاهای بسیاری از ان یافت میشود و زبرجد در کوههای اورال و لاجورد در نزدیکی

بحیرهٔ بیکال که در سیبیریا ست و یاقوت در جزیرهٔ کیلان و جزع در بلاد فارس و خاک خزف چینی در چین و جاپان و الماس در هند و لؤلؤ در دریای هند بخصوص در دریای عمّان و بحرین و بهرمان و فیروزج و دیگر معدنهای طلا و نقره و سرب و مس و زغال سنک و نمک و نفط و زیبق و قلع و سنک مغناطیس و غیر اینها یافت میشود و بدانکه بلاد اسیا در زمان قدیم معدن علوم و صنائع بوده و لکن حال از حیثیّت تمدّن و تربیت و هیئت اجتماعیّه از بلاد اوروپا پست تر است مگر اینکه از جهة بعض صنائع بخصوص از بابت بعضی از چیزهائیکه در انها بافته میشود و منشأ تجارت کلّی است ممتاز است و در تفصیل این قارّه انرا بده قسم تقسیم میکنیم اوّل املاک روسیا یا بلاد مسکوب در اسیا دوّیم بلاد ترک یا مملکت ال عثمان در اسیا سیّم بلاد عرب چهارم بلاد فارس غربیّه پنجم بلاد فارس شرقیّه یا افغانستان ششم بلاد تتر هفتم هندوستان هشتم هند چینیّه نهم چین دهم جزائر

فصل هفتم

در املاک روسیا یعنی بلاد مسکوب که در اسیا واقعست و ان از جهت شمال ببحر منجمد شمالی و از شرق ببوغاز بیرین و بحر کمشتکا و بحر اوخوتسک و از جنوب بکوههای ألتاءی و بلاد تتر و جزئی از بلاد عجم و بلاد ترک که در اسیاست و بحر اسود و از غرب ببحر اسود و نهر دن و کوههای اورال محدود است و این اراضی بحسب مساحت از قارّه اوروپا بزرکتر است چه که مساحت انها مقدار ۵۸۰۰۰۰۰ میل مربّع و مساحت قارّه اوروپا مقدار ۳۸۰۰۰۰۰ میل مربّعست و انها بسه قسمت کبری تقسیم میشوند اوّل بلاد سیبیریا دوّیم بلاد

کوه قاف یعنی بلاد کرج وقرق سیّم جزائر قسم اوّل ازانها بلاد سیبیریاست واین قسم مقدار ۵۱۴۳۰۰۰ میل مربعست وان مشتمل بر جمیع اراضی است که سابقاً ذکر شد سوای جزائر وجزئی که از جهت شرق میانه نهر اورال وبحر خزر واز جنوب میانه بلاد عجم وبلاد ترك واز شمال وغرب میانه بحر اسود ونهر دون ونهر ولکا واقعست این جزء تا اواخر جیل ۵ اکه اهل روسیا بجهة تجارت داخلان شدند مجهول بود وازانوقت حکم مسکوبی بتدریج دران جاری شد تا اینکه از ناحیهٔ شرق باقصای اینقارّه رسید وسکّان بلاد سیبیریا دران وقت بیشتر از صد قبیله متوحّشه بودند که طباع وعادات ولغات وادیان جمیع مختلف بود ومشهورترین انها تتر بودند که در نواحی بحر خزر ساکن میشدند وبعضی از انها بت پرست وبعضی مسلمان بودند ودر نواحی جنوبیّه منغول ساکن میشدند وانها بنوعی از دیانت بوذیّه بودند ودر کناره های نهر لینا ونهر ینیسی ونهر عاموند شورند ساکن میشدند ودین انها بت پرستی بود ودر جهات شمالیّه فین ساکن میشدند وانها نیز بت پرست بودند ودر شمال غربی ومیانه نهر ینیسی ونهر لینا سمواید ساکن میشدند وانها بنهایت توحّش وبربریّت بودند ودر دو جانب نهر لینا یاکوت ساکن میشدند وبیشتر بتربیت مواشی اعتنا داشتند ودر طبیعت شبیه تتر ودر دیانت بمنغول شباهت داشتند ودر ناحیه شمال شرقی در کناره های نهر انادیر کوریاك ساکن میشدند واهل کمشتکا در جزیره کمشتکا سکنی داشتند وبعد از انکه مسکو باین بلاد دراملك شد بسیاری از اهل روسیا وهندوستان وارمن ویهود ومسلمان



داخل انها شدند وحکم مسکوبی بعضی از اهالی صلیّه انها را الزام کرد که بدیانت مسیحیّه بمذهب کنیسه شرقیّه متدیّن شوند ولکن بیشتر انها بدیانت خود باقی ماندند وعدد سکّان روسیا در اسیا از غرباء واهالی صلیّه ان از اینقرار است

اهل روسیا وغرباء	۷۵۸۶۰۰۰
قبائل بلاد کوه قاف	۸۰۸۰۰۰
تتر	۱۸۰۰۰۰
منغول	۳۰۰۰۰۰
مندشور	۸۰۰۰۰
فین	۶۳۰۰۰
سموايد	۳۰۰۰۰
کوریاک	۳۴۰۰۰
اهل کمشتکا	۶۰۰۰
مجموع	۸۲۲۴۰۰۰

اما عدد انها باعتبار مذاهب دینیّه از اینقرار است

نصاری از هر طائفه	۸۲۲۴۰۰۰
مسلمان	۱۶۰۰۰۰
بوذیّه وغیرانها	۱۴۴۰۰۰
مجموع	۱۱۲۶۴۰۰

ودر این بلاد سلسله کوههای بسیاری ممتدّ است که ازجمله انها

کوههای اورال است که میانه سیبیریا وروسیا فاصله است واوّل انها ازراس بحرکارا در ۶۸ عرض شمالی است وبعضی کفته اند که اوّل انها ازجزیره زمبلای جدید است واین سلسله ازجهت جنوب مایل بغرب بمسافت ۱۲۰۰ میل ممتدّ است وازجمله کوههای سیبیریا سلسله ألتائی است که میانه ان وچین واقعست وشعبه های بسیاری ازان بجهت اواسط قارّه ممتدّ است که ازجمله انها کوههای بیکال است که بحیره بیکال وجبال داورکه ازجهت شمال شرقی میانه مخرج نهر لینا ونهر عامور ممتدّ است وبوغاز بیرین منتهی میشود احاطه دارد ونهرهای این بلاد ازاعظم نهرهای اسیا است وازجمله انها نهر کارا است که ازکوههای اورال بیرون میاید وبجهت شمال غربی جاری میکردد ودر بحر کارا ریخته میشود ودیکر نهر اوب است که ازکوههای ألتائی در ۴۸ عرض شمالی و ۹۶ طول شرقی بیرون میاید وبجهت شمال غربی جاری میکردد ودر خلیج اوبی ریخته میشود وطول ان مقدار ۲۶۰۰ میل است وچند نهر دران ریخته میشود که اعظم انها نهر ایرتیش است وطول ان مقدار ۲۲۰۰ میل است ودر نزدیکی شهر سمروفو داخل نهر اوبی میشود وازجمله نهرهای بزرک سیبیریا نهر ینیسی است که مخرج ان ازکوههای ألتائی است وبجهت شمال جاری میکردد ودر بحر منجمد شمالی ریخته میشود وطول ان مقدار ۱۹۰۰ میل است ونهرهای بسیاری ازشرق وغرب دران ریخته میشود وازجمله نهرهای این بلاد نهر لینا است که ازکوههای ورجلب بیرون میاید ودر بحر منجمد شمالی ریخته میشود وطول ان مقدار ۲۰۰۰ میل است وازجمله نهرهائیکه بجهت شرق جاری میشود نهر اناذیر است که ازکوههای

استنوفوی بیرون میاید ودر دریای نادیر ریخته میشود ودیگر
نهر اوداست که در دریای اوخوتسک ریخته میشود امّا نهر اورال
از کوههای اورال بیرون میاید وبجهت غرب جاری میشود پس بجهت
جنوب برمیگردد ودر بحر خزر ریخته میشود ودر هر جهتی از جهات
این بلاد بحیرات بسیاریست که اعظم انها بحیرهٔ بیکال استکه در قطعهٔ
ایرکوتسک است وطول ان ۴۰۰ میل وعرضش میانه ۲۰ و ۵۰
میل است واب ان شیرین وایستاده است ودر جهت شمالی ان
جزیره ایستکه انرا جزیره اولکهون میگویند وطول ان ۴۰ میل
وعرضش مقدار ۱۷ میل است وسکّان ان بفلاحت وتربیت
مواشی اعتماد دارند ودر این بحیره چند نهر کوچك که از کوههائیکه
محیط بانست بیرون میایند ریخته میشود واز جمله بحیرات سیبیریا
بحیرهٔ چانی استکه طول ان مقدار ۸۰ میل است ودر نزدیکی ان
بحیرات وبیشه‌های بسیاریست وجمیع انها در بیابان وسیعی که
انرا سهل برابا میگویند واقعست وطول ان مقدار ۷۰۰ میل و
عرضش میانه ۶۰ و ۱۹۰ میل است واین بلاد باعتبار هوا بچهار
اقلیم قسمت میشود اوّل اقلیم منجمد که هوای ان بسیار سرد است و
ان اراضی ایست که از عرض ۶۷ درجه شمال واقعست ودر این
اقلیم برف روی زمین را میپوشاند ونهرها مقدار نُه ماه بسته است
دوّیم اقلیم بارد وان میانه ۶۰ و ۶۷ عرض شمالی واقعست واز
برای ان دو فصل است زمستان وتابستان وبغیر از این دو فصل
فصلی ندارد سیّم اراضی ایست که میانه ۵۰ و ۶۰ عرض شمالی واقع
است وانها هر چهار فصل را دارند چهارم اراضی ایستکه در عرض

۵۰ شمالی واقعست واین اقلیم از اقالیم معتدله است امّا در جهات
شرقیّه وشمالیّه از شدّت برودت وفرط رطوبت امراض غدّدیّه و
هم چنین درد چشم بواسطه تابش افتاب بر برف بسیار است واهل
انجا بواسطه دفع اینمرض برقع میاندازند واز جمله حیوانات
بلاد سیبیریا حمار وحشی استکه در نواحی بحر خزر یافت میشود و
روباه سیاه وغیر ان از انواع این جنس که در کوههای اورال یافت می
شود ودیگر گربهٔ برّی وسمور وسنجاب وخرس سفید است ودر بحر
شمالی بعضی از اصناف ماهی ودر کمشتکا گرگ دریائی یافت میشود و
در این بلاد انواع بسیاری از پرنده کانی نیز یافت میشود وامّا
زنبور عسل در سیبیریا یافت نمیشود ولکن انواع هوامّ وپشه و
انواع ماهی در نهرهای ان بسیار است وامّا اشجار ونباتات سیبیریا
از جمله انها بلوط وصنوبر استکه تا حدّ ۶۰ عرض شمالی میروید و
حور وصفصاف که در کنارهٔ نهرها میروید ودر جهات متوسّطه
جنوبیّه حبوب بدون عیب ثمر میرسد وبنابرانچه که حساب کرده اند
سه خمس بلاد سیبیریا اصلاً قابل فلاحت وزراعت نیست وامّا
معادن وسنگهای قیمتی وجواهرات این بلاد بسیار است چنانچه
زبرجد والماس وبلاتین در کوههای اورال وبلوّر ولاجورد در
کوههای آلتائی ونفط وطلا ونقره وسنگ مغناطیس ومس وزرنیخ
وغیر اینها در جاهای بسیاری از انها یافت میشود وامّا حال صنایع
سیبیریا چنانچه باید وشاید نیست ولکن بسیاری از الات
اهنی واقمشه صوف وکتان در ان بافته میشود وامّا تجارت این بلاد
بیشتر از راه بیابان بواسطه قافله‌هائی استکه مسافتهای بعیده

طی میکنند و سرمایه تجارت انها بیشتر پوست و موی و پیه و
چهارپایان است و با اهل چین بقماشهای صوف و معادن و بارود
و حبوب و مواشی تجارت میکنند و در عوض حریر و پنبه و تتن
و راوند و مشک و غیر اینها از عقاقیر میگیرند و این بلاد بچند
قطعه مختلفه قسمت میشود که از جمله انها قطعه توبولسک است و
ان در جانب شرقی نهر ایرتیش است و سکان ان مقدار ۲۰۰۰۰
نفس است و دیگر قطعه تومسک است و اهل ان مقدار ۱۰۰۰۰
نفس است و دیگر قطعه ایرکوتسک است که در جهت غربی بحیرهٔ بیکال
واقعست و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰ نفس است و از جمله شهرهای
این قطعه شهر کیاختا است که محل اجتماع تجار مسکوب و اهل چین است
و بعضی از انرا مسکوب و بعض دیگر را اهل چین بنا کرده اند و انرا
میماصین نیز میگویند و دیگر قطعه اوخوتسک است و اهل ان بمقدار
۱۵۰۰ نفس است و دیگر قطعه شبه جزیره کمشتکا است و اهالی
اصلیه ان تندخو و وحشی اند و بیشتر اعتماد انها بصید حیوانات
است که در بلادشان بسیار است و همچنین ماهیهائی که دریاها
از انها پر است و عدد انها بمقدار ۲۷۰۰ نفس میرسد و اما اهل
روسیا که انجا متوطن شده اند مقدار ۱۲۰۰ نفس است **قسم**
دویم از املاک مسکوب در اسیا اراضی ایست که از جهت شرق
میانه کوههای اورال و نهر اورال و بحر خزر و از جنوب میانه بلاد
عجم و بلاد ترک در اسیا و بحر اسود و از غرب و شمال میانه بحر اسود
و نهر دون و نهر ولگا واقعست و این قسم بچهار قطعه قسمت می
شود کاسان و اورنبرج و استرخان و کوه قاف اما قطعه کاسان که

کرانزا کازان نیز میگویند در جانب نهر کاما و نهر ولگا واقعست و
از جمله شهرهای مشهورهٔ ان کاسان است که میانه ان و نهر ولگا
مسافت سه میل است و سکان ان مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است
که ۱۲۰۰۰ نفس از انها تتر است و تجارت ان با بطرسبرج و
ارکانکل و استرخان و توبولسک و موسکو و اورنبرج است و سرمایه
تجارتش گندم و عسل و شمع و صابون و پوست و اسب است و
اما قطعه اورنبرج در زمان قدیم قصبهٔ ان شهر اورنبرج بوده
و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و از جمله شهرهای ان اوفا است
که مقدار ۴۰۰۰ نفس در ان ساکن است و ان حال قصبه این
قطعه است و اما قطعه استرخان قصبه ان شهر استرخان است و
در ان چند کارخانه از برای ساختن قماشهای پنبه و بارود و استخراج
نمک و رنگ کردن قمشه موجود است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰
نفس است و سرمایه تجارتش پوست بز و پیه و شراب و کاو و ماهی
است و ان مرکز تجارت وسیعی است میانه روسیا و بلاد عجم و
بخارا و اما خاکش چندان مرغوب نیست ولکن گندم و تتن و توت
بدون عیب در ان ثمر میرسد و میوه هایش مشهی و مقوی است
و در کناره های نهرها و جزائر نهر ولگا مرتعهای بسیاری است و
اهل این قطعه مقدار ۱۹۰۰۰۰ نفس از اسباط مختلفه مثل
روس و ارمن و تتر و کلموک و قزق و هنود و کرج است و از جمله نهرهای
اینقطعه نهر ولگا است که طول ان مقدار ۲۵۰۰ میل است و
کشتیها و زورقها مقدار ۲۰۰۰ میل در ان بالا میروند و دیگر
نهر اورال است که طولش مقدار ۴۵۰ میل است و دیگر نهر

کوماست وان نهر کوچکی است واما قطعه کوه قاف هوا وحاصل ان مختلفاستچه که برودت در کوهها شدت دارد وبعضی از انها مثل البرز که مقدار ۱۴۵۰۰ قدم ارتفاع دارد در مدت سال خالی از برف نیست اما جهت جنوبیه ووادیها وبیابانها هوای انها معتدل و جمیع غله های اقالیم معتدله در انها یافت میشود واینقطعه بچند قسم مختلف تقسیم میشود که از جمله انها بلاد کرج است در جهت جنوبیه کوه قاف وهوای این بلاد معتدل وخشک است واز جمله میوه های انها بادام وزردالو وکلابی وانجیر وانار وانکور است و از جمله معادن انها مس وقلع واهن است واز جمله نهرهای انها نهر کور ونهر رس است واما اهل انها مقدار ۲۳۸۰۰۰ نفس از طوائف کرج وارمن واتراك ویهود است واز شهرهای مشهوره این قسم تفلیس است واهلش بمقدار ۳۰۰۰۰ نفس میرسد ودر زمان قدیم تفلیس وایروان وقریه های انها تابع قسمی از بلاد عجم بوده و در سنه ۱۸۲۹ تابع مسکوب کردید واز جمله اقسام این قطعه قسمی استکه انرا ایمیریتیا مینامند وحدود ان از شمال کوه قاف واز شرق بلاد کرج واز جنوب بلاد ترك واز غرب بحر اسود است و این قسم در زمان قدیم جزئی از بلاد خلخیس بوده وحاصلهای ان مثل کرجستان است واهل ان مقدار ۱۴۵۰۰۰ نفس است و در جهت شمال این قسم قبیله اباسیه اند وایشان صاحب مکر و حیله وشر وفتنه اند وبا ارمن واتراك بپوست روباه وعسل وشمع وچوب بقس تجارت میکنند ودیکر از اقسام این قطعه بلاد جرکس است که در جهت شمالیه جبال کوه قاف است ونهر کوبان

که در بحر اسود ریخته میشود ونهر ترك ونهر کوما که در بحر خزر ریخته میشوند در این بلاد جاری میکردند واهل اینقطعه بقبائل مختلفه منقسم اند وجمیع مقدار ۴۷۰۰۰۰ نفس اند که بنظام در تحت حکم مسکوبی وفی الحقیقة اکابرشان بر انها حکومت دارند وایشان بسیار صاحب مکر وحیله وخباثت اند وبیشتر اعتمادشان باسب وچهارپایان است وبسرقت ونهب وغارت اشتغال دارند ودیکر از اقسام این قطعه بلاد داغستان است واهل ان مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس از جرکسیه وترکمان وارمن ویهود است واز جمله نهرهای ان نهر سمور است واز جمله شهرهای ان دربند است ودیکر بلاد شروان است وحدود انها از جهت شمال داغستان واز شرق بحر خزر واز جنوب قطعه کیلان واذربایجان واز غرب کرجستان است وعدد اهل انها از فرس وارمن وترکمان ویهود مقدار ۱۲۰۰۰۰ نفس است وسرمایه تجارت انها شراب وزعفران وافیون ونفط وماهی است واز اصول شهرهای این قسم باکو است وتجارتشان در اشیاء مذکوره بخصوص در نفط بیاض وسیع است و مجوس فرس وهند انرا شهر مقدس میدانند وبواسطه فوارات نفطی که در انست قصد ان مینمایند واهالی اصلیه این قطعه بحسن وجمال مشهوراند واز انجا بسیاری از کنیزان وغلامان را میکیرند ودر بلاد عثمانیه وفارسیه میفروشند **قسم سیم** از بلاد مسکوب در اسیا جزائر است واز جمله انها جزائر سیبیریای جدید است که در بحر شمالی واقعست وکسی در انها ساکن نیست وبعضی از جزیره های کوچك که در بوغاز بیرین است وسلسله جزائر الوتیان و

جزائر ثعالب که میانه کمشتکا ست وجزائر کوریل که در جهت جنوبیه
کمشتکا ست و بمقدار ۲۶ جزیره مشتمل است وبزرکترین انها
که جنوبیه انهاست تابع مملکت ژاپان است

فصل هشتم

در
بلاد ترک وان مملکت عثمانیه است دراسیا بدانکه املاک وسیعهٔ
ازدولت عثمانیه دراسیا واقعست وانها ازجهت شمال ببحر مرمرا
وبحر اسود وجزئی ازکرجستان وازشرق نیز بجزئی ازکرجستان
ومملکت عجم وازجنوب بخلیج عجم وبادیهٔ شام وبلاد عرب وبحر روم
وازغرب نیز ببحر روم وبحر مرمرا وبوغاز کلیبولی که دردانیل نیز انرا
میکویند وبوغاز قسطنطینیه محدود است ومعظم طول این بلاد
مقدار ۰۰۰۱ میل اعتیادی ومعظم عرض انها مقدار ۹۲۰ میل و
مساحت انها ۰۰۰۱۴۴ میل مربّع وسکّان انها ۰۰۰۰۰۴۱
نفر است واین مملکت بشش قسم تقسیم میشود اوّل اسیای
صغری وان برّ اناضول است دوّیم ارمینیا وان بلاد ارمن است
سیّم کردستان وان بلاد اکراد است چهارم جزیره که میانه
فرات ودجله است پنجم عراق عربی که نزد راس خلیج عجم است ششم
سوریه وفلسطین که انرا برّ شام میکویند قسم اوّل اسیای صغری
وجزائر تابعه انست واتراک انرا برّ اناضول مینامند وحدود ان از
جهت شمال بحر مرمرا وبحر اسود است وازغرب بوغاز قسطنطینیه
وبحر مرمرا وبوغاز یکه انها را بیکدیکر وصل میکند وازجنوب بحر روم
وازشرق خطّ مفروضی از راس خلیج اسکندرون بجهت شمال شرقی
تا جائیکه کوه لکام وکوه کورین که قدماء انرا کوه طوروس یا کوه ثور
نامیده اند بیکدیکر میرسند وازانجا بسر اینکوهها تا ثغر انوشروان

بنزدیکی

بنزدیکی نهر فرات وازانجا بکوهها ئیکه تالی غربی فرات است تا نزدیکی
۴۰ عرض شمالی و ۴۲ طول شرقی تا اینکه بحدّ بلاد ارمینیای غربی
برسد وحدّ شرقی ببحر اسود منتهی کردد وعرب این بلاد را ارض روم
نامیده بواسطه انکه تابع قیاصرهٔ رومیّه وقسطنطنیّه بوده ودراین
ایّام شهرهائیکه درنزدیکی حدّ ما بین ملاک مسلمین واملاک روم
واقعست ثغور شام وجزیره مینامند وازجمله انها ملطیه وحدثه و
مرعش وهارونیّه وعین زربه واذنه وطرطوس است وابواسحق
اصطخری درکتاب اقالیم ذکر کرده که در شام ثغوری استکه بعض
انها بثغور شام معروف وبعض دیکر بثغور جزیره موصوف وهردو
ازشامند بواسطه انکه هرچه ماوراء فراتست ازشام محسوب میشود
واتراک این بلاد را بسه قسم تقسیم کرده اند اوّل اناضولی در شمال
غربی دوّیم قرمان درجنوب شرقی سیّم ارض روم درشمال شرقی و
همچنین بایالتهای مختلفه نیز تقسیم شده مثل ایالت اناضول وقرمان
وسیواس وطرابزون وقونیا ومرعش واذنه ... وبدانکه دربلاد
اسیای صغری سلسله کوههای بلندی ممتدّ استکه ازجمله انها سلسله
کوه ایدا است درجهت شمال غربی که ترکها انرا قره طاغ مینامند ودیکر
سلسله کوههای طوروس استکه ازجهت شرق درجهات جنوبیه
ممتدّ است ومیانه این سلسله ودریای روم بیابانی فاصلست
واین سلسله بکوه لکام که ازجنوب درسوریه ممتدّ است متصّل
میشود ودرشمالی این سلسله سلسله دیکری استکه بجسنه
طاغ مسمّی است وامّا ارکی طاغ که بمسافت ۱۱۰ میل درجنوبی شهر
قیساریّه است بلندترین کوههای اسیای صغری استچه که ارتفاع

فصل هشتم

ان مقدار ١٣١٠٠ قدم است وازدور بمسافت ١٥٠ يا ١٨٠ ميل نمايان ميشود واما كوه اولمبوس كه دركتب قدماء مشهوراست درنزديكى شهر برسا است وحال انرا اناضولى طاغ مينامند وارتفاعش مقدار ٩١٠٠ قدم است واما اراضى كه ميانه نهر سكاريا وقزل ارمق واقعست بكوهها وشعبه هائيكه به الكس طاغ ناميده ميشود مشتمل است ودراين نواحى زلزله بسيار واقع ميشود چنانچه بعضى ذكر كرده اندكه درايام طيباريوس قيصر بواسطه زلزله سيزده شهر در اسياى صغرى در يكروز خراب شد وازكوههاى اين بلاد نهرهاى بسيارى بدرياهائيكه احاطه بانها دارند سرازشيب ميكردد ولكن بيشتر انها نهرهاى كوچك است وبزرگترين انها بطرف شمال جارى ميشود و ان نهر هاليس است كه حال بقزل ارمق موسوم است وازدو نهر مجتمع است كه يكى از انها شرقى وديگرى جنوبى است كه درنزديكى شهر بستان از حسنه طاغ بيرون ميايد واول بطرف غرب در وادى بستان جارى ميشود تا اينكه بنهر ايركلى ميرسد پس بجهت شمال برميگردد اما مخرج شرقى در شمال شرقى سيواس است و بطرف غرب جارى ميشود تا اينكه بجنوبى ميرسد وازانجا ميان كوهها جارى ميشود تا اينكه در ٤١٣٢٥٢ عرض شمالى و ٣٤١١٤٥ طول شرقى در بحر اسود ريخته ميشود وطول ان با قطع نظر از اعوجاجش مقدار ٤٠٠ ميل است واما نهر ايريسا كه حال به يشيل ارمق مسمى است از نهر هاليس كوچكتر است وازالتقاء سه نهر مجتمع است كه دو نهر انها از جنوب نزديكى شهر اماسيا بيكديگر ميرسند و سيم در وقت جريان از شرق بنزديكى شهر شكمه بانها ميرسد پس

در بلاد ترك در اسيا

بجهت شمال مائل بشرق جارى ميشود ودرنزديكى شهر سمسون در بحر اسود ريخته ميشود وطول ان از مصبش تا مخرج نهر شرقى كه در نزديكى قره حصار است مقدار ٢٠٠ ميل است واما مخرج نهر قنسا دركوههائى استكه ميانه انهائيكه بفرات وبحر اسود جارى ميشوند فاصله است وبيشتر جريان ان درجهت شمال غربى بمسافت ١٤٠ ميل است ودر بحر اسود ريخته ميشود واما نهر سكاريا مخرجش در اواسط بلاد است واول بجهت شمال غربى جارى ميشود وپس از ان بشمال شرقى ودر بحر اسود ريخته ميشود وطولش مقدار ٢٥٠ ميل است ونهرهاى كوچك بسيارى بان ميرسد وازجانب غربى مراد طاغ نهرهاى بسيارى سرازشيب ميكردد ودر بحر روم ريخته ميشود وازجانب غربى قره طاغ چند نهر در بحر مرمرا ريخته ميشود اما نهرهائيكه در بحر روم ريخته ميشود اعظم انها نهر ميانداست كه حال غديز كلى ناميده ميشود وديگر بيوك مندراستكه مخرجش در مراد طاغ است وبجنوب غربى جارى ميكردد ودر نزديكى ٣٧٢٠ عرض شمالى در بحر روم ريخته ميشود ونهرهاى كوچك بسيارى از شمال وجنوب بان ميرسد اما نهرهائيكه بجهت جنوب جارى ميشود اعظم انها نهر سيحون است كه مخرجش در وجه شمالى كوه طوروس است ودر بحر روم ريخته ميشود واما هواى اين بلاد خوش واعتدالش از هواى بلاد اوروپا كه در عرض معادل انهاست بيشتر است واين بواسطه انستكه كوهها كرمى هواى تابستان و درياها سردى هواى زمستان را تلطيف ميكنند مگر اينكه در اماكن جنوبيه حرارت شدت دارد ودر نواحى بحر اسود رطوبت

زیاده است ودر اسیای صغری در نزدیکی طوقات وقونیا وکمش
خانه تا جنوبی طرابزون معدنهای مس ونقره یافت میشود ولکن
حال زیاده از ثلث انچه قبل از ان استخراج میکردید استخراج
نمیشود ودر جمیع کوههای مجاورهٔ نهر فرات ودجله اسود دلائل
واثاری بر یافت شدن مس در انها مشهود است ودر نزدیکی شهر غربکیر
معدنهای طلا ونقره یافت میشود ودر کتاب حزقیال پیغمبر
مذکور استکه تجارت قوم توبال ومساخ در ظروف مس بوده
وانها در این زمین ساکن بوده اند ودیگر معدنهای اهن که اهالی
انجا فولاد از ان میسازند نیز یافت میشود ودر زمان قدیم زبرجد
در اناضولی وطلا در لیدیا وبلور در فنطوس وانواع مرمر در جهات
متوسط یافت میشده ولکن بعضی از این معادن در این ایام خالی و
بعضی دیگر بواسطه عدم اعتناء دولت واهالی بیفائده است و
در زمان قدیم سنگ مغناطیس در لیدیا یافت میشده واین
اسم از مغنیط اخذ شده وانها قومی بودند که در نواحی شهر مغنیسیا
ساکن میشدند ودر انجا سنگ لیدیا که سنگ محک است نیز
یافت میشود ∴ ∴ ∴ ∴ ∴ ∴ ∴ وازجمله حاصلهای این بلاد جمیع انواع
حبوب ومصطکی وتمر هندی ورز وپنبه وسرو وصنوبر ونوعی
از بلوط استکه عفص از ان چیده میشود وان دوائیست قابض
ومجفف که اعضاء سست را محکم میکند ودیگر زردالو وشفتالو
وسیب ودرخت بق که انرا بوقیصا نیز مینامند وبترکی قره اغاج
میکویند ودرخت وشیع وصفصاف وگردو ولیمون وپرتقال و
انار وانواع خربزه وامثال اینهاست وبعضی ذکر کرده اندکه

شاخه درخت رز در ان گاهی باندازهٔ غلظت جسم انسان میشود
ودر جنگلها وبیشه ها بدرختها بالا میرود واین بلاد با وجود این
که خاکش خوب واشجار ونباتات وجمیع انواع حبوب در انها یافت
میشود مع ذلک مخروبه وساکنین انها بالنسبة بوسعت وبرکت
وفراوانی نعمت انها کمست وازجمله حیوانات اسیای صغری اسبان
ترکمانیه وگاو وسیاه گوسفند وبز است ودر نواحی شهر انگورا
نوعی از بز یافت میشود که مویش دراز ودر نازکی ولطافت شبیه
حریر است وازان شالهائی بافته میشود که معادل شالهای
کشمیر نیست ودر انجا نیز نوعی از گوسفند یافت میشود که پشمش
خوب وممتاز است ودر هر سال دو مرتبه انرا میبرند ودیگر نوعی
از گربه که جثه اش بزرگ ومویش بسیار نرم است ودر کوههای
ان بسیاری از حیوانات وپرنده گان بیابانی یافت میشود و
امّا تجارت این بلاد از طرف برّ وبحر هردو میشود ولکن بیشتر
تجارت طرف دریا با فرنگها ورومیهاست واما طرف خشکی با
ارمنهاست وبیشتر مرکز ان شهر ازمیر است وسرمایهٔ تجارت
ان حریر وانجیر وموی بز وپشم گوسفند وشتر وپنبه وپوست
بز دباغی شده وعفص وکهربا ولاجورد است ودیگر بعضی از
عقاقیر مثل افیون ومشک وراوند وقنّه که بلغت فارسیه
انرا بیرزد میکویند وبعضی از چیزهائیکه بافته میشود مثل طناب
وفرش واز ازمیر تا ایدین در داخل بلاد خط اهن کشیده شده
وبواسطه ان تجارت انها بسیار وسیع است ودر شهر برسا
مناسج حریر ودر شهر اماسیا مناسج کتان فراهم ومهیاست

واهل اسیای صغری ترک وارمن وروم وترکمان وکرداند وهرگاه بلاد ارمن بان اضافه شود مقدار سه خمس اهلش ارمن وروم اند وارمن زیاده تراز روم است وبعمل تجارت مشغول وبمحبت مال منال موصوفند واما رومیها بعضی ازانها بتجارت امور معاش خود میگذرانند وبالفطرة صاحب مکر وحیله ودروغ وکینه اند وهر وقتکه مرد صالحی درمیانه ایشان ظاهر شد بقتل یا نفی او قیام کردند چنانچه بسقراط حکیم وارستیدس وغیرانها نمودند واینها خوردن گوشت رادر روز جمعه مذموم دانسته وکمال تحاشی از ان دارند واما ترکها بعضی ازانها بعمل زراعت وبعضی بحرف وصنائع اشتغال دارند ودر عمل مس وفولاد یدی طولی دارند واما ترکمان قبائل مختلفه اند واز برای هر قبیله شیخ یا امیریستکه بر دیگران استیلا دارد واعتماد انها باسب ومواشی است وفی الحقیقه اینها ترک اندکه بحالت اصلیه خود که در نواحی بلاد تتر بوده اند باقی مانده اند ودزدی ازایشان کمتر دیده میشود بخلاف اکراد که مشهورترین خصلت انها سرقت ونهب وغارت است وبیشتر انها در نواحی مرعش وحدود جزیره ساکنند ⁘ ⁘ ⁘ ⁘ اما شهرهای اسیا صغری از معموریت سابقه تنزل نموده وجانب عظیمی ازان خراب وویران است چنانچه افسس ولاذقیه وسردیس وملیطوس که از شهرهای مشهوره بوده اند بغیر از اثار مندرسه چیزی از انها باقی نیست ومشهورترین شهرهای ان در این ایام شهر ازمیر است که در راس خلیج ازمیر واقعست ومولد هومیروس شاعر یونانیست ویکی از هفت کنیسه که در سفر رؤیا مذکور است در

این شهر واقعست واین شهر قریب ده مرتبه بواسطه زلزله وجنگ خراب شده وحال ساکنین ان مقدار ۱۱۴۰۰۰ نفس استکه مقدار ۶۵۰۰۰ ازانها ترک و ۳۵۰۰۰ روم و ۱۰۰۰۰ ارمن و ۴۰۰۰ نفس فرنگ است وسرمایه تجارت ان حریر وپنبه وپشم وموی بز و طناب وفرش است ودیگر انجیر ومویز وبعضی از عقاقیر وبعضی از جواهرات ودر جنوبی ازمیر شهر افسس قدیم واقعست واز ان سوای بعضی اثار وبعضی پلها که هیکل ارطامیس در روی انها بنا شده چیزی باقی نمانده واما شهر غزل حصار همان شهر مغنیسیای قدیم است وحال محیطش مقدار ۴ میل است وتجارت پنبه و غزل دران وسیع است واثار هیکلی باسم ارطامیس دران باقی مانده وبوستانهایش وسیع وبدرخت سرو وپرتقال مشحون است واما شهر ملیطس قدیم در نزدیکی مصب نهر میندر در جانب جنوبی ان واقعست وحال بغیر از بعضی اثار چیز دیگر از ان باقی نیست ⁘ ⁘ ⁘ ⁘ ودر جهت شرقی ازمیر بمسافت ۵۰ میل بلده ایست که انرا سرت میگویند واین بلد همان سردیس قدیم استکه قصبهٔ مملکت لیدیا بوده واز اثار قدیمه ان که حال باقی مانده معلوم میشود که زمان قدیم بلد عظیمی بوده ودر جهت شمالی سردیس قریهٔ اق حصار واقعست واین همان شهر ثیاتیرهٔ قدیم است وطول ان ۲۷۴۶۱۵ شرقی وعرضش ۳۹۵۱۰ شمالیست ودران مقدار ۱۰۰۰ خانه استکه مقدار ۳۵۰ ازانها روم و ۲۵۰ یا ۳۰۰ ارمن وباقی ترک اند ودر جهت شرقی سردیس قریهٔ الله شهر واقعست واین همان شهر فیلادلفیای

قدیم است واهلش در عمل صباغت مشهور و معروفند و بواسطهٔ
انکه در یکی از طرق ازمیر واقعست تجارتش کم نیست و در جنوب
شرقی الله شهر شهر لاذقیه قدیم است که حال انرا اسکی حصار می
نامند و در نزدیکی ان شهر دنزلو است که غوطهٔ شبیه بغوطهٔ دمشق
دارد و در سنه ۱۷۱۵ بزلزله عظیمی که مقدار ۱۲۰۰۰ نفس در ان
هلاک شدند خواب کردید و در این وادی علامات و اثار براکینهٔ
بسیاری است و بواسطه کثرت حدوث زلزله در این اراضی انهارا
بلاد محترقه نامیده اند و در جهت شرقیهٔ اسکی حصار بمسافت چند
میل شهر کولوسایس قدیم واقعست و در جهت شمالیهٔ ازمیر شهر
برغما واقعست و این همان شهر برغاموس قدیم است و اهالی ان مقدار
۱۵۰۰۰ نفس از ترک و ارمن و روم و یهود است و در ان جامع
بزرکی است که بعضی کفته اند کنیسه نصارائی است که یوحنا
کاتب و معلم انها بوده و در زمان قدیم کتابخانه در ان بوده که
بمقدار ۲۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل بوده و بحسب انچه مشهور و
معروفست جالینوس حکیم در این شهر تولد یافته و اما شهر برسا
طولش مقدار ۲۷° ۵′ ۲۶″ شرقی و عرضش مقدار ۴۰° ۲۷′ ۲″
شمالیست و در طرف جنوبی شرقی وادی یا بقعهٔ واقعست که
طولش مقدار ۲۰ میل و عرضش مقدار ۴ میل است و بناهای
اینشهر از چوب است و از این جهت غالبًا اتش میکیرد و بازارهای
ان تنک و اهلش مقدار ۴۰۰۰۰ و بعضی ۶۰۰۰۰ نفس ذکر کرده اند
و در زمان سابق پای تخت سلاطین عثمانیه بوده و در ان کار
خانه های بسیاری است که قماشهای حریر در انها بافته میشود

واما شهر نیقیای قدیم که حال انرا ازنیک مینامند در طرف شرقی
بحیرهٔ که متصل بخلیج جنوبی بحر مرمرا است واقعست و از سنکهای
شهر قدیم بنا شده و قابل ذکر نیست و در طرف شرقی خلیج دیکری
که از بحر مرمرا ممتد است شهر نیکومیدیای قدیم واقعست که حال
انرا ازنکمید مینامند و قسطنطین ملک در ان وفات یافته و بر
مقدار ۷۰۰۰ خانه مشتمل است و در جهت شمال غربی ان شهر
خلکیدون قدیم واقعست و حال در ان غیر از بوستانها و درخت
و چیزی نیست و اما شهر اسکودار که متجه قسطنطینیه است
اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و قافله هائیکه از داخل بلاد
میایند و بقسطنطینیه میروند از ان عبور میکنند و اما شهرهائی
که در ریف بحر اسود واقعست از جمله انها شهر سمسون است که
در ۳۶° طول شرقی و ۴۳° عرض شمالیست و اهلش مقدار ۳۰۰۰
نفس است و دیکر شهر طرابزون است که اهلش مقدار ۲۵۰۰۰
نفس است و انرا ادریانوس ملک بنا کرده و سلطان سلیم اول
مدتی در ان اقامت داشته و از جمله شهرهائیکه در ریف بحر روم
یا نزدیکی ان در جنوبی بلاد واقعست شهر اذنه است و بوستانهای
وسیعهٔ که از جمله اشجار انها رز و توت و زردالو و انجیر و زیتون
است احاطه بان دارد و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و
ابو الفداء ذکر کرده که احمد کاتب کفته که این شهر از بناهای رشید
است که طرطوس را نیز بنا کرده و شاید که مقصود احمد از بنا و
اصلاح و تعمیر باشد چه که انها پیش از زمان رشید بنا شده اند
و یاقوت در مشترک ذکر کرده که اذنه شهر مشهوری است و

از جمله ثغور بوده وابن حوقل گفته که اذنه شهری استکه در غربی
نهر سیحان واقعست ودر روی این نهر پل طولانی کشیده شده
که بنای ان عجیب است واذنه بمسافت دوازده میل از مصیصه
واقع است ومیانه ان وطرطوس ۱۸ میل است انتهی کلام ابی الفدا
امّا طرطوس در زمان قدیم قصبه کیلیکیا بوده وپولس رسول در
ان تولد یافته وساکنین حالیّه ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است وسرتمام
تجارت ان گندم وجو وپنبه ومس است وابو الفداء ذکر کرده که
طرطوس شهری مشهور وثغری از ناحیهٔ بلاد روم است که در
کنار دریای شامی واقعست وزمین ان بسیار خوب ومرغوب است
انتهی واین شهر در ردائت وبدی اب وهوا شبیه باسکندرونه
است ودیگر از شهرهای جنوبیّه ادالیه است که در ۵ ۴ ۳
طول شرقی و ۵۰ ۶ ۳ عرض شمالیست واهلش مقدار ۸۰۰۰
نفس است ودر رأس خلیج ادالیه واقعست وشهر مقری در رأس
خلیج مقری در نزدیکی ان واقعست وخرابه وویرانست واز
انجا چوب بمصر ونمك ومواشی وچوب بجزیره رودس میرود وخلیج
مرمریس محاذی جزیره رودس است وبندرامینی است از برای
کشتیها ومحیطش مقدار ۲۰ میل است واز جمله شهرهائی که در
داخل بلاد واقعست کوتاهیه است واهلش مقدار ۵۰۰۰۰
نفس است وان مقرّ والی یالت اناضولیست ودر جانب غربی
نهر کوچکی که بجهت شمال شرقی جاری میشود ودر بحر سکاریا
ریخته میشود واقعست ودر جهت شمال شرقی ان شهر اسکی
شهر واقعست ودر شمال غربی اسکی شهر شهر شغوت بنزدیکی

شط

شط نهر سکاریا واقعست ودر جهت جنوبیّه کوتاهیه که مائل
بشرق است شهر قره افیون حصار است وبواسطه انکه تجارتش
در افیون است باین اسم مسمّی شده ودران مقدار ۱۲۰۰۰ خانه
است وهرسال مقدار ۱۰۰۰۰ اقّة افیون دران فروخته میشود
وطول این شهر ۳۲۱۳۵ شرقی وعرضش ۳ ۸ ۳۳ شمالیست و
بمسافت ۱۴۰ میل از ازمیر و ۱۰۴ میل از انکوره واقعست و
بیشتر فرشهائیکه در ازمیر فروخته میشود در بلادیکه میانه
ان وافیون قره حصار واقعست ساخته میشود واما شهر قونیا
بار ونی که طولش مقدار سه میل است بان حاطه دارد ونزدیکی
ان بوستانهای وسیعی است که انواع میوه ها در انها یافت می
شود واز نهرهای کوچکی که از کوههای ناحیه غرب جاری میشود
ودر بحیرهٔ از ناحیهٔ شمال شرقی ریخته میشود سیراب میکردند
واین بحیره در فصل زمستان مسافت زیادی از بیابانهائی
که مجاور انست فرو میگیرد واز جمله حاصلهای ان گندم وپنبه
وکتان است ودر اینشهر طناب وفرشها بافته میشود ودیگر
پوستهائیکه برنك کبود وزرد دبّاغی شده از انجا میگیرند و
اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است ودر سمت جنوب شرقی قونیا
بمسافت ۵۰ میل شهر قرمان واقعست ودر زمان قدیم محلّ
اقامت سلطان مملکت قرمان بوده که سابق ذکر شد وامّا شهر
انقره که انرا انکوریه نیز میگویند عرضش ۱۳۹۳۱ شمالی وطولش
۳۲۴۱۴۲ شرقیست ودر بیابانیکه از مساوات سطح دریا
بسیار مرتفعست واقع شده ودران قلعه بزرگی است واز اثار

شهر قدیم خرابه های هیکل جوبتیر و هیکل دیکری باقی است و
اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس از مسلمان و ۵۰۰۰ از نصاری
و ۲۰۰۰ از یهود است و هر سال مقدار ۵۰۰۰۰ اقّه پشم و
مقدار زیادی مصطکی و صمغ و شمع و عسل و پوست بز از
انجا ببلاد دیکر میرود و از جمله شهرهای اسیای صغری شهر
اماسیا ست در طول شرقی ۳٤ ۱۲ و عرض شمالی ۴۰ ۲۰ و
در وادی که در دو طرف نهر ایرسا ست واقعست و بوستانهای
بسیاری دارد که با دلو انها را اب میدهند و اهلش مقدار ۵۰۰۰
نفس است و بیشتر انها نصاری هستند و استرابون مشهور
که در جغرافیا صاحب مؤلّفات کثیره است در ان تولد یافته و از
جمله شهرهای ان توقات است در عرض ۳۹ ۵۵ شمالی و طول
۳٤ ۳ شرقی و بمسافت ۱۰ ساعت از اماسیا در جهت جنوب
شرقی واقعست و تجارت برّیه ان وسیع است و سرمایهٔ اش مسینه
الات و اقمشه حریر و پوستهای بز است که برنك کبود دبّاغی شده
و اهلش مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است و از امّهات شهرهای اسیای
صغری سیواس است که در جهت جنوبی توقات بمسافت ۲۰ مید
در نزدیکی یکی از منحنیهای نهر قزل ارمق واقعست و اهلش به
تربیت اسب اعتماد دارند امّا شهر قیساریّه در جهت جنوب
غربی سیواس بمسافت سیر ۳٤ ساعت واقعست و اهلش مقدار
۲۵۰۰۰ نفس است که ۵۰۰ از انها ارمن و ۳۰۰ روم و
۱۵۰ یهود و مابقی ترك است و این شهر مرکز تجارت وسیعی است
بخصوص در پنبه و انچه از ان بافته میشود و امّا شهر ملطیه در

نزدیکی

نزدیکی فرات و مصبّ نهر قره صو واقعست و اهلش مقدار ۱۱۰۰۰
نفس است که ۸۰۰۰ از انها اسلام و ۳۰۰۰ ارمن است و
در زمان قدیم از شهرهای مشهوره بوده ولکن حال از عظمت
قبل بسیار تنزّل کرده و ابو الفداء ذکر کرده که ان شهریست صاحب
اشجار و میوه ها و نهرها و در نزدیکی کختا و کرکر و شمالی زبطره
واقعست و مسافت میانه ان و کختا و کرکر دو منزل و میانه ان
و زبطره منزل بزرکیست و از برای ملطیه قناتهای بسیاریست
که داخل ان میشود و در خانه ها و کوچه ها میکذرد و کوههای
بعیده بان احاطه دارد انتهی و ابو اسحق اصطخری ذکر کرده که *
ملطیه شهری بزرك و از بزرکترین ثغور و سنّور است و کوههای
بسیاری که کردو و سایر میوه های انها فراوان و بیصاحبست
بان احاطه دارد انتهی و ظاهر انست که موقع حالیّه ان غیر از
موقع قدیمی است و در جنوب ملطیه شهر سمیساط و در غربی
سمیساط شهر مرعش و در جنوب غربی مرعش عین زربه واقع
است و جمیع اینها از جمله ثغور و سنّور اند و بعضی انها را از شام
و بعضی از اسیای صغری شمرده اند ولکن بحسب حدّیکه در اوّل
این فصل ذکر شد از اسیای صغری محسوب میشوند و از این جهة
در این قسم ذکر شد ⁘ ⁘ ⁘ امّا جزائر تابعهٔ این قسم از املاك
عثمانیّه در اسیا جزیرهٔ مرمرا و جزیرهٔ ارتاکوی و غیر اینهاست
که در بحر مرمرا واقع است و دیکر جزیره تیندوس است که در
نزدیکی مدخل بوغاز دردنیل است و بواسطه انکه در اشعار
هومیروس یونانی و فرجیلیوس رومانی ذکر شده مشهور و معروف است

وایشان انرا بغنی و برکت و فراوانی نعمت وصف کرده اند و دیگر
جزیره متلینو است که انرا لسبوس نیز میکویند و از زمان قدیم به
خوبی شراب و حسن زنان و خوش اوازی مغنیان مشهور و تا
حال هم بهمین منوال باقی است و هوایش بسیار خوبست بقسمی که
کویا تمام سال فصل بهار است و دران درخت رز و زیتون و
مصطکی و دیگر انواع میوه ها بسیار است و زمینش بچشمه ها و
جویهای بسیاری که از کوهها سراشیب میشود سیراب میکردد
وطول این جزیره مقدار ۳۶ میل از میلهای جغرافیّه است و
عرضش مقدار ۲۵ میل و محیطش مقدار ۱۰۰ میل و اهلش مقدا
۴۰۰۰۰ نفس است و دیگر جزیره شیو است که بواسطه زیادتی
مصطکی انرا جزیره مصطکی نیز میکویند و دران انواع میوه ها یافت
میشود و دیگر جزیره ساموس است که مولد فیثاغورس فیلسوف
معروف است و بمسافت ۴۲ میل در جنوب شرقی شیو واقع
است و طولش مقدار ۲۶ میل و عرضش مقدار ۱۲ میل و
محیطش ۷۰ میل است و دران دو سلسله کوه هست که ارتفاع
بعض انها بمقدار ۴۷۵۲ قدم میرسد و از جمله حاصلهای ان
حبوب و انکور و انجیر و انواع خربزه و انار و امثال اینها ست و
اهلش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و در جهت غربی ان جزیرهٔ
نیکاریا ست و اهلش فقیر و بی بضاعت و صاحب کبر و نخوت و
خود شانرا از سلاله قسطنطین ملک میدانند و ازان دودمان
میشمارند و مثل معروف که میکویند از استر سؤال کردند که
پدر تو کیست جواب داد که حصان خالوی من است در حق انها

صادق است و عدد انها مقدار ۳۰۰۰ نفس است و دیگر جزیره
ستانکیو است که مولد بقراط طبیب مشهور است و دیگر جزیره
بطمس است و ان جزیره ایست که یوحنّای رسول را بان نفی کردند
و کتاب رؤیا را در انجا نوشت و دیگر جزیره کرید است که ان را
قرطیش نیز میکویند و طول ان مقدار ۱۷۲ میل و عرضش مقدار
۲۵ میل و محیطش ۵۰۰ میل است و میوه و چوب و سائر
حاصلهای ان بخصوص زیتون بسیار است و از جمله شهرهای ان
کانیا است که در جهت شمال غربی واقعست و اهلش مقدار
۱۵۰۰۰ نفس است و دیگر جزیره کندیا ست که در جهت شمالیّه
واقعست و اهلش مطابق کانیا ست و در زمان قدیم قومی از عرب
داخل ان شدند که تا هنوز در نواحی کوه ایدا باقی اند و بلغت
عربیّه تکلم میکنند و بیشتر اهل این جزیره ترک و روم و مردمانی
جاهل و نادانند و دیگر جزیره رودس است که طولش مقدار ۴۰
میل و عرضش مقدار ۱۵ میل و محیطش مقدار ۱۲۰ میل است
و هوایش خوش و معتدل و خاکش خوب و مرغوب و در زمان قدیم
حاصلهای ان بسیار بوده و حال بجهت بسیاری از لوازم معیشت محتاج
بخارج است ولکن شراب و بعضی میوه ها دران یافت میشود
و نشیمن ان شهر رودس است که در جهت شمال شرقی واقعست
و اهلش مقدار ۵۰۰۰ نفس از ترک و ۱۰۰۰ نفس از یهود است
و دیگر جزیره قبرس است که از حیثیّت وسعت سیّمی جزائر بحر
متوسّطست و طولش مقدار ۱۴۰ میل و معظم عرضش ۶۰ میل
است و ساکنین حالیّه ان مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است و از جمله

شهرهای ان نیقوسیه یا فقسیه است وان در اواسط جزیره دربیا با نیکه کوهها بان احاطه دارد واقعست و زمان قدیم مقر ملوک قبرس بوده و دیکر شهر لارنیکه است که در جنوب شرقی واقعست و مقر قونسولهای دول خارجه است و از جمله حاصلهای قبرس توت و زیتون و سرو و صنوبر و اس و شقائق نعمان و نرجس و خشخاش و انواع بسیاری از میوه ها و حبوب و پنبه است و شرابش مشهور و معروف و حریرش خوب و بسیاری از حیوانات و طیور اهلیّه و چند نوع از طیور برّیه و از حیوانات برّیه روباه و خرکوش دران یافت میشود و مارش بسیار است و زهر بعضی از انها مهلک است **قسم دوّیم** از املاک عثمانیّه در اسیا ارمینیه یعنی بلاد ارمن است وان از جهت شمال ببحر اسود و کرجستان و از شرق بکوهستان و جزئی از بلاد عجم و از جنوب بکردستان و جزیره و از غرب باسیای صغری محدود است اما مملکت ارمینیه قدیمه وسعتش از مملکت حالیّه زیاده تر بوده و لکن قبل از تاریخ مسیحی بمدّت کمی جانبی از ان بمملکت رومانیّه اضافه شد و بعد از ان استقلال یافت و باستقلال خود باقی بود تا اینکه ترکها انرا مالک شدند پس جزئی از ان ببلاد عجم اضافه شد و کوههای بلند بسیاری دران ممتد است چنانچه میانه شهر ارز روم و طرابزون پنج سلسله بمحاذات یکدیکر ممتد است و در جهت شرقی ان کوه ارارط است که کشتی نوح بان قرار کرفته وان فی الحقیقة دو کوه است که یکی از انها بزرکتر از دیکری است اما انکه بزرکتر است ارتفاعش مقدار ۱۷۳۰۰ قدم است و سرش

در ۳۹۴۲ عرض شمالی و ۴۱۵۵ طول شرقی است و اما کوچکتر ارتفاعش مقدار ۱۴۵۰۰ قدم است و در ۳۹۳۹ عرض شمالی و ۴۲۲ طول شرقی در جهت جنوب شرقی کوه بزرکتر واقعست و میانه انها وادی عریض وسیعی است و بعضی از سیّاحها بعسرت و مشقت بالای ان رفته و ابو اسحق اصطخری این دو کوه را تابع بلاد اذربایجان قرار داده و انها را حرث و حُویرث نامیده چنانچه کفته که در ارمینیه کوه های بسیاری ممتد است که از جمله انها کوه بزرکی است که انرا حرث مینامند و بالا رفتن بان بسیار مشکل است و هیچ وقت خالی از برف نیست و پائین ان کوه کوچکتری است که حویرث نامیده میشود انتهی و کوه بزرکتر بمسافت بسیاری از دور دیده میشود و در سفح شمالی ان بیشه های وسیعی است که خنزیرهای برّی و طیور دران مسکن میکیرند و دران مغاره های بسیاری است که مأوای دزدهای اکراد است و از جمله نهرهای این بلاد فرات است وان از دو نهر مجتمع است که مخرج یکی از انها نزدیک شهر ارز روم است و قره صو نامیده میشود و مخرج دیکری در کوههای جنوب غربی ارارط است و مراد صو نامیده میشود و بجهت جنوب غربی جاری میکردد و نزدیک شهر کبان بیکدیکر میرسند و از انجا بجنوب شهر دیرین جاری میشوند و از انجا نهر بجهت جنوب بر میکردد و تا نزدیکی ملطیه میرود و میانه جزیره و اسیای صغری فاصله میشود و دیکر نهر رس است که از کوههای شمالی ارز روم بیرون می اید و بجهت شرق جاری میشود و در بلاد کرجستان میکذرد

وذکر ان پیش گذشت و از جمله بحیرات ان بحیرهٔ وان است که در
حدود ارمینیه و کردستانست و انرا بحیرهٔ ارجیش نیز مینامند و
طولش مقدار ٣٠ میل و عرضش میانه ٩ میل و ١٢ میل است و
دیگر بحیره نزوك است که در شمالی بحیره وان است و میانه انها
سلسله کوههای بلندیست اما هوای این بلاد سرد و بعض
کوههای انها در ایام سال خالی از برف نمیماند مگر گاهی در ماه حزیران
و تموز که برف ان زایل میشود ولکن در ناحیه حدود جزیره هوا
معتدل و مرتعهایش خوب و مواشی بسیار و حبوب و گردو و سیب
ان فراوان است و در شطهای فرات درخت رز و زیتون
یافت میشود و از جمله معدنهای انها اهن و مس است اما سکان
ارمینیه ارمن و ترك و ترکمان و کرد است و ساکنین اصلیهٔ ان
ارمن اند که در سال ٤ دین مسیحی را قبول کردند و از جمله شهرهای
ارمینیه ارزروم است که انرا ارزن روم نیز میگویند و در ان
بیابان وسیعی است که از مساوات دریا بمقدار ٥٧٠ قدم
مرتفع است و اهلش مقدار ٣٥٠٠ نفس است و ابو الفداء
ذکر کرده که این همان شهریست که در بعضی از کتب عربیه انرا قالی
قلا نامیده اند و دیگر شهر بایزید است که نزدیك کوه ارارط
در جهت شمال غربی حدود بلاد عجم بمسافت ده میل واقعست و
اهلش مقدار ٣٠٠٠٠ نفس است و دیگر شهر موش است که
در جهت جنوبیه قره صو واقعست و شهر وان که در جهت شرقیه
وان است **قسم سیم** از املاك عثمانیه در اسیا کردستان
است و ان از جهت شمال با ارمینیه و از شرق بسلسله کوههائی که

میان ان و بلاد عجم فاصله میشوند و از جنوب بنهر زاب اصغر و
از غرب بنهر دجله محدود است و بیشتر اهل ان اکراد و نساطره
اند و بیشتر نساطره در کوههای شمال شرقی موصل تا حد بحیرهٔ ارومیه
که در بلاد عجم است ساکنند و در چند سال اکراد بانها هجوم اوردند
و جماعت بسیاری از انها را کشتند و اسیر کردند و ایشان قبائل
متفرقه بودند که اکابرشان بر انها حکومت داشتند و بعد از ان
که نساطره را مخذول و منکوب کردند دولت عثمانی سپاه خود را
فرستاد و بر انها ظفر یافت و جمیع را در تحت اطاعت خود اورد
و از جمله نهرهای این بلاد خابور است که از کوههائیکه میانه شهر
تبلیس و بحیرهٔ وان واقعست بیرون میاید و بجنوب غربی جاری
میشود و از تبلیس و سعرت میگذرد و در نهر دجله بمسافت
١٥ میل از شهر زاخو ریخته میشود و دیگر نهر زاب علی است که
از کوههای حد اذربایجان بیرون میاید و بجهت جنوب جاری میشود
و نزدیك موضعی که انرا سن میگویند در دجله ریخته میشود
بواسطه حدت و شدت جریانش انرا اب مجنون نیز مینامند و اما
خاك این بلاد خوب و مرغوب و انواع حبوب و میوه ها در انها
بثمر میرسد و بیشتر کوههای انها بدرخت بلوط که عفص از ان
چیده میشود مکتسی است و فقراء اکراد از این بلوط بجهة خود
نانی طبخ میکنند و دیگر از شهرهای کردستان تبلیس یا بدلیس است
که در غربی بحیرهٔ وان نزدیك محل التقاء دو نهر که نهر خابور از
انها مجتمع است واقعست و ان از شهرهای قدیم و مقر امراء اکراد
بوده و اهالی ان مقدار ١٢٠٠٠ نفس است که نصف انها ارمن اند

واین شهر در ۴۲۵۰ طول شرقی و ۳۷۳۰ عرض شمالی واقع است ومیانشان وبحیرهٔ وان مسافت ۲۰ میل است ودیگر شهر سعرت است که بمسافت ۵۴ میل در جنوب غربی تبلیس در بیابانی که از نهر خابور سیراب میشود واقعست واهلش به مقدار ۳۰۰۰ نفس از اکراد وارمن ویعقوبیه ونساطره میرسد وعرضش ۳۸ شمالی وطولش ۴۲۴۰ شرقی است ودر نزدیکی ان درخت انار وانجیر ورز بسیار است وتمام انها از اب باران سیراب میشوند ودیگر شهر زاکو است که بمسافت ۱۵ میل ان مصبّ خابور در دجله واقع است وزمینهای اطرافش خصیب ومیوه های انها بسیار است ودیگر شهر عمادیه است که به مسافت ۳ منزل در شمال شرقی موصل واقعست ودران قلعهٔ ایست که اب جاری از زیران میگذرد وبیشتر ساکنین حالیهٔ ان یهود ونساطره اند ودر عرض شمالی ۴۷۲۹ واقعست و ارتفاعش از مساوات دریا مقدار ۴۲۶۵ قدم است وبیشتر خانه هایش منهدم وبازارهایش مخروبه است ودر شمال شرقی ان در یکی از وادیهائیکه داخل وادی زاب اکبر است شهر جاد واقعست که انرا جولامرک میگویند ومقرّ بطریک نساطره است

قسم چهارم از املاک عثمانیه در اسیا جزیره است بدان که اراضی واقعه میانه فرات ودجله بدو قسم منقسم است یکی جنوبی که عراق عرب نامیده میشود ودیگری شمالی والجزیره است که از جهت شمال بارمینیه واز شرق بکردستان واز جنوب بعراق عرب واز غرب باسیای صغری وسوریا وبادیهٔ شام

محدود است ودر توریة ما بین النهرین نامیده شده وبعضی ذکر کرده اند که بواسطه انکه قبیله ربیعه وبکر ومُضر از یمن رحلت کردند ودر شمالی ما بین النهرین ساکن شدند این نواحی را دیار بکر و ربیعه ومضر میگفتند واز جمله نهرهای این قسم فرات ودجله و خابور است واین غیر از نهر خابوریست که سابقا ذکر شد ومخرج ان نزدیک موضعی است که انرا رأس عین وعین ورده نیز میگویند ونزدیکی شهر قرقیسا در فرات ریخته میشود ودر دو جانب ان درختهای بسیار بیست وشعر خارجیّه در مرثیه ابن طریف که گفته

ایا شجر الخابور ما لک مورقا کانک لم تجزع علی ابن طریف

اشاره بانست یعنی ای درخت خابور چرا برگهای تو نریخته گویا در مصیبت ابن طریف جزع وناله نکرده امّا خاک این بلاد بخصوص اراضی که نزدیک نهرهاست خوب ومرغوب است ولکن هوای انها بواسطه وزیدن باد سموم خوب نیست ودر بیابانهای انها شیر ونوعی از درنده کان که در غیر انها معهود نیست وحمار وحشی واهو یافت میشود واشجار انها سرو وصفصاف وپرتقال ولیمو وتوت وتمر هندی است واهل انها اکراد ویعاقبه ونساطره وارمن واتراک ویزیدیّه وعرب است امّا شهرهای جزیره از جمله انها سروج است که ابو زید سروجی منسوب بان است ودر زمان قدیم اب وبوستانها ومیوه های ان بسیار بوده ولکن حال قابل ذکر نیست وبنهایت درجه انحطاط یافته ودیگر شهر ماردین است که اهلش مقدار ۱۱۰۰۰ نفس از نصاری واسلام وافتاب پرست واتش پرست است ودیگر از شهرهای ان رحبه است که در غربی فرات نزدیک موقع

رحبه مالک بن طوق که از قوادهای هرون الرشید بوده واقعست
و رحبه جدید در یک فرسخی فرات است و از دیار بکر محسوب می
شود و دیگر شهر قرقیسا است که از دیار مضر شمرده میشود اما
شهر داره در اصل کوه ماردین واقعست و در نزدیکی ان قبرهای
بسیاریست که روی بعضی از انها بخط یونانی نوشته شده و بواسطه
انکه نزدیک بمحو شدن است خوانده نمیشود و مواضعیکه باین
اسم موسوم است بسیار است چنانچه یاقوت در مشترک زیاده
از ۴۰ از انها ذکر کرده و فیروزابادی در قاموس زیاده از ۱۰۰
از انها تعداد نموده و شیخ ابوحسین احمد بن فارس در خصوص
جاهائیکه باین اسم معروف است کتابی تالیف کرده و انرا نیز داره
نامیده است و دیگر شهر دیاربکر است که از سنگهای سیاه
بنا شده و از این جهة ترکها انرا قره امید مینامند و محیطش مقدار
سه میل است و دران قلعه ایست که مشرف بدجله است و اهلش
ارمن و اتراک و یعقوبیه و نساطره است و قماشهای حریر و پنبه
دران بافته میشود و دجله ان نهر کوچکی است که بدون جسر در
وقتی که اب باران جمع نشده باشد از ان میگذرند و طول این شهر
۳۹۵۲ شرقی و عرضش ۳۷۵۵ شمالی است و بمسافت ۱۸
ساعت از ماردین واقعست و دیگر شهر نصیبین است که در
جنوب شرقی داره بمسافت ۱۸ میل واقعست و ابواسحق اصطخری ذکر
کرده که ان شهریست عظیم و وسیع و خصیب و با خیر و برکت و
لکن عقربهای موذی و مهلک دارد و وبا و بسیاری از امراض
دران حادث میشود و کل انرا بافاق میبرند انتهی و این شهر از

دیار ربیعه است و مختص بگل سفید است و گل سرخ دران یافت
نمیشود و دیگر شهر موصل است که در جانب غربی دجله واقع است
و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و در جانب شرقی دجله موقع
شهر نینوا است که یونان رسول را خداوند بان مبعوث نمود و
دیگر جزیره ابن عمر است و ان شهر کوچکی است در غربی دجله و
یاقوت در مشترک ذکر کرده که طائفه بزرگی از اهل علم بان منسوبند
که از جمله انها بنی اثیر اند که مبارک صاحب کتاب جامع الاصول
فی احادیث الرسول و نصر الله صاحب انشاء و بلاغت و علی صاحب
تاریخ است و بواسطه نسبت انها باین جزیره هر یکرا جزری می
گویند و دیگر شهر عانه است که شرابش بخوبی موصوف است و
دیگر بوازیج است که میانه اربل و تکریت است و بعضی از علما
بان منسوبند و دیگر سن است که نزدیک مصب زاب صغیر واقع
است و دیگر تکریت است و ان اخر شهرهای جزیره است که تالی
عراق است و در غربی دجله بمسافت ۴ روز از موصل واقعست
و در جنوبی ان ترعه ایست که نهر اسحاقی نامیده میشود و این شهر
اول حد سواد عراق است و دران قلعه بوده که شاپور پسر اردشیر
ابن بابک انرا بنا کرده و حال خراب و ویران است **قسم پنجم**
از املاک عثمانیه در اسیا عراق است و ان از جهت شمال بجزیره
و کردستان و از شرق ببلاد عجم و از جنوب ببادیه و خلیج عجم
که بحر فارس نیز نامیده میشود و از غرب ببادیه محدود است
و دران چند ترعه و نهرهای فرات و دجله است که بیابانها و
جاهائیکه محل سیل است از انها سیراب میشود و از جمله انها

نهر عیسی است که منسوب بعیسی بن عبد الله عباسی است وان
از نهر فرات بیرون میاید و در دجله ریخته میشود و دیکر نهر صرصر
است در جنوبی نهر عیسی و نهرهالکه در جنوبی نهر صرصر و جمیع اینها
در دجله ریخته میشوند و از جمله شهرهای عراق بغداد استکه
انرا شهر سلام نیز میکویند و در عرض شمالی ۳۳ ۱۹ ۴۰ و طول
شرقی ۴۴ ۴ ۵ ۴ ۵ در دو جانب دجله واقعست و بعضی کفته
اندکه جانب غربی کرخ نامیده میشود وان جائی استکه ابن زریق
بغدادی اشاره بان کرده استودع الله فی بغداد لی قمراً * با
لکرخ من فلک الازرار مطلعه وابی جعفر منصور دران ساکن بوده
و بعد از انکه بغداد بنا شد ملقب بزوراء کردید چنانچه شیخ عمر
ابن فارض کفته ارج النسیم سری من الزوراء سحراً فاحیا میت
الاحیاء ویاقوت در مشترک کفته که زوراء اسم دجله بغداد
است بمناسبت میل و عروج ان وجانب شرقی انرا هرون رشید
رصافه نامیده است و دران قصرها از برای خود بنا کرده بود و
درانوقت رصافه بهجت عظیمی داشت وتا انقراض دولت بنی عبّاس
بهمین حالت باقی بود و پس از ان از عظمت قدیمه انحطاط یافت و
بنای این شهر از خزفی استکه معروف بقرمید است واهل ان در
فصل تابستان از شدّت کرمی هوا روزها در سردابها و شبها
بالای بامها میخوابند واز عمارات و قصرهای خلفاء بقیّه باقی مانده
واهل ان مقدار ... نفس است و این شهر معدن علماء و شعراء
و فقهاء و مشاهیر در هر علم و فنّی بوده و از متأخّرین انها که عهدش
نزدیکتر از همه است شیخ عبد الباقی افندی عمری استکه در

مدح داود پاشا وزیر بغداد قصیده نظم کرده که در قوافی ان لفظ
خال را ملتزم شده و مطلع ان اینست الی الرّوم اصبو کلّما اومض
الخال فاسکب دمعاً دون تسکابه الخال واز جمله انها شیخ عبد
الحمید موصلی و شیخ صالح تمیمی است امّا تجارت بغداد بیشتر
در چیزهائیست که از هند و بنکاله وارد ان میشود واهلش
عرب و فارس و ترک و هنود است واز جمله شهرهای عراق هیت
استکه در غربی فرات واقعست و دیکر حلّه استکه شیخ صفیّ
الدین بن سرایای حلّی صاحب دیوان مشهور و محبوکات الارتقیّه
منسوب بانست امّا شهر کوفه سعد بن ابی وقّاص که از جمله صحابه
حضرت رسول صلعم بود در زمان خلافت عمر بن خطّاب انرا بنا کرد و جماعتی
از نحوییّن منسوب بانند واهلش در عربیّت محلّ وثوق واعتماد
بوده اند واحمد بن حسین که معروف بمتنبّی است سنه ۳۰۳
هجری دران تولّد یافته و در نزدیکی ان مسجد امیر المؤمنین علیّ بن
ابیطالب ع است وان مدفن انحضرت و فرزند دلبند او حضرت
سیّد الشهداء علیه السلام است و طائفه باطنیه که در روز
از انها پیدا شد و طائفه قرامطه که از جمله انها نصیریّه است
در این نواحی ظاهر شدند وامّا انبار در شرقی فرات نزدیکی
مخرج نهر عیسی است و جماعت بسیاری از هر فن منسوب بانند
واحمد سفّاح که اوّل خلفاء بنی عبّاس است دران مقر داشته
ودر نزدیکی بغداد در جهت شمالیه ان موضعی استکه انرا سرّ
من رأی میکفته اند و بعد از ان انرا مخفّف کرده سامره کفتند
چنانچه ابو طیّب متنبّی در بارهٔ کاتبی از اهل ان که نزد سیف الدوله

عدوی بوده گفته اسامری ضحکة کلّ راءٍ فطنت وکنت اغبی الاغبیاء ومعتصم عبّاسی انرا بنا کرد وحال خراب و ویران و بناء معموران کم است وبودان قریه دیگری است در کنار شرقی دجله وصرصر در نزدیکی ان واقعست واما مدائن در جهت جنوبی بغداد بمسافت یکمنزلی ان واقعست وبقیهٔ ایوان کسری دران بوده وبعضی از قدماء ذکر کرده اند که وسعت ان از رکنی تا رکن دیگر ۹۵ ذراع وارتفاعش ۸۰ ذراع بوده واما واسط در مجرای دجله قدیم واقعست وحال خشک وبی اب است واما شهر بصره در غربی نهری که از التقاء نهر فرات ودجله حادث میشود بمسافت ۷۰ میل از مصبّ ان در خلیج عجم واقعست وبعضی گفته اند که بناء ان در زمان خلافت عمر بن خطاب بکسال پیش از کوفه شده وهر دو را عراقین میگفته اند واهلش حال مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است ودرخت خرمای ان بسیار است واز جمیع نواحی بلاد عرب سبدران میاورند ودر صحت عربیّت اهالی ان واعتماد واستشهاد باقوال ایشان نظیر کوفه بوده مگر اینکه اهل ان در بسیاری از مسائل لغویّه با کوفیّین مخالف بوده اند ولکن بعضی از فضلاء گفته که در مسائل خلافیّه ما بین انها مذهب بصریّین از حیث لفظ ومذهب کوفیّین از حیث معنی صحیح تر است وجماعتی از ادباء باین شهر منسوبند که از جمله انها شیخ حریری صاحب مقامات معروف است ودر جنوبی بصره کوهیست که انرا سنام میگویند ودر جنوب غربی ان وادی است که انرا وادی نساء میگویند ودر نزدیکی بصره در جهت غربی ان قریه ابلّه است

ومیانه بغداد و واسط بلده ایست که انرا جبّل میگویند وخلق بسیاری بان منسوبند که از جمله انها ابو الخطّاب شاعر جبُلّی است

قسم ششم از املاک عثمانیّه در اسیا برّ شام است وان از جهت شمال باسیای صغری واز شرق بفرات وبادیه واز جنوب بجزئی از بلاد عرب که انرا تیه بنی اسرائیل میگویند واز غرب ببحر روم محدود است ودر زمان قدیم بدو قسم منقسم بوده سوریا وفلسطین ولکن در وقت اضافه شدن انها بمملکت رومانی قبل از تاریخ مسیحی بمدّتی هر دو را سوریا میگفتند ودر زمانی که اعراب مسلمین در اثناء سنه ۶۲۲ مسیحی انرا فتح کردند هر دو را شام میگفتند واین بلاد را بچهار جند تقسیم میکنیم اوّل حلب دوّیم دمشق سیّم بیروت چهارم اورشلیم یعنی قدس شریف وقبل از شروع در تفصیل این اقسام بدانکه انها را از شمال بجنوب سلسله کوههائیکه از جمله انها کوه لکام است خرق میکند وان از جنوبی کوه طوروس که در اسیای صغری است در برّ شام ممتد است وابو اسحق اصطخری گفته که این سلسله را تا اینکه از لاذقیّه تجاوز کند لکام وتا حمص را کوه بهراء و پس از انرا کوه لبنان مینامند انتهی ولکن حق اینستکه کوه لکام نزد مصبّ نهر عاصی بجهت شمال ان بقرب سویدیه منتهی میشود و در جنوبی مصبّ نهر عاصی کوه بلندی استکه انرا کوه اقرع میگویند واز انجا از جهت جنوب این سلسله بوادی قلعه حسن ودیر حمیراء ممتد میشود وان کوههای نصیریّه است واز اینجا ابتداء کوه لبنان است که بلندترین سرهای ان در مکانی است

که انرا فم المیزاب میکویند وارتفاع ان مقدار ۱۱۰۰۰ قدم است
وراس صنّین کمی پست تر از انست وایسلسله در وادی لیطانی نزد
قلعهٔ شقیف منتهی میشود که ملک صلاح الدین ایوّبی سنهٔ ۱۱۹۰
انرا از فرنکها کرفت واین اراضی را جبل عامل میکویند واز انجا از
جهت جنوب سلسلهٔ بنواحی صفد وناصره ممتد میشود وبعد
ازجهت شرق بنواحی نابلس برمیکردد ودر جنوبی ناصره بیابان
وسیعی استکه انرا مرج ابن عامر میکویند وان میانه کوههای
مذکوره وکوه کرمل فاصله است وقطعه از این بیابان بجهت طریق
واردن کشیده میشود ودران کوه منفردیست که انرا کوه طور
مینامند وبعضی انرا کوه تجلی میدانند که خداوند دران بموسی بن
عمران تجلّی فرمود ولکن کوه تجلی غیر از انست امّا کوه کرمل اوّل ان
نزد دریا در نزدیکی حیفا ست وبجنوب شرقی ممتد میشود تا
اینکه بکوههای نابلس میرسد واز انجا بجنوب تا کوه شراة بجنوبی
بحیرهٔ لوط ممتد میشود وامّا کوه معروف بکوه شرقی اوّل ان در
جنوبی حمص بمسافت یکمنزل میان حسیاء وشمسین محاذی کوههای
نصیریّه است واز انجا این سلسله بجنوب غربی ممتد میشود و
میانه ان وکوه لبنان بیابان وسیعی است که انرا بقاع مینامند
ومیانه ان وکوه شیخ وادی تیم اسفل ست واین شعبه را
کوه حیش مینامند ودر جهت جنوبی ان در شرقی اردن کوه
عجلون است ودر جنوبی این کوه کوه جلعاد است که انرا کوه
صلت نیز میکویند ودر جنوبی ان کوه بلقاء است ودر جنوبی
ان کوهها مواب تا شرقی بحیره لوط ممتد است واز جمله نهرهای

این بلاد نهر حلب است که از کوههائیکه نزدیکی عین تابست
بیرون میاید وبجهت جنوب جاری میشود ودیکر نهر عاصی است
که انرا ارنط میکویند واز موضعیکه انرا نبع اللبوه میکویند و
در شمالی بعلبک بمسافت کمی واقعست بیرون میاید ودر نزدیکی
سویدیه در دریای روم ریخته میشود ودیکر نهر عفرین و
یغرا واسود است که مخرج انها در شرقی کوه لکام است ودر
بحیرهٔ انطاکیه ریخته میشوند ودیکر نهر کبیر است که مخرج ان
در کوههای نصیریّه است ودر نزدیکی لاذقیّه در بحر روم
ریخته میشود ودر جنوبی ان نهر صنوبر ونهر ملکست ودر
جنوبی نهر ملک نهر حسین است وپس از ان نهر کبیر است و
این غیر از نهر کبیری است که ذکر شد وپس از ان نهر بارد است
وجمیع این نهرها از کوههای نصیریّه بیرون میاید ودر بحر روم
ریخته میشود امّا نهر ابی علی از کوه لبنان بیرون میاید ودر
بحر روم ریخته میشود وامّا نهر ابرهیم در نزدیکی عاقوره از
کوه لبنان بیرون میاید ودر بحر روم ریخته میشود وامّا
نهر کلب از کوه لبنان بیرون میاید ودر بحر روم ریخته می
شود وامّا نهر بیروت از دو نهر مجتمع است که مخرج یکی از انها
نزدیکی ترشیش وکفر سلوان در کوه لبنان است ومخرج دیگری
در نزدیکی فالوغا وحمّانا ست ودر وادیکه تحت دیر قلعه است
بیکدیکر میرسند وبجهت غرب جاری میشوند وپس از ان
بشمال برمیکردند ودر نزدیکی بیروت در خلیج مارجرجس
ریخته میشوند امّا نهر دامور از چند نهر کوچک مجتمع است

که یکی از انها نهر غابون است و دیگر نهر صفاست و نهر کوچك دیگری از وادی عین داره بطرف انها میاید و نزد جسر قاضی بانها میرسد و جمیع بجهت غرب جاری میشوند و در نزدیکی معلقهٔ دامور در بحر روم ریخته میشوند و اما نهر اولی از کوه لبنان بیرون میاید و در بحر روم ریخته میشود و امّا نهر لیطانی مخرجش در نزدیکی بعلبك است و در بحر روم ریخته میشود وانرا نهر قاسمیّه میکویند و امّا نهر مقطّع از کوههائیکه در شرقی مرج ابن عامر است بیرون میاید و نزدیکی حیفا در بحر روم ریخته میشود و اما نهر اعوج مخرجش در نزدیکی لدّا ست و در شمالی یافا در بحر روم ریخته میشود و اما نهر بردی مخرجش در نزدیکی زبدانیست و در بحیرهٔ مرج ریخته میشود و امّا نهر اعوج غیر از انکه ذکر شد مخرجش از عین دوریّدا است و در بحیرهٔ مرج ریخته میشود و اما نهر اردن از چند نهر بزرك و کوچك مجتمع استکه از جمله انها نهر حاصبانی ست و در بحیرهٔ لوط ریخته میشود امّا بحیرات برّشام از جمله انها بحیرهٔ انطاکیه است و دیگر بحیرهٔ افامیا ستکه از چند بحیره مجتمع است و دیگر بحیره حمص استکه انرا بحیرهٔ قدس میکویند و طولش مقدار ۱۰ میل و عرضش مقدار ۶ میل است و دیگر بحیره مرج است که در جنوب شرقی دمشق در جهت غوطه ان واقعست و در جهت شمال شرقی بانیاس بحیره ایستکه انرا برکه ران میکویند و ماهیان بسیاری در ان یافت میشود و دیگر بحیره حوله است که نهر حاصبانی دران ریخته میشود و نهر شریعه از ان بیرون

میاید و در بحیره طبریّه ریخته میشود و بحیره طبریّه اعظم بحیرات برّشام است و در کتب مقدّسه بحر جلیل و بحیره جناثر نامیده شده و از جنوبی ان نهر اردن بیرون میاید و دیگر بحیره لوط است که انرا بحیره میت و بحیره زغر میکویند و نهر اردن دران ریخته میشود و هیچ نهری از ان خارج نمیشود و طولش مقدار ۵۰ میل و عرضش مقدار ۱۰ میل ستامّا هوای برّشام باختلاف مواقع مختلف استچنانچه در کنار دریا کرم و تر و بعض اماکن ان مثل اسکندرونه وبائی است که ناخوشی و تبهای ردیّه بواسطه فساد هوای ان بسیار است و در هرجا که اب در فصل تابستان زیاد میشود مثل طرابلس و رأس العین امراض نیز در انجا زیاد میکردد اما کوهها هوای انها خوب و مقوّی بدن است و سرمای انها در فصل زمستان شدّت ندارد مثل کرمای انها در فصل تابستان و اما بیابانهای داخله بلاد هوای انها در فصل بهار و خزان خوب و سرمای انها در زمستان و کرمای انها در تابستان شدت دارد و در بعض اوقات بادهای کرم از جهت بادیه بانها مسلط میشود و از جمله حیوانات برّشام شتر و کامیش و اهو و روباه و کفتار و نوعی از پلنك است و خرس در بعضی از کوهها مثل کوه صنّین و کوه شیخ و خنزیر برّی در کوه ریحان و نزدیکی ان یافت میشود و در ان انواع بسیار از طیور اهلیّه و برّیه یافت میشود و در بعضی از سالها ملخ در ان میاید و کاهی از اوقات پرنده کوچکی که انرا سمرمر می کویند بانها غلبه میکند و انها را هلاك میکند امّا اهل این

بلاد از اصول مختلفه اند که الحاق طائفه از ایشان بساکنین
اصلیّه انها مشکل است واین بلاد در زمان سابق بلاد کنعانیین
بوده وغیر انها از نسل حام بن نوح ونسل سام در نواحی انها
ساکن بوده اند پس بنی اسرائیل کنعانیّین را از ارض فلسطین
بیرون کردند وبعد ازان ملوك اشور بانها استیلا یافتند
وبعد ملوك مادی وفارس وبعد ملوك مصر وپس ازان استقلال
یافتند وبعد بمملکت مکدونیّه اضافه شدند وپس ازان به
مملکت رومانیّه وبعد اعراب در اثناء سنه ۶۲۲ مسیحی
انهارا فتح کردند وبعد ازان تتر واتراك عثمانیّه مالك شدند
وساکنین انها بواسطهٔ تواتر تقلّبات دُول از جنسهای بسیاری
ممزوج ومخلوط گردیدند وانها باعتبار مذاهب دینیّه دوازده
طائفه اند مسلمان ومتأوّله ودروز ونصیریّه واسماعیلیّه
وروم وپروتستانیّه وموارنه وسریان وارمن ویهود و
سامره اما مسلمین انها عرب وترك است واعراب در سنهٔ
۶۲۲ که این بلاد را فتح کردند داخل انها شدند ودر همانجا
ساکن گردیدند وتمام اطراف انهارا تصرّف کردند ولغت
عربیّه بلغت سریانیّه که لغت متداوله ان بلاد بود غلبه
کرد واما ترکها دو نوع اند عثمانیّه وترکمان واین دو فرقه
در اصل تتر اند که از بلاد تتر وشمالی بحر خزر امدند وبعضی
گفته اند که طائفه از تتر در خراسان نزول کردند وبا زنان
انجا مقاربت کرده جنسی از انها تولد یافت که انرا ترکمان می
گویند یعنی شبیه بترك واسم ترك از ترك که از نسل یافث

بن نوح است اخذ شده واما اتراك عثمانیّه ذکر انها در طیّ کلام
در اسیای صغری گذشت واما متاوله که انهارا شیعه میگویند
ظاهر هیئات انها انستکه از اصل فارسی بوده اند واما نصیریّه
فروع قرامطه اند که در اراضی کوفه ظاهر شدند واین لقب از
حمدان بن قرمط که ملقّب بصاحب الخال ومدّثر ومطوّق بود اخذ
شده واو در اثناء سنه ۲۶۴ ظاهر شد وتعلیم او را علم باطن
نام نهادند واز این جهة طائفه اورا باطنیّه نامیدند واو
مبشّرین خود را در بسیاری از جاها فرستاد که مردم را دعوت
کنند واصحاب او زیاده شد واز میانه اینطائفه مردی که اورا
نصیر نمری میگفتند ظاهر شد واو شیخی بود عابد وزاهد و
نزد انها از اولیاء شمرده میشد پس او از میانه اصحاب خود
دوازده نفر انتخاب کرد که بتعلیم او مردم را بترسانند وچونکه
امر او شیوع یافت والی اورا گرفته بزندان انداخت وزندان
بان کنیزی داشت که بالنّسبه بشیخ شفقت پیدا کرده بود تا
اینکه روزی زندان بان شراب خورده مست شد ومستغرق
خواب گردید کنیزك فرصت یافته در زندان را باز کرد وشیخ را
رها نمود وکلید را بجای خود گذارد چون زندان بان بیدار شد
دید که شیخ نیست وعلامتی از برای باز کردن در زندان
نیافت گمان کرد که ملائکه اورا رها کرده اند وبواسطه انکه
ارباز خواست ملك خلاصی یابد اینمطلب را شهرت داد تا
اینکه بگوش شیخ نیز رسید پس او در اشتهار تعلیمهای خود
بیشتر جری شد وبعضی ذکر کرده اند که اینشیخ از ارض

کوفه بدبرّشام رفت وتعلیمهای او درانجامیانه مردم ساده لوح شهرت گرفت واخر الامر پنهان گردید وخبری ازاو نشد وازجمله طائفه باطنیه اسماعیلیّه است ودولتی ازانها درعراق عجم قوت یافت وهشت سلطان ازانها مدّت هفتاد ویکسال دراین بلاد سلطنت کرد وفرس انهارا اشیاخ جبل میگفتند ودولتی ازانها درمصر قوی شد ودرانجا بدولت فاطمیّه نامیده شدند وجعفری ذکر کرده که دراواخر سنه ۴۰۷ هجری مردیکه اورا محمّد بن اسمعیل درزی میگفتند بمصر رفت واو از جمله دُعاة طائفه باطنیّه بود ودرکتب دروز نشتکین درزی نامیده شده پس اینمرد خدمت الحاکم بامر الله ابو علی منصور بن العزیز بالله که خلیفه ششم از دولت فاطمیّه بود رفت وبا او موافقت کرد وکتابی نوشت که دران میگوید انّ نفس ادم جاءت الی علیّ بن ابیطالب ع ومنه الی اسلاف الحاکم متقمّصة من واحد الی اخر حتی انتهت الی الحاکم وهو خالق الکون الی اخر بیانه واین کتابرا دریکی ازجوامع خواند پس مردمان بسر او هجوم کردند که اورا بکشند واو فرار کرده پنهان شد وحادثه عظیمی درقاهره ظاهر گردید وخانه درزی را غارت کردند وبسیاری از اصحاب اورا کشتند وپس ازان حاکم سرّاً اورا به برّشام فرستاد واو در وادی تیم اسفل که نزدیکی کوه شیخ است فرود امد ودر انجا بالوهیّت حاکم ندا کرد وچونکه امراء تنوخیّین که ازعراق ببرّشام امده بودند ازطائفه باطنیّه بودند مطیع ومنقاد او شدند وازاین سبب انهارا طائفه دروز مینامند ودرزی

مذکور

مذکور درواقعه تر سنه ۴۱۰ هجری کشته شد این اصل طائفه دروز وکیفیت امتدادشان دربرّشام بود که ذکر شد وامّا عقائد انها هرکه بخواهد بتفصیل اگاه شود بکتاب مختصر البیان فی مجری الزمان وکتاب کشف دیانة الدّروز که درپاریس طبع شده رجوع نماید وامّا عدد ساکنین برّشام از جمیع طوائف اجمالاً مقدار ۰۰۰۰۴۰۱ نفس است که مقدار ۰۰۰۰۵۵ ازانها اهل حضر وبقیّه اعراب بادیه اند وامّا تفصیل

	انها ازینقرارست	
	مسلمان ۸۱۵۰۰۰	
	روم ۲۴۰۰۰۰	
	موارنه ۲۲۰۰۰۰	
	روم ملکیّه وغیرانها ازطوائف نصاریّه ۴۰۰۰۰۰	
	دروز ۱۰۰۰۰۰	
	متاوّله ۲۵۰۰۰۰	
	نصیریّه واسماعیلیّه ۲۰۰۰۰۰	
	ارمن وبقیّه طوائف ۲۰۰۰۰	

وازجمله حاصلهای برّشام درخت صنوبر وزیتون وخرما وارز وگردو وتوت وبادام وسرو وگز وصفصاف است وازحبوب گندم وجو وعدس وماش ونخود وباقلا ودیگر سوسن وعناب ونیشکر ودرخت حناء وانواع گل ویاسمین وزنبق وقرنفل ونرجس وامثال اینها واکثر سبزیها وبقول مأکوله دران یافت میشود واما پنبه ان برای ساختن قمشه

چندان مرغوب نیست و اما شراب برّشام کمتر مرغوب ستمکر
سیاه مرتمی ان که عفو صتش کمست و بعضی از ورد های ان که
در نواحی کسروان وتالی ان تا اعمال طرابلس است بخصوص
شراب سبعل که بعض مشایخ در وصفان کفته کل النبیذ
محرّم الّا النبیذ السبعلی و از جمله حاصلهای این بلاد تبغ
استکه معروف به تتن است و بهترین انواع ان در جبل و بترون
و جبل ریحان است و بسیاری از ان بقسطنطینیه و مصر و
دمشق میرود و در بعضی از اراضی ان قنّب روئیده میشود
و در اراضی حلب و کوهها بترون سقمونیا که معروف بمحموده است
یافت میشود و غالبًا نشا و صمغ مرد اخل ان میکنند و خالصش
کمتر یافت میشود و امّا معادن برّشام از جمله انها معدن نقره
و قلع است در کوههای شمالی اسکندرونه و معدن اهن در
کوه اقرع و کوه لبنان و زغال سنک در نزدیکی قرنایل از
اعمال بیروت و نمک در بعضی از جاهای ان و بیشتر از نواحی
تدمر و فرات میاورند و همچنین نمک بارود و امّا سرمایه
تجارت ان صمغ عربی که غالبًا بصمغ پسته و زردالو مغشوش
است و صمغ قتاد و سنا و افیون و پوست روباه و خرکوش
و عفص است و از جمله مصنوعات ان انسجهٔ حریر و پنبه و صوف
و قصب طلا و نقره است و در نواحی اورشلیم و بیتلحم منتاج
و صور بسیاری از صدفیکه انرا عرق اللؤلوء مینامند و از بحر
احمر میاورند میسازند و غالبًا تختها را بان مرصّع میکنند
و ببلاد ایطالیا و فرانسا میفرستند و از امّهات شهرهای

برّشام حلب ست و ان شهریست قدیمی و از برای ان نهری
استکه انرا قویق میکویند و بوستانها از ان سیراب میشود
و اهل ان از ابیکه از دو جا در شمالی شهر بمسافت ٦ میلی
جوشد میاشامند و ان در قناتهائیکه در خانه و بازارها
و کاروانسراها و حمامها منشعب ست جاری میشود و در بوستان
های ان درخت پسته بسیار است و در ان میوه یافت می
شود که بار درخت خرما نزدیک است و بسیار شیرین است
و بازارهای ان تنک و بناهایش خوش منظر است و لکن دوام
و ثباتی ندارند و باروی ان محکم است و لکن بواسطه زلزله
منهدم شده و محیطش مقدار ۷ میل ست و در زمین ان
علامت کوههای اتش فشان که علّت حدوث زلزله میشوند
ظاهر است و از بسیاری انها این شهر چند مرتبه خراب شده
و در سنه ۱۸۲۲ مسیحی در ۱۳ ماه اب زلزله عظیمی
حادث شد که جهت عظیمی از حلب و انطاکیه و قریهها مجاوره
انها را خراب کرد و از جمله بناهای مشهوره حلب برج قدیمی
استکه انرا سرایه بنی جنبلاط میکویند و امّا هوای ان خوب
و موافق صحّت امزجه است و لکن در بدن اهالی ان و غریبی که
در انجا مکث میکند بثره که انرا کپه و ساللک میکویند پیدا می
شود و انها انرا حبّة السّنة میکویند زیرا که قبل از یکسال
علاج پذیر نیست و امّا تجارت حلب از زمان قدیم بسیار
کمتر است و حال قافلهها از بغداد و دمشق و موصل و دیار
بکر در ان جمع میشوند و در اواسط سال ۱٦ اهلش بمقدار

٣٠٢٠٠ نفس میرسید ولکن حال نصف عدد مذکور در انست
وان در عرض شمالی ٥ ١٢ ٣٦ و طول شرقی ٧٩ ٣ واقعست
ودر ناحیه جنوبی حلب بمسافت منزل کوچکی قنسّرین واقعست
وان در اوائل اسلام شهری بزرکتر از حلب بوده ولکن حال
خراب و ویرانست و در نزدیکی ان قریه ایستکه انرا حاضر
قنسّرین میکویند ودر نزدیکی ان موضعی استکه انرا فرادیس
میکویند ودر جنوب شرقی حلب بمقدار ٢٠ میل قریه ایستکه
انرا صفیره میکویند ودران مقدار ٣٠٠ خانه است ودر
جهت شرقی ان بمقدار ٤ میل وادی نمک استکه محیطش
مقدار مسافت ٤ روز راهست وزمینش تمام نمک است واز
دور مثل بحیرهٔ اب صافی بنظر میاید واهوان سفید بجهت لیسیدن
نمک دران میایند ودر جنوب شرقی این وادی خرابه
قدیمی استکه انرا زوبا مینامند ودر نزدیکی قنسّرین شهر
خناصره واقعست وان قلعه ایستدر طرف برّیه وحال در
این نواحی قبیله از عرب ساکنند که ملقّب بسلیب اند و بفلاحت
ومواشی اعتنائی ندارند وغذای انها کوشت هواست امّا شهر
عین تاب در شمالی حلب بمسافت سه منزل واقعست وان شهری
است معمور وصاحب باغ و بوستان واهل ان مقدار ٢٠٠٠٠
نفس از ارمن واتراك و پروتستانیّه است ودر جنوب شرقی
ان قریه نزبّ است ودر جنوب غربی عین تاب شهر کلّس است و
میانه حلب و نهر اسود واطراف ان املاك وقریه های بسیاری
است واهل انها عرب وکرد وترکمان و یزیدیّه و نصیریّه و نصاری

است و بیشتر نصاری از طائفه ارمن اند امّا شهر انطاکیه در
زمان قدیم از جمله شهرهای مشهور عالم بوده ودر عصر سلوقیّه
قصبه مملکت سوریا بوده وانرا سلوقس ملك که ملقّب بغالب
بود بنا کرد ودر اوّل امر دین مسیحی دران قوّت یافت و پس از
ان مسلمین در سنه ٦٣٧ انرا فتح کردند و بعد از ان فرنکها
در سنه ١٠٩٨ انرا پس کرفتند و بعد از خروج انها از برّ شام
سلطان مصر سنه ١٢٦٨ انرا خراب کرد و بسیاری از اهلش را
بقتل رسانید وکنائس انها را خراب کرد و بعد از ان بواسطه کثرت
زلزله خراب و ویران شد وحال بحالت پستی است واز عظمت
قدیم ان بغیر از باروئیکه بسه جهت ان احاطه دارد چیزی باقی
نمانده وجهت چهارم ان نهر عاصی است و اهل ان مقدار ٩٠٠٠
نفس از اتراك و نصیریّه وروم وارمن و یهود است ودر جهت
غربی ان شهر دفنه است که حال انرا بیت الماء میکویند ودر
جنوبی عاصی واقعست وکوههائیکه چشمه های بسیاری از
انها جاری میشود بان احاطه دارند امّا سویدیه در نزدیکی
مصبّ نهر عاصی است ودر شمال غربی ان موقع شهر سلوقیه
است وان در سفح کوهیکه انرا کوه موسی میکویند واقعست
واما اسکندرونه در شمال انطاکیه بنزدیکی دریا واقعست
ودر میانه انطاکیه واسکندرونه قریه بیلان است و در سمت شمالی
اسکندرونه بایاس است ودر شمال شرقی بایاس کنیسه
سوداء وهرونیّه است وچنانچه یاقوت حموی در مشترك
ذکر کرده انها از جمله ثغور و سنور بوده اند ودر جهت

استو بعضی گفته‌اند که انرا سلیمن بن داود بنا کرده و شاید که مقصود از بناء تعمیر ان باشد امّا چند دمشق مشهورترین انها دمشق شام است وان در طول شرقی ٣ ٤ ٣ و عرض شمالی ٢ ٣ ٣ واقعست وقدیم‌ترین شهرهای عالمست و مسلمین سنه ۱۴ هجری در زمان خلافت عمر بن خطاب در تحت رایت خالد بن ولید انرا فتح کردند و خلفاء بنی عبّاس تخت خلافت خود را بانجا نقل کردند و غوطهٔ ان بتمام محل تفرّج و تماشاهای روی زمین برتری دارد و در شمالی ان کوهیست که معروف بجبل قاسیون است واز ابنیه قدیمه که قابل ذکر باشد در دمشق یافت نمیشود واکثر خانه‌های ان از خشت خام بنا شده و منظری از خارج ندارد و اهل ان مقدار .... ٥ ١ نفس است و غالب انها با مانت و سلامت نفس موصوفند و خاک ان خوب و لکن هوایش بداست واب ان بالطبیعه دافع مرض جذام است و از این جهة اهل ان هیچ وقت بانمرض مبتلا نمیشوند و مرد غریبی هم که بان مبتلا باشد چون در انجا توقف کند بهمان درجه میماند و زیاد نمیشود و جماعتی از مشاهیر علما و متادّبین در ان ظاهر شدند که از جمله انها محمّد بن مالک اندلسی صاحب الفیّه مشهور در نحو و شیخ محمّد حریری صاحب حاشیه شرح فاکهی بر قطر و شیخ حسن بورینی شارح دیوان فارض و عائشه باعونیه صاحب بدیعیه مشهور است و در شمالی دمشق قطعه ایست که انرا جبّه عسال می گویند و مشهورترین قریه‌های ان صیدنایا ست و در شمال شرقی قطعه معلولا ست و در اطراف ان چند قریه است مثل عین

التینه و بخعه و غیر انها و در شمال شرقی معلولا قطعهٔ یبرود است و در جوار ان رأس عین و معرّه باش کردی و فلیطاء و سحل و فسطل است و در شمال شرقی فسطل نبک است و ما بین نبک و غوطه را ارض تحتیّه مینامند و در جوار نبک قاره است و هر دو معتدلترین قطعات این دیارند و در خوبی اب و هوا ضرب المثل اند و در شمال شرقی نبک دیر عطیه است و مابین دیر عطیه و تدمر حمیره و حفر و صدد است و میانه تدمر و دیر حیر و طیّبه و سخنه و ارک است و در غربی نهر مسکنا و حمام و رضافهٔ هشام و رحبه واقعست و در وادی نهر بردی وجهت شمالی و جنوبی ان ضیاع و قریه‌های بسیاری است که از جمله انها فیجه است و دیگر بلودان و زبدانی است و در این نواحی سیب بسیار است و بوستانها از انجا تا دمشق بیک دیگر متصل است و اب و میوه و محل تفرج و تماشاهای این دیار که مردمان قصد انها میکنند از سایر بلاد بیشتر است مثل صالحیّه و قاره و نبک و نیرب و ربوه و منشار و بیت راس و ان موضعی است که کنیز یزید بن عبد الملک اموی باراده الهی دفعةً لا نفه در ان وفات یافت وان در وقتی بود که بجهت تفرج و عیش در بیت راس امده بود و گفت که مردم چنین گمان دارند که از برای احدی ممکن نیست که یکروز عیش کاملی بکند که منغّص نگردد و من اینمطلب را تجربه میکنم و علی الصباح امر کرد که از واقعات و حوادث مملکت اصلاً باو خبر ندهند و با کنیز خود حبابه که بسیار مایل باو بود خلوت کرد و او از برای

ملك تغنی میکرد تا اینکه طعام حاضر کردند پس ملك با اجنبا مشغول
بطعام خوردن شدند و از برای ملك قدری از انار بیت راس
که دانه‌ها درشتی داشت آورده بودند حبابه یکی از انها را
شکست و دانه از ان تناول کرد از قضایای الهیّه اندانه کلوی
او را کرفته همان دم وفات یافت پس ملك در ماتم او جزع و فزع
شدیدی کرد تا اینکه مریض شد و در همان ماه وفات یافت
امّا بعلبك در زمان قدیم شهر عظیمی بوده و بعد از استیلاء
مسلمین تا مقدار هفت سال از تاریخ هجری نیز بعظمت قدیمه خود
باقی بود و پس از ان انحطاط یافت و حال از ان قلعه باقی مانده
که از بناهای عجیبه شمرده میشود و مردم انرا از بناهای
سلیمن بن داود میدانند و موقع این شهر در شمال شرقی سهل
بقاع است و در نزدیکی ان مخرج نهر لیطانی است و ابهای نهر
بردونی که مخرجش در کوه لبنان است بان اضافه میشود و
میانه زحله و معلقه جاری میکردد و نهر یحفوفه و نهر عنجر از
جهت جبل شرقی بان اضافه میشود و بلده انرا ابو الفداء عین
الجرّ نامیده و در نزدیکی ان قریه مجدل است که انرا مجدل عنجر
میکویند و اکثر اهل بلاد بعلبك متاوّله اند و امّا جبل شرقی
که در جهت عنجر است وادی حریرا انرا خرق میکند و بعد از ان
وادی تنکی است که انرا وادی قرن مینامند و در جنوبی ان
وادی بکّه است و در جنوب این وادی جبل شرقی بدو قسم منقسم
میشود که غربی ان در جهت نهر لیطانی است و شرقی بکوه
شیخ منتهی میشود و انوادیکه میانه انها است وادی تیم اعلی می

کویند و از قریه های ان دیر عشائر و ینطه و کفر قوق و بکیفا و
راشیا است و وادی تیم اسفل متصّل بان است و از قریه های
ان میمس و کفیر و حاصبیا و عین جرفا و شعبه و راشیای فخّار و
هبّاریه است و حکّام این بلاد امراء شهابیّین بوده اند و
اهل ان از مسلمان و نصاری و دروز مخلوط است و در جنوبی
ان موضعی است که انرا تلّ قاضی میکویند و در شرقی ان
بانیاس است امّا جبل شیخ کوهیست که در کتب مقدّسه کوه
حرمون نامیده شده و در جنوب شرقی ان اقلیم بلان است و از قریه
های این اقلیم عرنه و بیت جنّ و دربل و قلعه جندل و غیر اینها است
و در جهت جنوب دمشق وادی عجم است و از قریه‌های ان جدیّده
و قطنا و عرطوز و داریّا و دیر علی و عادلیّه و صحنایا است و در
جنوب وادی عجم قطعه ایست که انرا جیدور میکویند و از قریه‌ها
ان نواریث و دیر بخت و دیر عدس و صنمین و کفر شمس و غیر اینها است
و در شرقی بحیرهٔ حوله و بحیرهٔ طبریّه ارض جولان است امّا ارض
حوران در جنوب شرقی دمشق است و ان بنقره و لحاة و جبل
حوران تقسیم میشود و در شرقی کوه حوران ارض بثینه است و
ان زمینی است که در کتب مقدّسه ارض باشان نامیده شده
و از قریه‌های ان بثینه و دومه و عیون و مجدل و صلخد است
و اهل این بلاد عرب و نصاری و دروز است و امّا قطعه کوه
عجلون باراضی که از جهت شمال میانه نهر یرموك و از جنوب میانه
نهر زرقاء واقعست مشتمل است و خاك ان خوب و مرتعهایش
بسیار است و این قطعه بهشت قسم منقسم است کفارات و سرو

وجهامنه و واسطیه و بنوعبید و کوره وجبل عجلون و معراض است ولکن حال اکثر انها ویران است واز جمله انها کداره است که انرا ام قلیس میکویند و دیکر ابیلا واربیلا که حال انرا اربد میکویند و بلا که انرا کفر ببل میکویند و محنایم که انرا محنه میکویند واز عون که انرا راحب میکویند و کراسا که حال جرش میکویند و بنزدیکی قریه عجلون قلعه ربض است که انرا باعوثه نیز میکویند و از جنوبی نهر زرقاء تا نهر موجب بلقاء است و در شمالی ان کوه صلت است واز مواضع قدیم ان جلعاد و عمون است که حال عمان میکویند وحشبون که حال حسبان میکویند و دیکر عال و نبا و ماعین و عراعر و دیبان است و در زمان قدیم ارض بنی عمون در جنوبی این قطعه بوده و از جنوبی نهر موجب که انرا نهر ارنون میکویند تا احساء ارض کرک است که ارض مواب یا قوم لوط بوده و از قریه های ان کرک است که انرا کیرمواب میکویند و دیکر رابه و زغر است و از جمله شهرهائیکه در کنار بحر متوسط از جهت شمال بان ابتدا می شود لاذقیه است و در زمان قدیم از شهرهای معتبره بوده و امراء تنوخیین دران مسکن داشته اند و محمد بن اسحق تنوخی در انجا وفات یافته و در زمان قدیم تجارت شراب دران وسیع بوده ولکن حال بیشتر تجارت ان در تتن و پنبه و کندم و جو و زیت و عسل و شمع و پشم است و زلزله دران بسیار حادث میشود و در سنه ١٧٩٦ بسیاری از ان بواسطه زلزله خراب کردید و اهلش مقدار ٤٠٠٠ نفس از مسلمان و روم است اما شهر جبله چیزیکه قابل ذکر باشد بغیر از جامعیکه سلطان ابرهیم انرا بنا

کرده

کرده دران نیست و اهلش مقدار ٨٠٠٠ نفس است و اما شهر طرطوس که در زمان قدیم انرا انترادوس مینامیدند و ابو الفدا انرا انطرطوس نامیده اهلش مقدار ٥٠٠ نفس است و حال قریب بخرابیست و در جهت شمال شرقی طرطوس بمسافت ٤ ساعت قلعه مرقب است و ان در سر کوهی واقعست که بمقدار هزار قدم از مساوات دریا مرتفعست و اما جزیره رواد در جنوب غربی طرطوس بمسافت ٣ میل واقعست و ان جزیره کوچکی است که محیطش مقدار ١٥٠٠ قدم است و اهلش مقدار قلیلی است اما جبال نصیریه در شرقی اماکن مذکوره است و ان چند قطعه است که از جمله انها خوابی است و این قطعه در جنوب شرقی مرقب است و دران مقدار ٥٥ قریه است که اهل انها نصیریه و اسماعیلیه و مسلمان و روم است و دیکر قطعه مرقب است و دران مقدار ٩٠ قریه است که اهل انها نصیریه و مسلمین و نصاری از طائفه موارنه و روم است و حکام این دو قطعه امراء بنی عذرا اند و دیکر قطعه قدموس است و حکام ان اسماعیلیه اند و انها دو طائفه اند حجاویه و سویدانیه و تمام بلقب امراء خوانده میشوند و در این قطعه مقدار ١٧٧ قریه است که اهل انها اسماعیلیه و نصیریه است و در جهت شرقی مرقب واقعست و در شمالی ان قطعه سمت قبله است و بمقدار ٧٠ قریه مشتمل است و جمیع اهالی ان نصیریه است و دیکر قطعه بنی علی است و دران مقدار ٥٣ قریه است که اهل انها نصیریه است و دیکر قطعه قرداحه است و دران مقدار ٨٠ قریه است که

فصل هشتم

اهالی ان نصیریّه اند و دیگر قطعه جبل مهالبه است و در
ان مقدار ۴۷ قریه است و اهل انها نصیریّه است و دیگر قطعه
مزیرعا است و این قطعه بسه قسم منقسم است مزیرعه و عماره
و ساحل مزیرعه و در جمیع انها مقدار ۱۱۰ خانه و مزرعا است
و دیگر قطعه صهیون است و دران مقدار ۴۶۷ قریه است و
اهل انها مسلمین اند اما ساحل لاذقیّه مقدار ۶۰ قریه از قریه
های نصیریّه دران واقعست و در شمال شرقی لاذقیه قطعه
بهلولیه واقعست و دران مقدار ۴۷ قریه است و اهل انها
نصیریّه اند و در شمال شرقی ان قطعه کوه اکراد است و دران
مقدار ۱۲۰ خانه و مزرعا است و اهل ان نصیریّه و اکراد و
ارمن است و در شرقی طرطوس صفیطه واقعست و اهل ان
مقدار ۵۰۰ نفس از روم و ۳۰۰ از مسلمین است و در تمام این
قطعه مقدار ۳۵۰۰۰ نفس است که مقدار ۵۸۰۰ از انها نصیریّه
و ۸۰۰ روم و ۸۰ موارنه و باقی مسلمانند و در جنوب شرقی
ان دیر حمیراء است و در نزدیکی ان عین دوریا است که مدّتی
ابش جاری و مدتی قطع میشود و جریان و انقطاع ان بحسب
اختلاف فصول ست و این همان نهر سبتی است که بعضی از
مورّخین اشاره بان کرده و در جنوب شرقی این نهر قلعه حصن
استکه در زمان قدیم بحصن الاکراد معروف بوده اما بلاد عکّار
بجنوبی قطعه حصن متصل ست و دران مقدار ۱۴۰ قریه است
و اهلش مقدار ۷۰۰۰ نفس از متاوله و ۵۰۰ از نصیریه و ۶۰۰
از روم و ۴۵۰۰ از موارنه است و اشهر قریه‌ها ان عکّار است

کدر

در بلاد ترک در اسیا

که در زمان قدیم مقام امراء بنی سیفا بوده و حال زیاده از ۳۰
خانه دران نیست امّا شهر طرابلس در طول شرقی ۳۵ ۴۴ ۲۰
و عرض شمالی ۳۴ ۲۶ ۲۶ است و مسلمین در سنه ۶۸۸
انرا فتح کردند و بوستانهای ان بسیار است و اهلش بشدّت
بأس و عزّت نفس موصوفند و تجارت ان وسعتی ندارد و امّا
بترون که یونانیّین انرا بتریس نامیده اند اهلش مقدار ۳۰۰۰
نفس است و اکثر انها موارنه اند و امّا شهر جبیل اهلش مقدار
۶۰۰ نفس است و در نزدیکی ان اثار قدیمه معتبره یافت می
شود و امّا شهر بیروت در طول شرقی ۳۵ ۲۸ و عرض شمالی
۳۳ ۵۰ واقعست و بنای ان خوب و ابش خوشگوار است و
هوای ان لطیف و پاکیزه است مگر در نواحی نهر بیروت که در
ایّام تابستان امراض بسیار در انجا حادث میشود و اهل ان
مقدار ۸۰۰۰۰ نفس است و تجارت ان خوب ست و امّا صیدا
در جنوبی بیروت واقعست و اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفس است
و در زمان قدیم تجارت وسیعی داشته ولکن حال به بیروت
محوّل شده و در جنوبی صیدا در طریق صور قریه صرفند است
و در نزدیکی ان موقع صرفه صیدا است و امّا صور در جنوبی
صیدا است و میانه ان و عکّا مسافت یک روز و نصف است و
اهلش مقدار ۳۰۰۰ نفس از متاوله و نصاری است و امّا
عکّا در جنوبی صور واقعست و اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفس از
مسلمین و نصاری است و در جنوبی ان شهر حیفا ست و ان
قابل ذکر نیست و بدانکه بلاد تابعه جبل لبنان ۲۱ قطعه است

قطعهٔ اولی از جهت شمال زاویه است تا شرقی طرابلس و در ان کوهیست که انرا تربل میگویند دوّیم کوره است تا جنوبی طرابلس وان دو قسم است علیا و سفلی واز قریه های کوره علیا امیون واز قریه های کوره سفلی نخله وقلمون وفیع و بلمند است سیّم جبّه بشرّه است تا جنوبی طرابلس واز قریه های ان بشرّه و اهدن وطراز وحصرن وکرم سدّه و برعون وحدشیت وحدث است چهارم جبّه منیطره است واز قریه های ان منیطره ومیروبا وعاقوره وتنوّرین است پنجم بلاد بترون است واز قریه های ان عرنه وکفرحلس وبقسمیا وبشعله ودوما وصورات واصیا وحلتا وحردین وبشتودار است ششم بلاد جبیل است واز قریه های ان شیت وبرباره وغرزوز ومنصف وکفور وبجعاز است هفتم فتوح است واز قریه های ان بوار وغنیه است هشتم کسروان است واز قریه های ان مزرعه کفرذبیان وشبروح و ریفون وجعیتا وعجلتون وغزیر وعرمون وغسطا وساحل علما وعین طوره وزوق مکایل وزوق مصبح وزوق اکراد است نهم متن است وان در شرقی بیروت است واز جمله قریه های ان عاریّا وعبادیه وهلالیه وراس المتن وخریبّه وشبانیه وصلیما و فالوغا وکفرسلوان ومتین وشویر وبسکنتا است دهم ساحل بیروت است واز قریه های ان سن الفیل وبوشریه وشیاح وبرج وحدث است یازدهم غرب است وان دو قسم است سفل واعلی واز قریه های غرب سفل شویفات وبشامون وعین عنوب ودیر قوبل وسرحمول است واز قریه های غرب اعلی عالیه وبسوس وکحاله وسوق

غرب وعیثات وشملان وعیناب است دوازدهم جرد است در شرقی غرب واز قریه های ان بتاثر وبحمدون وشارون وبدغان وعین داره ورشمیا وبحوارّه است سیزدهم شحّار است واز قریه های ان عبیه وکفرمتی وعین درافیل وبوم وناعمه است چهاردهم قطعه مناصف است واز قریه های ان دیر قمر وبیت الدین است پانزدهم عرقوب است وان دو قسم است اعلی وادنی واز قریه های اعلی عین زحلتا وبمهریه وورهاینه است واز قریه های ادنی باروك وفریدیس وکفرنبرخ است شانزدهم شوف است واز قریه های ان مختاره وعین قنیه وبعذران و عین ماطور وعزیفه وعین بال وجدیده وسمقانیه وبعقلین است هفدهم غربی بقاع است تا شرقی شوف وعرقوب واز قریه های ان زحله ومعلقه ومکسر وجدیثه ومشغره وسغبین است هیجدهم اقلیم جزین است واز قریه های ان جزین وکفرحونه وجرجوع وبکاسین وروم وبسبره وقیتوله است نوزدهم اقلیم تفاح است واز قریه های ان برامیه وجبابیه وعبرا وصالحیّه وهلالیه است بیستم اقلیم خرنوب است تا غربی شوف واز قریه های ان برغوثیه وحسّانیه ومغیریّه ودبیّه وزعروریه وبرجا است بیست ویکم جبل ریحان است تا جنوبی این اقالیم واز قریه های ان میدون وردیه وغیر اینها است واقالیم مذکوره وجبل ریحان در تحت ایالت مشایخ جنبلاطیه بوده واینها بزرگترین مشایخ این بلاد بوده اند وعدد نفوس در این دو قسم که احصا شده از اینقرار است که ثبت میشود

نصاری	دروز	مسلمین و متاوله	مقاطعات
عدد نفوس در قسم شمالی			
۱۰۰۴۴		۱۹	مقاطعه کسروان
۷۴۷۰		۳۱۹۶	بلاد جبیل و جبه منیطره
۶۸۰۳		۱۸۸	بلاد بترون
۲۰۹۹			فتوح
۱۷۳۱		۶۰	زاویه
۴۸۵		۱۳۹	قویطع
۱۰۲۰۰			جبه بشره
۲۵۰۰		۱۲۶	کوره
۱۸۱۴			قاطع المتن
۱۴۶۱۷	۲۱۵۴	۲۰۰	متن و زحله و ساحل بیروت
۲۸۲		۵	بسکنتا و تالی ان

عدد مجموع

نصاری	دروز	مسلمین و متاوله
۶۰۴۱۲۲	۲۱۵۴	۳۹۳۳

عدد نفوس در قسم جنوبی

نصاری	دروز	مسلمین و متاوله	مقاطعات
۸۷۲			ساحل بیروت
۱۴۵۱	۱۰۸۱		غرب سفل
۱۵۶۳	۷۷۱		غرب علی
۲۰۱۶	۸۹۱		جرد

۱۳۰۵	۱۱۵۳		عرقوب اعلی و اسفل
۱۱۱۷	۸۳۸		مناصف
۱۶۳۱	۹۹۰		شحار
۳۲۷	۶۸۶		جبل ریحان
۱۳۲۵	۳۵۱۷		شوف
۳۲۷۱	۹۷		اقلیم جزین
۱۷۸۴	۳۱		اقلیم تفاح
۱۵۰۲	۱۰۱۵		اقلیم خروب
۱۷۷۷	۳۰۰		دیر قمر
۱۹۹۴۱	۱۱۳۷۰		مجموع
۶۰۴۱۲	۶۰۸۷		مجموع قسم شمالی
۸۰۳۵۳	۱۷۴۵۷		مجموع هر دو قسم

اما بلاد شقیف اراضی است که میان نهر زهرانی و قاسمیه واقع است و اما بلاد بشاره در جنوب شرقی صور است و اکثر اهل ان متاوله اند و از قریه‌ها این بلاد بنت جبیل و حدیث و طیبه و زبدیه و بدیاس و قاناست و مرج عیون تابع بلاد بشاره است و از قریه‌های ان ابل قمح و مطله و کفر کلی و قلیعه و جدیده و خیم و ابل الهواء است که انرا ابل و مرج عیون میکویند و اما بلاد صفد که انرا صفت نیز میکویند از اصول قریه‌های ان قدس است و دیکر صفد است و اهل ان مسلمین و یهود و قلیلی نصاری است و دیکر عکبره و میرون و کفر برعم و جش است و در غربی بلاد صفد

قطعه ایستکه انرا جبل میکویند و از قریه های ان ترشیحه و
سعسع وغیر اینهاست و اهل ان نصاری و دروز و مسلمین اند
و در جنوبی جبل میانه عکّا و طبریّه قطعهٔ شاغور است و از
قریه های ان منصوره و مغار و مجدلکروم و رامه و کفر عنان و
غیر اینهاست و اهل ان دروز و نصاری و مسلمین اند و امّا
بلاد ناصره از قریه های ان ناصره و کفر کنّا و صفوریّه و اکسل و
ام جبیل و قانای جلیل است و امّا بلاد طبریّه از جمله انها طبریّه
استکه از بناهای هیرودس است و در زمان خلافت عمر بن
خطاب سنه ٦٣٧ مسیحی مسلمین این بلاد را فتح کردند و
از جمله قریه های این قطعه مجدل و کرك و کفر سبت و عولم و لوبیه
و سیرین و حطّین است و امّا بلاد نابلس ٨ قطعه است اوّل
قطعه جانین است و از قریه های ان جانین و عرانه و جلبون و
نورس و زرعین و سولم و نین و بیسان و برقین است دوّیم
حارثه است و از قریه های ان طوباس و سیرس و جدیده و کفر
و میثلون است سیّم شعراویه است و ان دو قسم است
شرقیّه و غربیّه و از جمله قریه های شرقیّه فندقومیّه و سیلة
الظهر و دیر و رامه و فحمه و جبع و سانور است و اما شعراویه
غربیه در میانه شرقیه و بحر واقعست و از جمله قریه های ان
قانوق و دیر و مخالد و زیتا و عتیل و غیر اینهاست چهارم وادی
شعیر است و از جمله قریه های ان بیت امرین و برقه و رامین و
طولکرم و سبطیه است پنجم بیتاوی است در شرقی نابلس و
از جمله قریه های ان بیتا و هودلی و سالم و بیت جن و عقربه

و سیلون است ششم قطعه بنی صعب است و از جمله قریه های
ان حجّه و فندق و عزّون و جلجوله و کفر سابا و ارسوف و غیر
اینهاست هفتم جوره عمره است و از جمله قریه های ان بورین
و بیتا ایبا و رافیدیه و غیر اینهاست هشتم جوره مرداء است
و از جمله قریه های ان عین ابوس و حواره و فرخه و لبن و ساویه
و غیر اینهاست اما شهر نابلس همان شهر شکیم است و میانه
کوه عیبال و کوه جرزیم واقعست و اکثر اهل این بلاد مسلمین اند
و اما شهر یافا در کنار دریا واقعست و بوستانهایش بسیار
است و میانه ان و اورشلیم مسافت ٤٠ میل است و اهلش
مقدار ٩٠٠٠ نفس است و امّا رمله در جنوب شرقی یافا واقع
است و شیخ خیر الدّین صاحب فتاوی الخیریّة که پیش فقها و علما
مشهور است منسوب بانست و امّا لُدّ در شمال شرقی رمله
واقعست و در زمان قدیم شهر عظیمی بوده و امّا شهر اورشلیم
که بقدس شریف معروفست مشهورترین شهرهای عالم است
ولکن حال از عظمت قدیمه انحطاط یافته و اعتباری از برای ان
نیست مکر بجهت اماکن مقدّسه مشهوره که دران و اطراف
انست که نصاری از جمیع اقطار برای زیارت انها میایند و وادی
های بسیاری بان احاطه دارد که از جمله انها وادی بن هینوم و
وادی یهوشاط است و در جنوب غربی اورشلیم بمسافت دو ساعت
قریه بیت لحم است که مولد حضرت عیسی است امّا شهر حبرون
که انرا خلیل میکویند در جنوبی اورشلیم بمسافت یك روز راه واقع
است و حضرت ابرهیم و اسحق و یعقوب دران ساکن بوده اند و امّا

شهر غزّه در جنوب غربی خلیل بمسافت یك روز راه واقعست و ابن حوقل ذکر کرده که قبر هاشم بن عبد مناف در انجاست و امام شافعی در ان تولّد یافته و عمر بن خطّاب در زمان جاهلیت دران اسیر شده و در شمالی ان شهر عسقلانست و دران اثار قدیمه یافت میشود و امّا عریش بعضی انرا از مصر و بعضی از فلسطین میدانند و ان در جنوب غربی غزّه واقعست و اثار قدیمه دران یافت میشود

فصل نهم در بلاد عرب

و ان از جهت شمال بفلسطین و بعض سوریا و جزیره و از شرق بجزیره و عراق عرب و بحر فارس که انرا خلیج عجم میکویند و بعض بحر هند و از جنوب بما بقی بحر هند و از غرب ببوغاز باب مندب و بحر احمر که انرا بحر قلزم میکویند و بوغاز سویس و بعض شام محدود است و میانه ۱۲|۱۲ و ۳۵ عرض شمالی و ۱۲ ۳۳ و ۵۹ طول شرقی است و معظم عرض ان مقدار ۱۱۵۰ میل و معظم طولش مقدار ۱۱۰۰۰۰ میل است و عدد اهل ان مقدار ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و این بلاد بر پنج قسم تقسیم میشود یمن و حجاز و تهامه و نجد و یمامه امّا ارض بحرین نزد اکثر از عراق شمرده میشود و لکن فی الحقیقة از بلاد عرب است مکر اینکه متصّل بعراق است امّا یمن از سه جهت بدریای قلزم محدود است و جهت چهارم تهامه و یمامه و بحرین است و اقسام ان حضرموت و شحر و مهره و عمان و نجران است و بعضی کفته اند که وجه تسمیهٔ ان بیمن وقوع انست از یمین کعبه در وقت استقبال المشرق مثل وقوع شام از شمال ان و اما حجاز در جنب بحر احمر واقعست و

وجه تسمیهٔ ان بحجاز حاجز بودن ان میانه نجد و تهامه است امّا نجد از جهت شمال بشام و از شرق بعراق و از غرب بحجاز و از جنوب بیمامه متصّل است و بهترین اراضی بلاد عرب است و امّا یمامه میانه نجد و یمن است و از شرق ببحرین و از غرب بحجاز متصّل است و ابو اسحق اصطخری ذکر کرده که در ناحیهٔ ایله برّیه ایست که انرا تیه بنی اسرائیل میکویند و ان اکرچه بدیار عرب متصّل است و لکن از دیار انها نیست و عرب دران اب و مرتعی ندارد اما احوالی این بلاد حالا تشان کما کان معلوم نیست چه که در اعصار قدیمه تاریخی با اعتبار تر از تاریخ انها نبوده و لکن انچه معلوم است اینستکه بعضی از اولاد سام بن نوح در عراق متوطن بودند و بنو حام انها را از انجا بیرون کردند پس بعضی در جهت شمال باشور رفتند و برخی در سمت غرب ساکن شدند و چونکه در لغت اصلیّه حرف غین نبود انها را عرب نامیدند پس عرب بمعنی غرب است و نسل انها بنسل اسمعیل و مدیان و عیسو و لوط مخلوط کردید و در جهات جنوبیّه با قبائلیکه از نسل حام بودند مخلوط شدند و از انها قبیله ها و نسلهای بسیاری پیدا شد که بعضی از انها منقطع و برخی در تحت نسلهای دیکر مندرج شد و در زمان جاهلیّت با نواع مختلفه عبادات باطله می کردند و خداوندان و بتهای بسیار مثل لات و عزّی و هبل و نسر و سواع و یغوث و غیرا ینها داشتند و اکثر انها پرستش افتاب و ماه و ستاره کان میکردند و از این جهت اسامی انها عبد العزی و عبد یغوث و عبد الشمس و عبد المشتری و امثال اینها بود و

در زمان قدیم در فصاحت و بلاغت و حذاقت و کرم و شجاعت
و نظم اشعار شهرت عظیمی داشتند و در اوقات معلومه در
اماکن معینه از برای بیع و شری و مفاخرت بیکدیکر و انشاد اشعار
جمع میشدند و از جمله اشعار انها معلقات سبع است که بخانه
کعبه اویختند و علمای اسلام بواسطه فصاحت و صنائع شعریه
که در انها بود بشرح انها بسیار اهتمام کردند و در اثناء سنه
۶۲۲ مسیحی که سنه هجرتست دین اسلام قوت کرفت و بسیاری
از اعراب مسلمان شدند و در سنه ۲۷۷ هجری طائفه قرامطه
قوت کرفتند و بکوفه و بصره و ارض بحرین غلبه کردند و لشکر
عظیمی از انها در تحت رایت ابی طاهر خلیفه قرمط بمکه امد و از اهالی
و غربای ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفس را بقتل رسانیدند و از خانه
کعبه حجر الاسود را کرفتند و در اواخر قرن ماضی طائفه وهابیه
قوت کرفتند تا اینکه بالاخرة ابرهیم پاشا با انها ظفر یافت و
بدانکه جانب عظیمی از بلاد عرب صحراهائی است که باران در انها
بندرت میبارد و چیزی در انها نمیروید مکر کیاه کمی که مرتع مواشی
اهل بادیه است و لکن وادیهای خوب که صاحب اب و درخت است
بخصوص در نواحی حضرموت و شحر که از بلاد یمن است بسیار است
و از جمله کوههای این بلاد کوه عارض استکه از جهت شمال و
جنوب ممتد است و طرف جنوبی ان در نزدیکی صعده ببلاد یمن
متصل است و از انجا از جهت شمال تا نزدیکی خلیج عجم ممتد است
و دیکر کوه احد و کوههای مکه و منی است که انها را اخاشب می
کویند و کوههای سودا که در نزدیکی کوه اجاست نیز اخاشب می

کویند و میانه انها بیابان ریک زاریست اما نهریکه کشتی از ان
عبور کند در بلاد عرب نیست و از کوههای انها جویهای بسیاری
سراشیب میشود و لکن در ریکهای کرم فرو میرود و بدریا
نمیرسد و در نزدیکی صنعاء یمن نهر کوچکی است که بدریای هند
متصل میشود و نهر دیکری در بلاد مهره استکه ان نیز در زمان
دریا داخل میشود و اما هوای این بلاد در کوهها معتدل و در
بیابانها بسیار کرم است و در شمال یمن از ماه حزیران تا تشرین
دویم باران میبارد و در شرقی ان از تشرین دویم تا شباط و
در حضرموت و عمان از شباط تا نیسان و در اکثر صحراهائیکه
باران بسیار میبارد بعضی از نباتات بریه در انها میروید و
احیانا باد سموم بانها میوزد و تمام را میسوزاند و اما اشجار در
بادیه ها غیر از بعضی از اشجار که اب کمی انها را کفایت میکند نمیروید
و لکن در بعضی از وادیها و کوهها کز و حنا و زنجبیل و یاسمین
و تمر هندی و خرما و نی و کندم و جو و قهوه و تتن و فلفل و صبر و
بادنجان و انار و بادام و پسته و زرد الو و سیب و کلابی و لیمو
و انجیر و شقایق و نرجس و خربزه و موز و طلح که صمغ عربی از
ان است و نارجیل و لبان یافت میشود و اما حیوانات بلاد عرب
از جمله انها اسب است که در خوبی مشهور و معروفست و دیکر
شتر و کاومیش و کاو وحشی و خر و بز و کوسفند و حمار وحشی
و بز بری و خنزیر و خرکوش و اهو و شیر و کفتار و یوز و کرکدن و
روباه است و در جهت جنوبی نسناس یافت میشود و از جانوران
موذی مار و عقرب و انواع مورچه و رتیلا یافت میشود و در

غالب وقات ملخ باین بلاد هجوم میکند وغلّه واشجار انها را تلف مینماید واما معدنهای بلاد عرب حال کم است ولکن در زمان قدیم بسیار بوده والان در بعضی از اماکن انها اهن ومس وارزیز وجزع وعقیق ولؤلوء یافت میشود وشکّی نیست که در انجا معدنهای بسیاری استکه تاکنون کشف نشده بخصوص در نواحی طور سینا واما تجارت این بلاد در زمان قدیم وسیع بوده وحال کم است واز جمله چیزهائیکه از انجا ببلاد دیگر می رود قهوه وصمغ عربی وصبر ومرّ وسنا وفلفل وحناء وعود وغیر اینها از عقاقیر است امّا شهرهای این بلاد مشهورترین انها مکّه است وان از حجاز است وبغیر چاه زمزم چشمه ای در ان نیست وان برای اشامیدن خوب نیست چه که مورث قرحه بثورات میشود ومقتدر بالله که از خلفای بنی عباس بود از مسافت بعیده ابی در ان جاری کرد ومسجد الحرام که خانهٔ کعبه در میان ان واقعست در انست واهلش مقدار ۲۵۰۰۰ نفس است واز تجارت باحجّاج امور معیشت خود میگذرانند ودر غربی مکّه در کنار دریای قلزم شهر جدّه است وان بندر مکّه است ودر طول شرقی ۳۹ ع وعرض شمالی ۲۱۳ ۳۱۴ واقعست واهلش مقدار ۱۲۰۰۰ نفس است واز اهل هند ویمن ومصر وشام ومغرب وبلاد ترک مخلوطند واز اماکن مشهوره مکّه صفا ومروه است ودیگر وادی منی وکوه عرفات ومزدلفه استکه انرا جمع وبطن محسّر نیز میگویند ودر جنوبی مکه کوه ثور است وثبیر کوه دیگری استکه از منی ومزدلفه دیده میشود

ونیز اسم چند کوه است نزدیکی مکّه سوای کوه مذکور مثل ثبیر زنج وثبیر اعرج وثبیر خضراء وثبیر نصع وثبیر غنیاء وثبیر احدب که انرا اثبره میگویند وغار مشهور که حضرت رسول با ابی بکر در ان مخفی شدند در کوه ثور واقعست وشیخ محمّد بوصیری در قصیده اش که معروف به برده است اشاره بان کرده وماحوی الغار من خیر ومن کرم وکلّ طرف من الکفّار عنه عمی فالصّدق فی الغار والصّدیق لم یرما وهم یقولون ما بالغار من ارم ودر شمال غربی مکّه قریه حُدَیبیّه است وبعضی گفته اند که بعض ان در حلّ وبعضی در حرم است امّا تبوک در شرقی ایله واقعست ودر سنه ۹ هجری واقعه عظیمی میانه مسلمین وروم در ان حادث شد ودر شرقی تبوک دومه جندل است ودر همان سنه که غزوهٔ تبوک واقع شد خالد بن ولید انرا فتح کرد امّا حِجر بکسر حاء در جنوبی دومه جندل است وبعضی گفته اند که دیار ثمود انجا بوده وامّا حَجر بفتح حاء در نزدیکی شهر یمامه است وهرد ومنزل قبیله بنی حنیفه و بعضی از مُضَر است وبنی حنیفه از قبیله بکر بن وائلند که مُسَیلمه کذّاب که ادّعای نبوّت کرد از انها بود وایشان از عرب مستعربه اند از قبیله ربیعه فرس که حریری صاحب مقامات مشهور از انها ست واصل او از قریه مشان بوده وقبور اشخاصیکه در حرب مسیلمه کذّاب در زمان خلافت ابی بکر کشته شدند در حجر مذکور واقعست ودر بلاد عرب مواضع عدیده باین اسم مسمّی است مثل حجر راشده در دیار بنی عقیل وحجر بنی سلیم وحجر دوس ووادی دیگری در بلاد عُذره وغطفان وموضع

دیکری در یمن وحذام جدیسیه که او را زرقاء جو نیز میکویند ومسافت سه روز راه را میدیده وکرویت زمین پیش او چیزی نبوده چنانچه در باره او کفته اند اذا قالت حذام فصدقوها * فان القول ما قالت حذام اصل او از یمامه از مکانی است که انرا جو میکویند واو ما بین مردم ضرب المثل است چنانچه ابو طیب کفته

برتنی السری بری المدی فردنی ... اخف علی المرکوب من نفی جرمی
وابصر من زرقاء جو لاننی ... متی نظرت عینای ساواهما علمی

وبعضی کفته اند که اسم او یمامه بوده و بلد یمامه باسم او نامیده شده وبواسطه کبودی رنک ملقب بزرقاء کردیده واما تیماء در شرقی حجر واقعست ودر زمان قدیم معمورتر از ان بوده ودر ان قلعه ایست که معروف بابلق فرد است ومنسوب بسموال بن عادیاء یهودی است واما ثعلبیه در شمال شرقی تیماء است و در شمال شرقی ان فید واقعست وان از نجد است ودر نصف راه قاصدین عراق از کوفه بنزدیکی کوه اجا وسلما واقعست و در غربی حجر مدین واقعست ودر انجا چاهی است که بعضی کفته اند که ان چاهی است که موسی کوسفندان شعیب را از ان سیراب میکرده اما مدینه اسمش یثرب است ولکن غالب انرا مدینه میکویند وان در زمینی مستوی واقعست ودر شمالی ان کوه احد ودر جنوبیش کوه عیر است ودرخت خرمای ان بسیار است واکثر اراضی ان قابل زرع نیست وبیشتر چیزهائیکه در ان محل احتیاج است از مصر میاید وانرا مدینة الرسول وام القری وطیبه نیز میکویند چنانچه شیخ عمر فارض کفته تیقنت ان لا

دار من بعد طیبة تطیب وان لا عزة بعد عزة واما خیبر در جهت شمال شرقی مدینه بمسافت ۴ منزل واقعست وقبائل یهود متعربه که بمکر وحیله وخباثت موصوفند در ان ساکنند وبعضی کفته اند که ان از عمالقه بوده وبعد به بنی عنزة بن اسد بن ربیعه رسیده وهوای ان بد وموروث تبهای شدیده است ودرخت خرمای ان بسیار است وتمرش بجهات بعیده میرود واما جار در جنوب شرقی مدینه بمسافت یک روز ویک شب واقعست وان بندر مدینه است وجماعتی بان منسوبند که از جمله انها عبد الملک بن حسن جاری احول است ودر جنوب شرقی ان ابی است که انرا بدر میکویند ودر نزدیکی ان قریه بدر است که واقعه مشهور میانه مسلمین ومشرکین قریش در ان واقع شد وبالاخره اهل اسلام ظفر یافتند واز جمله اشخاصیکه در ان روز از مشرکین کشته شد بدر بن اسود بن زمعة بن مطلب بن نوفل قرشی بود واما جحفه در جنوب شرقی بدر است وحال خراب وویران است ومیانه جحفه ومکه عسفان است وان منزلی است در راه قاصدین مصر وشام وانرا مدرج عثمان نیز میکویند واما طائف در شرقی مکه واقعست وسردترین اماکن حجاز است و میوه های ان بسیار است ودر نزدیکی ان بوستانهائیست که از چشمه ها وجویهائیکه از کوهها سراشیب میشود سیراب می کردد وکل ودرخت رز در انها بسیار است واهل ان از قبیله ثقیف اند که کلیب بن یوسف ثقفی ملک شام که معروف بحجاج است از انهاست واما عکاظ در نزدیکی حد میانه یمامه وتهامه است و

در زمان قدیم در ایام یك شنبه بازاری در ان برپا میشد و هرسال قبائل عرب از برای تفاخر بیکدیگر و انشاد اشعار در ان جمع میشدند و مدّت یکماه یا ببیست روز در انجا میماندند و امّا صنعاء یمن از شهرهای عربستان است و قصبهٔ یمن است و در عرض ۱۵۲۱ شمالی واقعست و در کثرت انهار و اشجار شبیه بدمشق است و هوای ان معتدل و بازارهایش خوب و تجارتش وسیع است و در زمان قدیم پای تخت ملوك یمن بوده و در جنوب شرقی صنعاء موقع شهر مارب است که انرا سبا میکویند باسم عبد الشمس که ملقّب به سبا بود و بعضی کفته اند که در انجا سدّ عظیمی ساخت و سیلابها را از مسافت بعیده در ان جاری کرد و در جهت شمال غربی صنعاء صعده است که پوستهای مدبوغه از انجا بسائر بلاد میرود و در غربی صنعاء بمسافت یکمنزل از شط بحر احمر شهر زبید واقعست که قهوهٔ ان باطراف میرود و نسبتش اصلاً بان داده میشود مکر اینکه عامّهٔ ناس از روی اشتباه نسبت انرا بمکّه میدهند و ان در عرض شمالی ۲۰۱۳ و طول شرقی ۲ ۳ ۴ واقعست و بناهایش از خشت خام است و اهلش مقدار ۵۰۰۰ نفس است و در ۴ منزلی ان و ۶ منزلی صنعاء بیت فقیه است و ان در اراضی که قهوه در انها میروید واقعست و امّا شهر عدن در کنار دریای هند واقعست و در زمان قدیم تجارت وسیعی داشته ولکن حال اعتباری از برای ان باقی نمانده و در تصرّف انکریز و محطّ کشتیهای انهاست که میانه هند و سویس جاری میشود

وجزیره سقطره که صبر سقطری معروف از ان بسایر بلاد میرود تابع یمن و در تحت حکومت ان است امّا شهر مسقط قصبهٔ بلاد عمّان است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و امّا احساء اعظم بلاد بحرین است و صاحب انهای جاری و چشمه‌های بسیار کرم است و درخت خرمایش بسیار است و از انجا تمر بنواحی یمامه میبرند و با کندم معاوضه میکنند و در شمالی احساء در کنار خلیج عجم قطیف واقعست و درخت خرمای ان کمتر از احساء است و میانه انها مسافت دو روز راه است و از بصره بمسافت ۴ روز راه واقعست و میانه ان و کاظمه ۴ روز راه است و بنزدیکی ان در خلیج عجم جزائر بحرین است امّا کاظمه در شط خلیج عجم واقع است و امّا شهر یمامه در جنوبی احساء واقعست و مسیلمهٔ کذّاب منسوب بان است و در نزدیکی ان وادی است که انرا خرج میکویند و در ان چند قریه است و در شمال یمامه شهر ریاض است که پای تخت وهّابیّین و مرکز سطوت انهاست و تجّار از احساء و قطیف و عمّان و مکّه و وادی نجران و یمن در ان جمع میشوند و انها باعلی درجه ترفّض و تشیّع بمذهب وهّابیّین اند که ابداً شراب نمیخورند و تتن و سایر دخانیات استعمال نمیکنند و استعمال انرا از اعظم کناهان میدانند و رخصت داخل کردن انرا در بلادشان نمیدهند و ان حال قصبهٔ بلاد نجد است و این بلاد بخوبی اسب و شتر و کوسفند مشهور است و در شمالی ان رمول است و در شمالی ان کوه شمر است که قصبه ان شهر حائل است و بنزدیکی ان در سلما

قبر حاتم طائی است و ان در تحت حکومت ریاض بوده و حال صاحب
حکومت مستقل است اما وادی جوف در حدود بادیهٔ شام
است و قصبه ان شهر جوف است و ان نیز تحت حکومت کوه شمر
است که شهر حائل قصبه ان است و از جمله شهرهای قدیمه بلاد
عرب ملجم است که در شمال شرقی زبید واقعست و میانه ان و
صنعاء منزل است و در جنوب زبید قلعه تعز است که مقام
ملوک یمن بوده و ان بالای کوهی است که محیط باراضی تهامه و زبید
است و در شرقی صنعاء شهر ظفار واقعست و ان قصبه بلاد
شحر است و تجارتش با هند است و در اراضی ان بسیاری از
اشجار هند مثل نارجیل و تنبل یافت میشود و امّا نجران
بمسافت ده منزل از صنعاء واقعست و اراضی ان از قبیله همدان
بوده و انها در زمان جاهلیّت بتی داشتند که انرا یعوق مینامیدند
و همدان پسر کهلان بن سبا بود **فصل دهم** در بلاد فارس
غربیّه یعنی مملکت ایران بدانکه بلاد عجم در این ایّام بچند قسم
تقسیم میشود مملکت ایران یا مملکت فارس و افغانستان یا
کابل و بلوچستان امّا مملکت ایران قسم غربی انها است و انرا بلاد
فارس نیز میگویند و ان از جهت شمال ببعض ارمینیه و گرجستان
و بحر خزر و بعض بلاد تتر و از شرق با فغانستان و بلوچستان
و از جنوب ببحر هند و خلیج فارس و از غرب بخلیج فارس و عراق
عرب و کردستان و بعض جزیره محدود است و مساحتش
مقدار پانصد هزار میل مربّع و اهلش مقدار دوازده هزار
هزار نفس است و ان هشت قسم است اذربایجان و گیلان

ومازندران و عراق عجم و خوزستان و فارس و کرمان و خراسان
واکثر اراضی این مملکت از مساوات دریا بسیار مرتفع است و جبال
و وادیها و بیابانهای ان بسیار است و در ان بسیاری از بحیرات
شور است که از جمله انها بحیره ارمیه است که در شمال غربی
اذربایجان است و طولش مقدار ٩٠ میل و عرضش ٣٢
میل و عمقش زیاده از چهار ذراع نیست و مقدار ١٤ نهر از
جبال مجاوره ان داخل ان میشود و هر وقت که اب این نهرها
زیاده میشود اب این دریا مقدار ٣٠ قدم مرتفع میگردد و
بعضی گفته اند که اب ان شور و تلخ است و ماهی در ان تعیّش
نمی تواند بکند و انرا بحیرهٔ تلا نیز میگویند و دیگر بحیره ایست که
در شرقی فارس است و طولش مقدار ٦٠ میل است و دیگر
بحیرهٔ شیراز و غیر اینها است که حاجتی بذکر انها نیست و از جمله
نهرهای این بلاد قزل اوزان است که مخرجش در کوههای عراق
عجم است و بجهت شمال جاری میشود پس بجهت شرق بر می
گردد و در بحر خزر ریخته میشود و طول ان مقدار ٤٠٠ میل
است و دیگر نهر قره صو است و شاید که این همان نهریست که
عرب انرا نهر هود و دجله اهواز میگویند و ان از کوههای عراق
عجم بیرون میاید و میانه کوههای خوزستان میگذرد و در
دجله ریخته میشود و دیگر نهر نهاوند است که از کوههای عراق
عجم بیرون میاید و بجهت جنوب جاری میگردد و در فرات ریخته
میشود و دیگر نهر طاب است که از کوههای غربی شیراز بیرون
میاید و در خلیج فارس ریخته میشود و طول ان مقدار ١٨٠

میل است و در وصف ان بعضی گفته اند ما طاب قطّ عیش
الّا علی نهر طاب و دیگر نهر قارون است و ان نهری است که
بلاد خورستان را غرق میکند و در راس خلیج فارس ریخته
میشود و این نهر از التقاء دو نهر مجتمع است که یکی از انها نهر
اولی است که در نبوّت دانیال مذکور است و امّا هوای مملکت
ایران مختلف است چنانچه در نواحی بحر خزر بنهایت تری است
و بسرعت از گرمی بسردی منقلب میشود و باینواسطه در انجا
درد مفاصل و مرض استسقاء و چشم درد بسیار عارض می
شود و امّا در جهات متوسّطه برودت ان در فصل زمستان
شدید و حرارتش در موسم تابستان بقسمی است که اهالی
ان حتّی الامکان در ان قامه نمیکنند و در اصفهان در اواخر
تابستان تب بسیار عارض میشود و امّا در همدان و شیراز
هوا خوب است بخلاف سایر بلاد و امّا نواحی خلیج فارس و بحر
هند حرارتش شدید است و باد سموم در ان بسیار میوزد
و امّا خاک این بلاد اکثر ان قابل کشت و زرع است بخصوص
در نواحی اصفهان و همدان و شیراز و اذربایجان و خراسان
و در غالب بلاد بسیاری از میوه ها مثل انجیر و انار و الو و
زردالو و شفتالو و سیب و گلابی و انگور و گیلاس و بادام
و انواع خربزه و هندوانه و لیمو و پرتقال و غیر اینها یافت می
شود و بعضی ذکر کرده اند که در ان مقدار ۲۰ نوع از جنس
خربزه و مقدار ۱۴ نوع از انگور یافت میشود و از جمله حاصلهای
ان گندم و جو و عدس و نخود و باقلا و ارزن و ماش و لوبیا

و برنج و تنباکو و افیون و راوند و زعفران و پنبه و مصطکی
و بعض صمغهای عطریّه است و در بسیاری از بلاد کرز و
چغندر و کلم و کدو و شلغم و گندنا و پودنه و شبت و غیر
اینها از سبزیها یافت میشود و در گیلان و مازندران
بوستانهای بسیاری است که از نهرهائیکه از کوههای
مجاورهٔ انها سراشیب میشود سیراب میگردد و لیمو و توت
و پرتقال انها بسیار است و بیشتر اعتناء اهل گیلان بحریر
است و ان در مازندران کم است و از جمله حیوانات این
بلاد اسبهای خوب است از اسبان عربی و ترکمانی و دیگر استر
و حمار است که اهالی ان بتربیت انها بسیار اعتنا دارند و امّا
گاوهای ان صغیر الجثّه است و لکن گوسفندان ان فربه و عظیم
الجثّه است و بهترین پشمها در نواحی کرمان است که از ان
چیزهائی بافته میشود که معادل انسجهٔ کشمیر است و از حیوانات
برّیه حمار وحش و گرگ و پلنگ و روباه و شیر و خرگوش و
خرس و عنتر و نوعی از گربه که عظیم الجثّه است و اهو یافت می
شود و همچنین از طیور اهلیّه و برّیه انواع بسیاری در این
بلاد یافت میشود و در بحر خزر و نهرهای مازندران ماهی
بسیار است و از معادن نمک در این مملکت بسیار است و
مس در کوههای کرمان و مازندران و ارزیز و کبریت در
کرمان و فارس و اهن در اذربایجان و ارزیز و نقره و مس
و فیروزج در کوههای بحر خزر و مرمر در نواحی همدان و
نفط میان شیراز و بوشهر یافت میشود و در کرمان معارهٔ ایست

که نوعی از نفط از ان تقطیر میشود که انرا مومیاء میگویند و
سالی یکمرتبه در اینمغاره را باز میکنند وانچه در ان از نفط تقطر
شده میگیرند وان بقدر ناریست پس انرا مهر میکنند ود
خزانه سلطان میگذارند و قیمتان از طلا بیشتر است و در
بعضی از اماکن خراسان قلیلی از ان یافت میشود واز مصنوعات
این بلاد انسجه حریر و مخمل است در مشهد واصفهان و تبریز و
انسجه پنبه در اماکن کثیره وطناب وفرش وشال در کرمان و
خراسان واذربایجان والات وادوات خیل در همدان والات اهن
وفولاد در شیراز وان بخوبی شراب مشهور ومعروفست ونیل
ودود قرمز وشکر از بلاد مسکوب وهند وپوست گوسفند
از بخارا وقهوه از عربستان وارد ان میشود واما حکم این بلاد
بسلطان واحد منحصر وجمهور را دران مدخلیتی نیست واکثر
عساکران بغیر نظام است سوای ۲۰۰۰۰ پیاده و ۳۰۰۰۰ سوار
که در نواحی اذربایجان اند وعساکر غیر منتظم ان بمقدار ۳۰۰۰۰
نفر میرسد ودخل این مملکت از گمرک وخراج وجزیه در سال
مقدار ۲۰۰۰۰۰۰۰ غرش است واما اهل این بلاد از اصول
مختلفه از فارس اصلی وتتر وترک وکرد است واکثر انها متدین
بدین اسلام وبمذهب تشیع عمل میکنند وطریقه تصوف در
ان بسیار است واهالی اصلیه ان که بمذهب زردشتی باقی
مانده اند اکثر در نواحی یزد ساکنند ودر سر کوهی از کوههای
این بلاد اتشکده دارند که اتش مقدسرا دران حفظ میکنند و
دران از ارمن ونساطره ویعاقبه نیز ماوی دارد واکثر نساطره

در اذربایجان در نواحی ارمیه وجبال کردستان ساکنند واز جمله
شعرای مشهور این بلاد شیخ سعدی وحافظ شیرازی وانوری
وفردوسی وکمال الدین اسمعیل وخاقانی ومنوچهری وعبید
واوحدی است واما شهرهای ایران از جمله انها خوی است در
شمال غربی اذربایجان که بصنعت دیباج معروفست چنانچه
شیخ عمر فارض گفته کعروس جلیت فی حبر صنع صنعا ودیباج
خوی واهل اینشهر مقدار ۲۵۰۰۰ نفر است ودر جنوبی
ان ارمیه است بمسافت یکمنزل از بحیره ارمیه واهلش مقدار ۲۰۰۰۰
نفر است وحول انکوههای نساطره است که جماعتی از انها در
مذهب مسیحی داخل شده اند وبعضی گفته اند که حضرت زردشت
صاحب شریعت مجوسیه از این شهر بوده ودر شرقی بحیره ارمیه
شهر مراغه است که هلاکوخان بعد از ظفر یافتن باسمعلیه در
عراق عجم دران اقامت نمود واهلش مقدار ۱۵۰۰۰ نفر است و
جماعت بسیاری از هر فن بان منسوبند واما شهر اردبیل در شرقی
اذربایجان است واز اعظم شهرهای انست ودر نزدیکی ان کوه
سیلان است که خالی از برف نمی ماند واما شهر تبریز در شمالی
مراغه در ۴۶ ۱۷ ۴۷ طول شرقی و ۱۰ ۵ ۳۸ عرض شمالی
است ودر غنی وتجارت از اعظم شهرهای بلاد عجم بوده ودر
ان مقدار ۲۵۰ جامع ومدرسه بوده وجماعت بسیاری از
علماء منسوب بانند که از جمله انها ابوزکریا یحیی تبریزی شارح
دیوان حماسه است واما قم در طول شرقی ۵۰ ۳۹ وعرض شمالی
۳۴ ۴۵ است وبعضی گفته اند که در سنه ۸۳ هجری بنا

شده واز جمله ایشهرها کرمانشاه است وانرا قرمیسین نیز می
کویند واز اعظم شهرهای عراق عجم شمرده میشود ومحیط ان
مقدار ۳ میل واهلش مقدار ۱۲۰۰۰۰ نفس است ودران
بسیاری از فواکه ومیوه ها یافت میشود ودر اراضی ان زعفران
بخوبی بعمل میاید والات حربیّه از مس وغیره وفرش وجامه از
پنبه دران ساخته میشود ودیکر زنجان است که در حدود
اذربایجان واقعست واهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است واما
شهر همدان در وسط بلاد جبل است وکوه الوند مشرف بانست
صاحب نهرها وبوستانهای بسیاری است وبعضی کفته اند
که این همان شهر اکبتانای قدیم است واهلش مقدار ۴۰۰۰۰
نفس است وجماعتی از شعراء وعلماء بان منسوبند که از جمله انها
ابن خلوف همدانی شاعر وشیخ احمد بن حسین معروف ببدیع الزمان
صاحب مقامات است ودر جنوبی همدان موقع نهاوند است
وان شهریست صاحب انهار وبساتین وفواکه ودر زمان خلافت
عمر بن خطاب واقعه عظیمه میانه مسلمین وفرس دران واقع
شد واما طهران در ۳۵۴۰ عرض شمالی و ۵۱۲۲۴۰
طول شرقی واقعست ومقرّ سلطان عجم است مکر درایّام تابستان
که بجهت حرارت وکثافت هوا موکب همایونی ازانجا بنواحی ان حرکت
مینماید واهلش مقدار ۹۰۰۰۰ نفس است واما شهر اصفهان
در ۳۲۳۹۴۴ عرض شمالی و ۵۱۴۴۳۷ طول شرقی
واقعست ودر زمان قدیم قصبه مملکت ایران ودار السلطنه
ان بوده ولکن حال از عظمت قدیمه بسیار انحطاط یافته واهل

ان مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است وجماعتی از علماء بان منسوبند
که از جمله انها ابو الفرج علیّ بن حسین صاحب کتاب اغانی است
واز قریه های مشهوره ان راوند است که بعضی از علماء بان منسوبند
واما شهر قزوین در طول شرقی ۴۹۳۳۱۵ وعرض شمالی ۳۴۱۱
واقعست وانرا قزبین نیز میکویند وازین جهت نسبت داده میشود که
بحر خزر را بحر قزبین میکویند وجماعتی از علماء بان منسوبند که
از جمله انها شیخ محمّد قزوینی صاحب کتاب عجائب المخلوقات واثار
البلدان وتلخیص المفتاح در علم بیانست واما کاشان در
جنوب غربی قم است واهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است ودر
۷۱۱۵ طول شرقی و ۳۴۳۳ عرض شمالی واقعست واما
شیراز در طول شرقی ۵۲۴۲۲ وعرض شمالی ۲۹۳۷۳۰
واقعست ودر زمان قدیم شهر خوبی بوده وبوستانهای بسیاری
داشته وحال از وضع قدیم تنزل یافته وجانبی از ان بواسطه زلزله
که در سنه ۱۸۲۴ مسیحی واقع شد خراب کردید وقبر سیبویه
وخواجه حافظ وشیخ سعدی دران واقعست وبلبل دران
بسیار یافت میشود واهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است ومعادل
شیراز در عظمت وبزرکی فیروزاباد است که شیخ مجد الدّین
فیروزابادی صاحب قاموس اللّغة منسوب بانست وان در
جنوب غربی شیراز واقعست ودر شمال شرقی شیراز بمسافت
۳۴ میل بقایای شهر پرسپولیس است که اسکندر مکدونی
زمان رجوع او از هند بان عود کرد واز قریه های قدیمه فارس
اصطخر است که سیبویه وابو اسحق اصطخری صاحب مؤلّفات

جغرافیا منسوب بانست واما شهر یزد در جنوبی خراسان واقع
است واز شهرهای معتبره است و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است
وقافلهها از سایر بلاد دران میایند ومرکز تجارت وسیعیست
ودر شمال شرقی خراسان شهر مشهد است که مرقد منوّر امام ثامن
حضرت علی بن موسی الرّضا علیهما الاف التحیّة والثناء دران
واقعست و شیعیان از اقطار بلاد بزیارت انحضرت میایند واهل
ان مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است ودر ۵۹۳۵۲۷ طول شرقی و
۳۶۱۱۷۴۰ عرض شمالی است واما نیشابور در طول شرقی
۵۸۴۹۲۲۷ وعرض شمالی ۳۶۱۱۲۲۰ واقعست و اهلش
مقدار ۵۰۰۰ نفس است ودیگر از شهرهای ان کرمان است که شال
کرمانی وزیره بان منسوبست ومابین مردم ضرب المثل است که
میگویند مثل بردن زیره بکرمان وقطره بعمّان واهلش مقدار
۲۰۰۰۰ نفس است ودیگر بوشهر است در خلیج فارس وان
در طول شرقی ۵۰۵۰ وعرض شمالی ۲۸۵۹۳۰ واقع است
واهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است ومرکز تجارت وسیعی است
ودیگر لار است وان قصبه قسمی از بلاد جنوبیه فارس وکرمان
است که لارستان نامیده میشود وان در خلیج فارس است و
دیگر شهر استراباد است در بحر خزر وان در طول شرقی ۵۶
۵۴ ۲ ۴ وعرض شمالی ۳۶ ۵۱ ۳ ۳ واقعست واز جملهٔ
بلاد دیلم که تالی اذربایجان است شهر ری است که مدفن محمد
بن حسن فقیه وکسائی مقری است ومحمّد بن زکریای رازی
طبیب مشهور منسوب بان است وانتساب برازی بنابر قول

سیوطی است در کتاب نسب و ابن خلدون گفته که زاء ان زائد
است چنانچه در مروزی که نسبت بمرو شاهجان است نیز زیاد
کرده اند **فصل یازدهم** در بلاد فارس شرقیّه وان از
جهت شمال ببلخ واز شرق بچین وهند واز جنوب بدریای هند
واز غرب بکرمان وخراسان محدود است وبچهار قسم تقسیم میشود
هرات وکابل وسجستان وبلوچستان ومساحتش مقدار ۴۰۰۰۰۰
میل مربّع است امّا مملکت هرات در شمال غربی بلاد فارس شرقیه
است وطرف شمال غربی ان بصحرای خوارزم متصل است ودر
انجاسوای بعضی قبائل ترکمان کسی ساکن نیست ودر جنوبی این
صحرا سلسله کوههائیست که از جهت غرب ممتد است ودران
وادیهای خصیب ومرتعهای خوب یافت میشود واین سلسله
از شرقی شهر هرات عریض است وعرضش بمقدار ۲۰۰ میل می
رسد وطولش مقدار ۳۰۰ میل است واز جهت شرق بکوههای
کوهستان در نواحی شهر کابل ملحق میشود ودران چشمهها
وجویهای بسیاری است ودر وادیها ومرتعهای ان گندم وجو
زرع میکنند وبعضی از میوهها مثل انار وبادام دران یافت میشود
وبرف مقدار ۴ ماه دران باقی میماند وامّا هوای این بلاد خوب
ولطیف است ودر زمستان سرمای ان سخت است ودر تابستان
حرارت شدّت ندارد واکثر اراضی ان مرتع مواشی است ودر نواحی
شهر هرات بوستانها ودرخت توت وحریر بسیار است واهالی
ان از فرس وعرب واتراک مخلوطست واکثر توجّه انها بفلاحت
وزراعت است اما شهرهای این بلاد در زمان قدیم مشهور

ومعروف بوده وحال اکثر انها مثل شهرستان ومرو شاهجان و
مرو روذ وباذغیس وغیر اینها خراب و ویران وقابل ذکر نیست
واما شهر هرات طولش مقدار ۳۰ میل وعرضش مقدار ۱۵
میل است واز اب نهر سیراب میشود وتجارتش با کابل وبخارا
وکشمیر وهند وبلاد فارس غربیّه وسیع است واز نواحی
شرقی نیل وشکر وشال کشمیری واقمشه پنبه وپوست گوسفند
واردان میشود واز انجا بیزد ومشهد واصفهان وطهران می
فرستند واز جمله حاصلهای ان زعفران وبادام وگلاب وحریر
است ودران قماشهای حریر وتیغه شمشیر وغیر ان از الات
قطّاعه ساخته میشود وپای تخت اینمملکت است وجماعتی بسیار
از علما از هر فن بان منسوبند وابو الفداء گفته که هرات در زمان
عثمان فتح شد ودر مقام نسبت دادن بان هروی گفته میشود انتهی
وقول جعفر بن شمس الخلافه درباره یکی از کتّاب بنابرانستکه
گفته اوراق کدیته فی بیت کلّ فتیً علی اتفاق معان واختلاف
روی قد طبّق الارض من سهل الی جبل کانّه خطّ ذاک السائح
الهروی ومقصود او شیخ علی بن ابی بکر سیّاح استکه در زمان سیاحت
هر دیواریکه میرسید اسم خود را بان مینوشت واو از اهل هرات
بود واین شهر از خراسان شمرده میشود واهلش مقدار صد
هزار نفس است اما شهر مرو شاهجان حال اعتباری ندارد ودر
زمانیکه مأمون در خراسان بود دران مسکن داشت وبعضی ذکر
کرده اندکه یزدجرد اخر ملوک فرس دران کشته شد وکتاب
خلافت وجماعتی از علماء وپیشوایان از ان بیرون امدند واما

سجستان از جهت غرب بصحراهای کرمان واز شمال بهرات و
از شرق بافغانستان واز جنوب ببلوچستان محدود است
ودر جنوب غزنجان درحدود قسمیکه میانه بلوچستان و
کرمان واقعست صحرای بی اب وگیاهی استکه انرا کوهستان
میگویند واین غیر از کوهستانی استکه سابق ذکر شد ودر غرب
ان بحیره زرنج استکه محیطش مقدار ۱۵۰ میل است وچند نهر
از نواحی افغانستان بان منضمّ میشود که اعظم انها هرالمند است
واابش قدری شور استکه بغیر از وقت ضرورت قابل اشامیدن
نیست ودر وسط ان جزیره کوچکی است ومساحت سجستان
مقدار ۲۵۰۰۰ میل مربّع است وبسیاری از خرابه‌های شهرهای
قدیم در انست ومقرّ سلطان ان در جلال اباد است واما مملکت
افغانستان از جنوب ببلوچستان واز شرق بنهر السند واز غرب
بسجستان وهرات واز شمال بهرات وکوههای هندکوش که میانه
ان وبلخ فاصله است محدود است ومساحتش مقدار ۱۵۰۰۰۰
میل مربّع است وجمیع اینها با هرات وسجستان در ایام نادرشاه
تابع مملکت ایران بودند وبعد مستقلّ شدند وپس از وفات احمد
شاه بچند قسم تقسیم شدند وحال بهمین منوال باقی است ودر
جهات شمالیّه ان کوههای بلند ووادیهای عمیق وبیابانهای
خصبی است وجمیع قریب بیکدیگرند بقسمیکه در دو ساعت
از امکنه حارّه بمواضعیکه خالی از برف نمیشوند انتقال ممکن است
ونهرهای انها بسیار است اما در جهات جنوبیّه اب ونباتات
کمست وخالی از اشجار است واز کوههای جهات شمالیّه سلسله

هندکوش است واین سلسله تا محاذی کشمیر هندکوش نامیده
میشود وازانجا بطرف شرق همالیا موسوم است وازجمله نهرهای
ان نهرهنداست که در طی کلام در هندوستان ذکر خواهد شد
ودیگر نهر الهنداست که در بحیره زرنج ریخته میشود وطولش
مقدار ۶۰۰ میل است ودیگر نهر غنداب استکه بمسافت ۸۰
میل از شمال شرقی قندهار بیرون میاید وبجنوب غربی جاری می
گردد ودر نهر الهند ریخته میشود وطولش مقدار ۱۵۰ میل است
ودیگر نهر خوشخور استکه از کوههای حدود چین بیرون میاید
وبجنوب مایل بغرب جاری میشود ودر جبال هندکوش نفوذ
میکند وازانجا بطرف شرق بر میگردد ودر نهر هند ریخته
میشود ودر افغانستان سوای بحیره که در جنوبی شهر غزنه است
بحری نیست ومحیط ان مقدار ۱۲ میل است وابش شور است
وبسیاری از پرنده کان ابی دران یافت میشود امّا هوای
افغانستان بواسطه اختلاف علوّ اماکن مختلف است ودر
زمستان برودت ان شدید است ودر تابستان حرارت ولکن
سرمای جهات غربیّه سخت تر از شرقیّه است وامراض وبائیّه
در این بلاد بسیار کم حادث میشود وغالب امراض دیه وچشم
درد وامثال اینها دران عارض میگردد وازجمله حیوانات این
بلاد پلنگ ویوز وکرگ وکفتار وروباه وخرس واهو است
واما شیر بسیار کم است وبز برّی در جهات شرقیه وسگ
برّی وخارپشت در نواحی نهر خوشخور ونوعی از گربه که مویش
دراز است ونزد اهالی ان اعتبار دارد وببلاد مجاوره خودشان

میفرستند واز طیور نسر وباز وعقاب وکلنک وغیره یافت میشود
وازجمله درختهای ان شفتالو وامرود وسیب کابلی وانار وبادام
وعنّاب وگردو وپرتقال است ودر کوههای ان صنوبر ومصطکی و
سنجان وجور در بعض بیابانها وانی شکر یافت میشود وکلّ ان
بسیار است وشرابش خوب است وانگور غزنه مشهور است و
در سال دو فصل دران زرع میشود یکی در بهار که در موسم خزان
انرا درو میکنند ودیگری در خزان که در فصل تابستان انرا می
دروند واکثر تجارت ان با بخارا است وامّا اهل این بلاد از قبائل
مختلفه اند وعدد انها بمقدار چهار هزار هزار نفس میرسد وقریب
بده لغت از عربی وفارسی وهندی وترکی ومنغولی وافغانی وغیره
تکلّم میکنند ونزد علمای انها اعتبار لغت فارسیّه از سایر لغات
بیشتر است ودین انها اسلام است بمذهب سنّت ودر میانه
انها بعضی از طرائق جدیده محدثه نیز یافت میشود واما شهرهای
این بلاد مشهورترین انها قندهار است وان در عرض شمالی
۲ ۲ ۳ وطول شرقی ۶ ۳ ۰ واقعست ودر ایّام احمدشاه قصبهٔ
این مملکت بوده وبعد از انکه تیمور پسر او بجایش نشست تخت
سلطنت را بکابل نقل کرد واهل ان افغان وفرس وهنود وترو
بلوچستانیّه وعرب وارمن ویهود است وعدد انها مقدار صد
هزار نفس است ودر اطراف ان بوستانهای بسیار است که میوه
واشجار انها بسیار است واما کابل در عرض شمالی ۳۴ ۱۰ وطول
شرقی ۶۹ ۱۵ واقعست وتیمور شاه انرا قصبه این مملکت قرار
داد واهلش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است ومسافت میان ان و

قندهار مقدار ۲۳۲ میل است و اما شهر غزنه قریب بدویست
سال پای تخت بود که دولت غزنویّه و خوارزمیّه در ان سلطنت
میکردند و در عرض شمالی ۳۳ ۱۰ و طول شرقی ۶۸ ۵۷ واقع
و میان ان و کابل مسافت ۸۰ میل است و در ان مقدار ۱۵۰۰ خانه است
و بمسافت ۳ میل از ان مدفن سلطان محمود غزنوی است و امّا
شهر جلال اباد در جنوبی نهر کابل است و در جنوبی هرات بمقدار
یازده منزل شهر فرّه واقعست و اهل ان مقدار ۴۰۰۰۰ نفس
است امّا بلوچستان از جنوب بدریای هند و از شرق بسند و
از شمال بافغانستان و سجستان و از غرب بکرمان و لارستان
محدود است و عرضش مقدار ۳۵۰ میل و مساحتش مقدار
۱۴۶۰۰۰ میل مربّع است و اکثر این بلاد کوه و صحراهای اب
است مگر بلاد لصّ و ما وراء ان از شمال و نهرهای این بلاد کم
است و اکثر انها سیلابست که در زمستان جاری و در
تابستان قطع میشود و هوای انها کثیف و بد و در زمینهای
پست حرارت و در کوهها و اراضی مرتفعه برودت شدت دارد و
اشجار کم است و از جمله معادن انها نمک و کبریت و رخام است
و از حیوانات شتر و اسب و گوسفند و بز و گاو در انها یافت
میشود و اهل انها مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است و ایشان از فرس
و هنود و تتر و افغان و اکراد مخلوطند و بعضی از لغات انها مشابه
لغت هندیّه و بعضی مشابه لغت فارسیّه است و اکثر انها از
اهل سنّت و جماعت اند و در مکران طائفه لودیّه ساکنند و از
جمله عادات انها انست که چون کسی از ایشان وفات میکند تمام

چیزهائیکه مختصّ باو بوده با او دفن میکنند که ذکر او از میان انها
فراموش شود و علت افسرده گی خاطرشان نگردد و در میان انها
ترویج نیست بلکه بزنا و فسق عیش میکنند و ایشان از اصل فارسی
اند و لغتشان فرع فارسی قدیم است

فصل دوازدهم

در ترکستان و ان از شمال بسیبریا و از شرق ببعض سیبریا و
چین و از جنوب ببعض چین و افغانستان و هرات و ایران و از
غرب ببحر خزر و نهر اورال محدود است و مساحتش مقدار
۷۷۵۰۰۰ میل مربّع است و بسه قسم منقسم است اوّل ترکستان
جنوبی که در جنوبی نهر جیحون واقع است و نزد اعراب این قسم
بطغارستان و بدخشان و بعض خوارزم منقسم است دوّیم
ترکستان وسطی و ان اراضی ایست که در شمالی جیحون و در وادی
نهر سیر واقع است و اعراب انرا ما وراء النهر میگویند سیّم ترکستان
شمالی و اکثر این بلاد صحرا و بیابانهای بی اب است مگر نواحی
نهر سیر و نهر جیحون و جهات جنوبیّه شرقیّه و میان ان و ایران و
افغانستان سلسله کوههای هندکوش فاصله است و از این سلسله
سلسلهای چندی بجهت شمال منشعب است و میان ان و چین
سلسله بلورطاغ یعنی کوههای بلور که متصّل بکوههای التائی است
فاصله است و طول ان مقدار ۵۰۰ میل است و وسط این بلاد را
چند سلسله خرق میکند که از جمله انها اصفرطاغ و اقطاغ و قره
طاغ و کوههای سمرقند است و از جمله نهرهای این بلاد نهر سیر
است که از کوههای بلور بیرون میاید و بجهت شمال جاری میگردد
و در بحیرهٔ ارال ریخته میشود و انرا نهر سیحون نیز میگویند و امّا

نهر جیحون از جبال بلور بیرون میاید و بطرف غرب جاری میگردد پس بشمال غربی منعطف میشود و در بحیرهٔ ارال ریخته میشود و نهرهای بسیاری که از کوههای هندکوش سرازیر میگردد در ان ریخته میشود و طولش مقدار ۱۱۰۰ میل است و اما بدخشان اسم اقلیم و شهر خاصی از انست و دران معدن یاقوت و لاجورد و اهن و کبریت و نمک یافت میشود و بلور و پادزهر ان بسیار ببلاد میرود و اهالی ان از اصل ترک و متدین بدین اسلامند و اما بلاد خوارزم در شمالی خراسان و شرقی بحر خزر و غربی ماوراء النهر است و اکثر اهل ان قبائل ترکمانیه اند و عدد انها مقدار ۸۰۰۰۰۰ و بعضی ۵۰۰۰۰ نفس گفته اند اما بلاد بلخ تا لی شمالی جبال هندکوش و از شرقی ان بدخشان و از شمالی ان ماوراء النهر است و قصبه ان شهر بلخ است و اما بلاد ماوراء النهر از جمله شهرهای ان بخاراست که پای تخت دولت صفاریه و سامانیه و غزنویه و سلجوقیه و خوارزمیه بوده و اما شهر سمرقند تخمینا ۱۱۲ میل در شرقی بخاراست و طولش ۴۴ ۵۳ شرقی و عرضش ۳۹ ۴۰ شمالی و محیطش مقدار ۸ میل بوده و لکن حال چنین نیست و اهلش مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است و اما سغد سمرقند یکی از محل تفرجهای عالم است و نهر ان زراقی می گویند و از ان شعبه‌های بسیاری منشعب میگردد که در اراضی الی حدود بخارا متفرع میشود و شیخ رئیس ابو علی حسن بن عبد الله بن سینا سنه ۳۷۰ هجری در دهات بخارا تولد یافت و اما وادی نهر سیر که معروف ببلاد فرغانه است از جمله شهرهای ان خجنده است و دران مقدار ۳۰۰۰۰ خانه است و دیگر خواقند

است

است و از حال قصبه این نواحی است و دران مقدار ۵۰۰۰۰ خانه است و اما ترکستان شمالی اهل ان قبائل بادیه از ترک و ترکمان است و با مسکوب در مواشی تجارت میکنند و در عوض قماش و الات و ادوات زینت میگیرند

فصل سیزدهم در هندوستان

و ان از شمال بسلسله کوههای همالایا و از شرق بخط مفروضی از سلسله مذکوره بنهر برهم پوترا و همچنین بنهر مذکور و خلیج بنگاله و از جنوب بدریای هند و از غرب نیز بدریای هند و نهر هند و سند محدود است و معظم عرضش ۱۴۲۰ میل و معظم طولش ۱۴۰۰ میل جغرافیه و مساحتش مقدار ۱۱۰۰۰۰۰ میل مربع جغرافیه و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و اما کوههای ان از جمله انها کوههای همالایا ست که میانه هند و بلاد تبت فاصله است و ارتفاع بعض انها مقدار ۲۹۰۰۰ قدم است و از مسافت ۲۴ میل نمایان میشود و درخت صنوبر و سنجان در ان بارتفاع ۱۲۰۰۰ قدم میرسد و از معدنها طلا و اهن و مس و سرب و نمک و اهک و کبریت و انتیمون در ان یافت میشود و هیچ وقت خالی از برف نمیماند و دیگر سلسله الغات است که ارتفاع ان میانه ۵۰۰۰ و ۴۰۰۰ قدم است و الغات شرقیه متجه غربیه است و میانه ۱۱ و ۱۴ عرض شمالی است و ارتفاع بعض ان مقدار ۳۰۰۰ قدم است و میانه این دو سلسله از جنوب در عرض ۱۱ شمالی جبال نیلغیری یعنی کوههای ازرق است که ارتفاع بعض انها مقدار ۴۰۰۰ قدم است و بعضی ۵۰۰ قدم ذکر کرده اند و اما نهرهای این بلاد طولانی و وسیع و بطیء الجریان و عمیق است بقسمیکه بسیاری

ازانها قابل عبور کشتی است واز جمله انها نهر هند است که انرا
نهر سند ونهر مهران نیز میکویند واز شمالی کوههای همالایا در
طول شرقی ۸۰۵۵ شرقی وعرض شمالی ۳۱۲۲ بیرون میاید
وبشمال غربی جاری میکردد پس بجنوب غربی منحرف میشود و
نهر کابل ونهرهای دیکر از نواحی افغانستان وچند نهر بزرك
ازطرف شرق بان اضافه میکردد وتمام در دریای هند ریخته می
شود واز وادی کشمیر وکوههای همالایا پنج نهر دراین نواحی جاری
میکردد که طول بعض انها مقدار ۵۰۰ میل است واین پنج نهر بنهر
شونا بکه درشهر مُلتان میکذرد متّصل میشود ودر جنوب
غربی ملتان بمسافت ۱۰۰ میل نهر بیاج ونهر صُتلج که ازکوههای
همالایا سراشیب میشوند بان اضافه میکردد ودر دریای هند
ریخته میشود واما نهر الکنك ازکوههای همالایا بیرون میاید وبه
جهت غرب جاری میکردد وپس ازان بجنوب وبعد بجنوب شرقی
منحرف میشود وچند نهر ازکوههای مجاوره ان منضمّ بان میکردد
ودر قنوج والهٰ اباد وبنارس وغیرا ینها میکذرد ویازده نهر
بزرك بان اضافه میشود ودر الهٰ اباد نهر جمنه بان منضمّ میکردد
وبمسافت ۲۲۰ میل از بحر بدو قسم تقسیم میشود یکی کوچکتر که
انرا هوجلی میکویند ودر کلکتّه عبور میکند ودیکوی بزرکتر و
ان درجهت اصلیّه باقی میماند وبمسافت ۸۰ میل از مصبّ هوجلی در
خلیج بنکاله ریخته میشود واما نهر برهم بوترا مخرجش در شمالی
جبال همالایا در بلاد تبت است واوّل بطرف شرق جاری میشود
پس بجنوب برمیکردد وبعد بجنوب غربی وپس ازان بجنوب وقبل

از وصول ان ببحر بمقدار ۳۰ میل در نهر الکنك ریخته میشود و
اما نهر صون مخرجش در اواسط بلاد است وبشمال شرقی جاری می
کردد وبنزدیکی شهر بطنه در نهر الکنك ریخته میشود واما
نهر نربدّه مخرجش در نزدیکی مخرج نهر صون است وبسمت غربی
مائل بجنوب جاری میکردد ودر خلیج کمبای ریخته میشود ودر
نزدیکی ان مصبّ نهر صور است وطول ان مقدار ۴۶۰ میل است
واما نهر کوداوری ازکوههای الغات غربیّه بیرون میاید وبطرف شرق
جاری میکردد پس بجنوب شرقی بمقدار ۸۵۰ میل ودر خلیج بنکاله
ریخته میشود واما نهر کریشنه ازکوههای الغات غربیّه بیرون
میاید وبمقدار ۶۵۰ میل بجهت شرق جاری میکردد ودر خلیج
بنکاله ریخته میشود ودر جنوبی ان نهر بنّار است وطول ان
مقدار ۳۵۰ میل است ودیکر نهر قلرون ونهرهای بسیاری است
که حاجتی بذکر انها نیست واما هوای هندوستان باختلاف
عرض وارتفاع ان ومجاورت کوهها ونهرها مختلف است ودر
نواحی کلکته وراٴس خلیج بنکاله تب واسهال وامراض کبد وهم
چنین در نواحی مدرس بخصوص از ماه اب تا تشرین دوّیم بسیار
عارض میشود ودر جهات شمالیّه امراض ریه وتب ودر نواحی
کوههای همالایا درد نقرس حادث میشود واما اشجار ونباتات ان
زیاده از ۸۰۰۰ نوع از نباتات و ۴۵۶ نوع از اشجار دران
یافت میشود واز جمله حاصلهای ان کندم وجو وغیرا ینها از حبوب
ونی شکر وپنبه وتوت ونارجیل وخرما وخیزران وتنبل وتیك
است که چوب ان برای ساختن کشتی بکار میاید واز جمله میوههای ان

موز و انار و بادام و انکور و تمرهندی و پرتقال و لیمو است و
در جهات شمالیه سیب و صندل و خشخاش که افیون از ان کرفته
میشود و در کوههای همالایا اشجار و نباتات و در اقالیم بارده
انواع صنوبر و بلوّط و غیر اینها یافت میشود و امّا حیوانات ان
از جمله انها اسب و کاو و کاومیش و کوسفند و شتر و فیل و شیر
و پلنک و کرکدن و کرک و کفتار و یوز و خرس و خنزیر برّی و روباه
و انواع اهو و نهنک و عقرب و مار و انواع ضباب و حشرات است
و از طیور برّیه طاوس و خروس و کبوتر و غیر اینها یافت میشود
و از جمله معدنهای ان الماس و یاقوت و نقره و مس و اهن و ارزیز
است و اما ساکنین این بلاد سه صنفند هنود و مسلمین و فرس
و از اهل اروپا مقدار ۲۰۰۰۰ نفس در انها ساکن اند و امّا
لغات هندیّه که حال در اکثر بلاد شائع است مخلوط از هندی
و فارسی و عربی است و غالبا بحرف عربی بشکل خط فارسی نوشته
میشود امّا شهرهای ان از جمله انها کشمیر است که در جهت شمال
غربی است و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفس است و در نزدیکی
ان دریای کوچکی است که طولش مقدار ۶ میل است و امّا لاهور
در جنوب کشمیر واقعست و اهلش مقدار ۸۰۰۰۰ نفس است
و در جنوب غربی لاهور مُلتان است و در ان بسیاری از اقمشه
حریر و فرش و طناب ساخته میشود و امّا احمداباد از شهرهای
مشهوره هندوستان است و بعضی ذکر کرده اند که در ان هزار
جامع بوده که هریک دو مناره داشته و اعظم انها جامع سلطان
احمد بوده که تا حال نیز باقی است و اهل ان مقدار ۰۰۰۰۰ نفس

است و امّا دهلی در طول شرقی ۷۷۵ و عرض شمالی ۲۸۴۱
واقعست و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است و امّا الهاباد
در نزدیکی موضعیکه نهر جمنه بنهر الکنک میرسد واقعست و
اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و اما بنارس در عرض شمالی
۲۵۳۰ و طول شرقی ۸۳۱ واقعست و براهمه انرا شهر مقدس
میدانند و از اقطار بلاد قصد ان میکنند و بناهای ان بهتر از
بناهای اکثر شهرهای هندوستان است و اهلش در صیاغت طلا
و نقره و ترصیع ید طولائی دارند و اما بطنه بمسافت ۴۰۰ میل در
شمال غربی کلکته واقعست و تجارت نمک و باروت در ان وسیع
است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفس است و اما اگره بمسافت
۱۳۷ میل از دهلی واقعست و از شهرهای قدیمه است و اهلش
مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و اما کلکته قصبه بلاد هند است
و در طول شرقی ۸۸۲۸ و عرض شمالی ۲۲۳۳ واقعست
میان ان و دریا مقدار ۱۰۰ میل است و تجارتش از طرف برّ و بحر
وسیع است و اهلش مقدار ۲۳۰۰۰۰ نفس است و امّا بمبئی
در طول شرقی ۷۲۵۸ و عرض شمالی ۱۸۵۵ واقعست و اهلش
مقدار ۱۷۰۰۰۰ نفس است و اعظم بندرات جهات غربیّه است
و تجارتش وسیع است و اما مدرس در طول شرقی ۸۱۲۱ و عرض
شمالی ۱۳۵ واقعست و انکریز در سنه ۱۶۳۹ انرا فتح کرد
و اما جزیره سیلان در طیّ کلام در جزائر اسیا ذکر خواهد شد انشاء الله

فصل چهاردهم در هند چینیّه و ان اراضی ایست که از
جهت شمال چین و قسمی از هندوستان که دو رود و جانب نهر برهما

بوترا واز شرق دریای چین واز جنوب دریای مذکور و بوغاز
ملقا واز غرب بنکاله و دریای ان با نها احاطه دارد و میانه
۹۲ و ۱۰۸ طول شرقی و ۷ و ۴ عرض شمالی واقعست این بلاد
بسه قسم تقسیم میشود بورما وصیام وکوشین چین وهوای
انها کرم وتر و بیشه وجنکلهای انها بسیار است و در کوههای
انها چوبهای بسیاری یافت میشود وساکنین انها کم است واز
جمله اشجار انها صندل و تیک وابنوس و درخت خرما است و در
کنار نهرهای انها موز و زنجبیل وقاقلّه وجوز طیب وانواع فلفل
وسقمونیا وکافور و تمر هندی و نارجیل و ناردان وخیزران و
اکثر میوه های هندوستان یافت میشود واز جمله حیوانات این
بلاد فیل است واما شتر یافت نمیشود واسب نادر الوجود است
وهم چنین کاو وبز کم است وکوسفند اصلا یافت نمیشود ولکن
کاومیش وخنزیر بسیار است وکرکدن وپلنک ویوز وخرس وخار
پشت نیز دران یافت میشود واما حیوانات دیکر از قبیل روباه
وکفتار وکرک واهو که در اکثر بلاد یافت میشود دران دیده
نشده واما اهل این بلاد قامتشان از اهل هندوستان وچین
کوتاه تر وسیاهی بدنشان از انها کمتر است ولغات انها مختلف
است وبیکی از مذاهب یا نت بوذیه معتقدند اما مملکت بورما
از شمال باسام وتبیت واز شرق بچین وکوشین چین وصیام و
از جنوب بصیا وملقا وبحر واز غرب ببحر و بنکاله محدود است
واز جمله حاصلهای ان کندم وتتن وپنبه است واز معادن طلا
ونقره واهن وانتیمون وزرنیخ وکبریت وکهربا ویاقوت ورخام

ومقناطیس دران یافت میشود وچشمه های نفط ان بسیار است و
در هر سال مقدار هزار هزار لیرهٔ انکریزی از دخل انها وارد خزینه
سلطان میشود وعدد نفوس حالیه ان بمقدار ۳۵۰۰۰۰۰
میرسد و در زمان قدیم زیاده از این بوده وانها باختلاف عادات
وهیئات وطباع بدوازده قسم منقسم اند وبیشتر انها کوتاه
قامت وصاحب مکر وحیله اند وموافق شرع خود زیاده از یک
زن نمیتوانند کرفت ولکن از کنیزان هر قدر که بخواهند میکیرند
ومرده کان خود را میسوزانند واستخوانهای انها که باقی میماند
دفن میکنند و بنوعی از دیانت بوذیه اند وبعضی از انها خدائی
که او را غداما مینامند ستایش ونیایش میکنند واز برای او
هیکلها بنا میکنند ودر انجا تمثالها از نقره یا مس یا رخام می
کذارند واما لغت اهل بورما ۳۳ حرف است واز شمال بیمین
نوشته میشود و در نوشتن طرق بسیاری بجهت اختصار
استعمال میکنند بقسمیکه کاتب بسرعتی که متکلّم تکلّم میکند می
تواند نوشت وقصص وتواریخ وقصائد شعریّه در نزد انها
بسیار یافت میشود ولکن معرفت انها در علوم کمتر از اهل هندوستان
است وسال انها قمری است واوّل ان روز ۱ ماه نیسان است
و در سحر ونجوم زیاده اعتنا دارند ولکن معرفت انها در صنایع
کم است وزنان انها بساختن قماشهای حریر وپنبه اشتغال
دارند وبضاعت تجارتشان شکر وپنبه ونیل وقاقلّه وصبر و
فلفل ونمک وشوره وعسل وشمع وعاج ومعادن مذکوره
است وسلطان ان بنفسه مستقلّ در حکم است اما شهرهای ان

از جمله انها شهر افاست در شرقی نهریکه در نهر ایراودی ریخته
میشود وان در عرض شمالی ۲۱۵۱ واقعست ودر شمالی
ان بمسافت ۶ میل شهر امیراپورا است که از سنه ۱۷۸۳ تا
سنه ۱۸۲۴ مسیحی پای تخت این مملکت بوده واهالی این دو
شهر مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است ودیگر شهر پیکو است که قصبهٔ
مملکت بوده ودر انوقت محیطش ۲۰ میل بوده ودیگر رانکون
است که اعظم بندرات این مملکت است واز شهرهای جدیده
است واهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است اما بلاد ارکان قسمتی
بورماست ودر شط بحر بنکاله میانه ۱۸ و ۲۱ عرض شمالی است
واما مملکت صیام از غرب و شمال بمملکت بورما واز شرق بکوشین
چین واز جنوب به خلیج صیام وشبه جزیره ملقا محدود است ومساحت
ان بمقدار ۲۵۰۰۰ میل مربع میرسد واهل ان با توابعش
مقدار ۵۰۰۰۰۰ نفس است وهوایش بواسطه نزدیکی بخط
استواء بسیار گرم است ولکن از ماه نیسان تا ایلول که باران
میبارد لطیف است وخاکش خوب است واز معادن طلا و نقره
واهن ومس وارزیز وانتیمون دران یافت میشود وحیواناتش
مثل بورماست وطیورش خوش منظر ودر نهر مینام نهنگ یافت
میشود اما لغت اهل صیام ۳۷ حرفست وعلوم در نزد انها بسیار
کم یافت میشود ودر دیانت وحکم مانند اهل بورما هستند
بضاعت تجارت انها معدنهای مذکوره وپنبه وتنباکو وچوبهای
بناست واز جمله شهرهای ان صیام است که انرا یوشیه میگویند و
در زمان قدیم پای تخت این مملکت بوده ودیگر بنکوک است در

عرض شمالی ۱۳ ۴۰ وطول شرقی ۱۰۱ ۱۰ واکثر بناهای ان از
چوب است واهلش مقدار ۴۱۲۰۰۰ نفس است وبسیاری
از انها در زورقها در روی نهر بسر میبرند اما مملکت لاوس
از شمال بچین واز شرق بتونکین وکوشین چین واز جنوب بکمبوتیا
واز غرب بصیام وبورما محدود ومیانه ۱۴ و ۲۲ عرض شمالی
واقعست واز جمله حاصلهای ان عاج وشمع وعسل وبعضی
از عقاقیر طبیه است ودر بعضی از کوههای ان معدن اهن و
در ریکهای نهرهای ان چیزی از طلا یافت میشود ومعدن وسیعی
از یاقوت وزمرد دران است واین مملکت تابع صیام است و
اهلش بمقدار ۱۴۰۰۰۰۰ نفس میرسد وبامانت ودیانت
موصوفند واما کوشین چین میانه ۸ و ۲۲ عرض شمالی و ۱۰۳
و ۱۰۸ طول شرقی است وهوا وحاصل ان مثل بورما وصیام است
وحریر وعطریات وچوبهای بناء ان بسیار است ومعدنهای
وسیعه از طلا ونقره دران یافت میشود وحیواناتش مثل
بورماست ودیگر گاو وخر واستر وبز وگاومیش وخرگوش نیز
دران یافت میشود واهلش مقدار ۹۱۰۰۰۰ نفس است
وبنوعی از دیانت بوذ گرویده اند وقصبه این بلاد شهر هویفو است
که نهر هوی از دوجانب و ترعهٔ که عرضش هفتاد ذراع است
از دوجانب دیگر بان احاطه دارد واما بلاد تونکین میانه ۱۷
و ۲۳ عرض شمالی و ۱۰۱ و ۱۰۸ طول شرقی واقعست ودر
قرون سابقه تابع چین بوده ودر سال ۱۳ استقلال یافت
ودر سنه ۳۵۵ مسیحی اهل تونکین بکوشین چین استیلا

یافتند و در سنه ۱۸۰۰ اهل کوشین چین بتونکین غلبه کردند و بیازده قسم تقسیم شد و در این اقسام هیجده شهر است که عدد نفوس بعضی از انها بمقدار ۴۰۰۰۰ و بعضی ۷۰۰۰ میرسد و قصبه این بلاد شهر کیهو است که در ۲۱ عرض شمالی واقعست و میانه ان و دریا مسافت ۱۰۰ میل است اما هوای این بلاد معتدل و خاکش خوب و کار فلاحت و زراعت بر زنان انها راجع است و جمیع حاصلهای اقالیم حارّه در ان موجود است و حیوانات و میوه‌های ان مثل بورما و صیام است و بضاعت تجارت ان حریر و اقمشه و ظروف و عاج و صدف و خیزران است و اما اهالی ان بعضی شبیه باهل چین و بعضی از اصل تر اند و دین غالب انها دیانت بوذیّه است اما بلاد کمبودیا میانهٔ خلیج تونکین و خلیج صیام واقعست و هوایش معتدل و اکثر حاصلهای اقالیم استوائیّه در ان موجود و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ نفس است و بدیانت بوذیّه اند و از جمله شهرهای ان سایکون است و اهلش مقدار ۱۸۰۰۰۰ نفس است که ۱۰۰۰۰ از انها چینی است و دیگر شهر لوُیك است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و دیگر هوُیسون است که بساختن نسج حریر مشهور است امّا شبه جزیرهٔ ملقّا طولش ۷۷۵ میل و معدّل عرضش ۱۲۵ میل است و میانه ۱۲۲ و ۸۲۷ عرض شمالی واقع و از معادن طلا و اهن در ان یافت میشود و حیواناتش مثل صیام و بورما ست و هر سال مقدار زیادی از افیون ان بچین میرود و اهلش کوتاه قامت و شجاع و زبردست و لغت انها

بحرف عربی نوشته میشود و الفاظ بسیاری از لغت عرب گرفته اند و دین غالب انها اسلام است بمذهب اهل سنّت و جماعت و از جمله جاهائیکه در این نواحی در تصرّف انگریز است شهر ملقا است در جنوبی این بلاد و دیگر جزیرهٔ پینان است که در ۵ ۲۵ عرض شمالی و ۱۰۰ ۱۹ طول شرقی است و دیگر شهر سنکابور است که در سنه ۱۸۱۹ مسیحی بانا ستیلا یافت و عدد نفوس ان بمقدار ۳۰۰۰۰ میرسد

فصل پانزدهم در مملکت

چین و ان از شمال ببلاد سیبیریا و از شرق ببوغاز سغالیان و دریای جاپان و بحر اصفر و از جنوب بدریای چین و خلیج تونکین و هندوستان و هند چینیّه و از غرب بهندوستان و افغانستان و ترکستان محدود و میانه ۲۰ و ۵۶ عرض شمالی و ۷۳۵۵ و ۱۴۴۵ طول شرقی واقعست و مساحتش ۵۳۰۰۰۰۰ میل مربّع است و محیطش مقدار ۱۲۵۵۰ میل و اهلش مقدار ۴۳۰۰۰۰۰۰۰ نفس است و بسه قسم منقسم است منشوریّه در جهت شمال شرقی و چین اصلیّه و املاك اضافیّه مثل منغولیه و ایلی و تیبت تا حدّ ترکستان و افغانستان و کوههای بلندی بان احاطه دارد که از جمله انها کوههای التائی است و بیشتر انها میانه ۴۷ و ۵۲ عرض شمالی واقعست و دیگر سلسله بلّورطاغ است که میانه ان و بدخشان فاصله است و چند شعبه از ان بجهت جنوب ممتد است و بعضی دیگر میانه ان و تونکین فاصله است و دیگر سلسله دیگری است از شبه جزیره کوریا تا نزدیکی مصبّ

نهر عامور امّا سلسله هائیکه اواسط این بلاد را خرق میکنند ازجمله
انها سلسله ایست که اهل چین انرا تین شان میکویند و اوّلش در
طرف شمالی بلور طاغ در عرض ۴۰ شمالی است و از انجا بجنوب شرقی
بر میکردد و قطعه ایلی را بدو قسم میکند شمالی و جنوبی و ازجمله
انها سلسله نان شان است در ۳۶ عرض شمالی که میانهٔ بلاد
تیبت و صحراء کوبی فاصله است و دیکر سلسله ها و شعبه های
بسیاریست که حاجتی بذکر انها نیست اما صحرای مذکور در وسط
این مملکت است و طولش مقدار ۱۸۰۰ و عرضش میانه ۳۵۰ و
۴۰۰ میل و مساحتش مقدار ۱۲۰۰۰۰۰ میل مربّع است امّا
نهرهای این مملکت ازجمله انها نهر اصفر است که انرا هوانهو میکویند
و مخرجش در ۳۵ ۱/۳ عرض شمالی و ۹۶ طول شرقی است و در
بحر اصفر ریخته میشود و بواسطه انکه در مجرای ان خاک زردی است
که در وقت جریان اب بان خاک مخلوط میشود و رنکین میکردد
انرا نهر اصفر میکویند و دیکر نهر وای و نهر لو و نهر فان است که
در نهر اصفر ریخته میشود و دیکر نهر کبیر است که انرا تاکیان
میکویند و از چند نهر مجتمع است و در ۳۲ عرض شمالی در بحر
اصفر ریخته میشود و امّا نهر کان کیان که انرا شوکیان نیز میکویند
نهری است که نزدیک شهر کنتون در دریای چین ریخته میشود
و طولش مقدار ۷۰۰ میل است و دیکر نهر پیهو است که در
شهر باکین میکذرد و در بحر اصفر ریخته میشود و دیکر نهر
عامور است که از بلاد سیبیریا بیرون میاید و در بوغاز
سغالیان ریخته میشود اما بحیرات چین ازجمله انها بحیره بویان

است که طولش مقدار ۹۰ میل و عرضش مقدار ۲۰ میل است و
دیکر بحیره تنتینهو است که محیطش مقدار ۲۲۰ میل است و در
نواحی این دو بحیره بحیرات بسیاری است و میانه نهر اصفر و نهر
کبیر بحیره هولسیهو است و در منشویه بحیره هنکای و بحیرهٔ هودن
است و در اطراف صحرای کوبی چند بحیرهٔ شور است و ازجمله غرائب
بلاد چین باروی مشهوری است که میانه چین اصلیّه و منغولیّه
فاصله است و انرا یکی از سلاطین انها بمقدار ۲۲۰ سال قبل از
تاریخ مسیحی بجهت حفظ این بلاد از هجوم قبائل شمالیّه بنا
کرده و اوّل ان نزدیک دریا در ۴۰٫۴ عرض شمالی و ۱۲۰۲
طول شرقی است و نزدیکی ۹۹ طول شرقی و ۴۰ عرض شمالی
منتهی میشود اما هوای این مملکت اجمالاً میتوان کفت که معتدل و
خوب است و لکن در مثل چنین مملکت وسیعی لابدّ از اختلاف
است چنانچه در جهات شمالیّه و کوههای مرتفعه برودت شدّت
دارد و در جهات جنوبیّه و وادیها و بیابانها حرارت در نواحی
نهرها و بحیرات تب بسیار عارض میشود و در نواحی کنتون درجه حرارت
در تابستان میانه ۸۰ و ۸۸ و در زمستان میانه ۵۰ و ۶۰
است و ازجمله معدنهای ان زغال سنک و طلا و نقره و زیبق
و زرنیخ و لاجورد است و ازجمله حیوانات این بلاد فیل و پلنک
و خنزیر و نوعی از کاومیش و کاو و اسبهای صغیر الجثّه و شتر
و کوسفند و بز و انواع اهو است و ازجمله اشجار ان صنوبر و سرو
و خیزران و بدیان و درخت خرما و صفصاف و انواع توت است
و اما حکم این مملکت بسلطان واحد راجع لکن نه مطلقا چه که ما

انها شرائع و قوانینی مقرّر است که غالباً جرأت نقض و انحراف از انها ندارد ولکن در عزل و نصب هر که بخواهد و تعیین ولیعهد بعد از خودش مختار است و امّا لغت چین مقدّم ترین لغات است و از وضع قدیم کمتر تغییر یافته بخلاف اکثر لغات و از بالا بپائین نوشته میشود و بجای حروف علامات و اشاراتی استعمال می کنند که بعضی از انها اصلیّه و بعضی فرعیّه است و عدد این علامات بمقدار ۲۵۰۰۰ میرسد و قصص و اشعار و تواریخ انها بسیار است ولکن تواریخ قدیمهٔ انها بندرت محلّ وثوق و اعتماد است و از جمله عادات انها انستکه موی سر شانرا میتراشند و میانه سر را میگذارند تا اینکه بلند شود پس میبافند و بعقب سر میاندازند و دیگر از عادتهای انها انستکه پای دختران خورد سال را در قالبی میگذارند که همان کوچکی باقی بماند و این بواسطه انستکه کوچکی پای را در زن مستحسن میدانند و کثرت نکاح نزد انها مباح و جایز است ولکن غالباً مردان انها زیاده از یک زن ندارند و اگر کنیزی داشته باشند بمنزلهٔ خدمتکار است برای زنان انها و دین غالب در این مملکت دیانت بودیّه است و معرفت انها در علوم کم است ولکن بواسطهٔ قلّت مخالطت و معاشرت با سایر طوائف و عدم اطلاع بانچه که در نزد غیر خود شان از طوائف و طبقات اهل عالم است بخود شان مغرور و چنان گمان میکنند که در معرفت و حکمت و مدنیّت و عقل و فهم بنهایت درجات فائز شده اند امّا شهرهای این مملکت از جملهٔ انها پاکین است که در عرض شمالی ۳۹۵۴۱۳ و طول

شرقی ۱۱۶۲۷ واقعست و قصبه این مملکت ست و محیطش مقدار ۲۵ میل و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰۰۰ نفس است و ان برای ان باروئی است که ارتفاع ان بمقدار ۳۰ قدم میرسد و امّا شهر نانکین قبل از سنه ۱۴۲۳ مسیحی قصبه اینمملکت بوده و بعد از عظمت قدیم انحطاط یافت و اهالی حالیّه ان بمقدار ۵۰۰۰۰۰ نفس میرسد و در ان کارخانه ها از برای ساختن قماشهای حریر و پنبه فراهم است و در شمالی ان شهر سوشاو است و در ان کارخانه ها از برای ساختن اقمشه حریر و پنبه و کاغذ و الات و ادوات مصنوعه از عاج و استخوان و چوب و امثال اینها مهیّا ست و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰ نفس است و دیگر در شهر نانوان است که در ۳۰۸ عرض شمالی و ۱۱۰۳۷ طول شرقی واقعست و دیگر شهر فوتشو و تایطون و هونان است که اهل چین گمان دارند که ان در وسط کرهٔ زمین واقعست امّا شهر کنتون در عرض شمالی ۲۳۷۱۰ و طول شرقی ۱۱۳۱۴۳۰ واقع است و میانه ان و مکاو مقدار ۷۰ میل است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ نفس است و باروئی بان احاطه دارد که طولش مقدار ۶ میل است و ان اعظم بندرات چین و مقرّ قونسولهای دول خارجه است امّا شهر کاشغر در عرض شمالی ۳۹۲۵ و طول شرقی ۸۵ واقع است و در زمان قدیم تابع بلاد ماوراء النهر بوده ولکن حال تابع بلاد چین است و اهلش مقدار ۸۰۰۰۰ نفس است و امّا شهر ختن در عرض شمالی ۳۷ و طول شرقی ۸۰۳۵ واقعست و ان نیز در زمان قدیم تابع ماوراء النهر بوده و حال تابع چین است و اهلش

مقدار ۴۴۵۰۰ نفس است واز جمله شهرهای بلاد تیبت
لاسّا ست وان در عرض شمالی ۲۹۳۰ وطول شرقی ۹۱۴۰
واقعست واز جمله عادات این بلاد انستکه جمیع برادرانی که در
یك خانه ساکنند در یك زن شرکت میکنند واو بالسّویه زوجه
انهاست مگر اینکه برادر بزرگتر احقّ واقدم است **فصل**
شانزدهم در جزائر اسیا واین جزائر بزرگترین جزیرهای دنیاست
واعظم انها جزائر جاپان استکه در اوقیانوس محیط میانه ۳۵
۲۶ و ۴۹ عرض شمالی واقعست وجمیع انها در تحت حکومت واحده
داخل واوّل انها از جهت جنوب جزیره کرسیو است ودر اطراف ان
چند جزیره کوچك است ومساحت جمیع انها ۲۶۵۵۲ میل
مربّع است ودیگر جزیرهٔ سیکوکو است با چند جزیره کوچك
که مساحت تمام انها مقدار ۱۶۳۶۲ میل مربّع است ودیگر
جزیره نیغون است با چند جزیره دیگر که مساحت جمیع انها مقدار
۱۱۰۷۴۶ میل مربّع است ودیگر جزیره جسّو است با چند
جزیره دیگر که مساحت جمیع انها مقدار ۶۳۴۴۶ میل
مربّع است ودیگر جزیره سغالیان استکه مساحتش مقدار
۴۶۲۲۴۶ میل مربّع است ودیگر جزائر بونین استکه جهت مساحت
جمیع انها بمقدار ۱۶۲۷ میل مربّع میرسد ومساحت مجموع
این جزائر ۲۷۰۲۱۱ میل مربّع است وبوغاز کوریا ودریای
جاپان وبوغاز سغالیان میانه این جزائر وچین فاصله است
واهالی انها مقدار ۵۰۰۰۰۰۰۰ نفس است ودر هیئت و
عادت با هل چین شباهت دارند وجمیع در تحت حکومت واحده اند

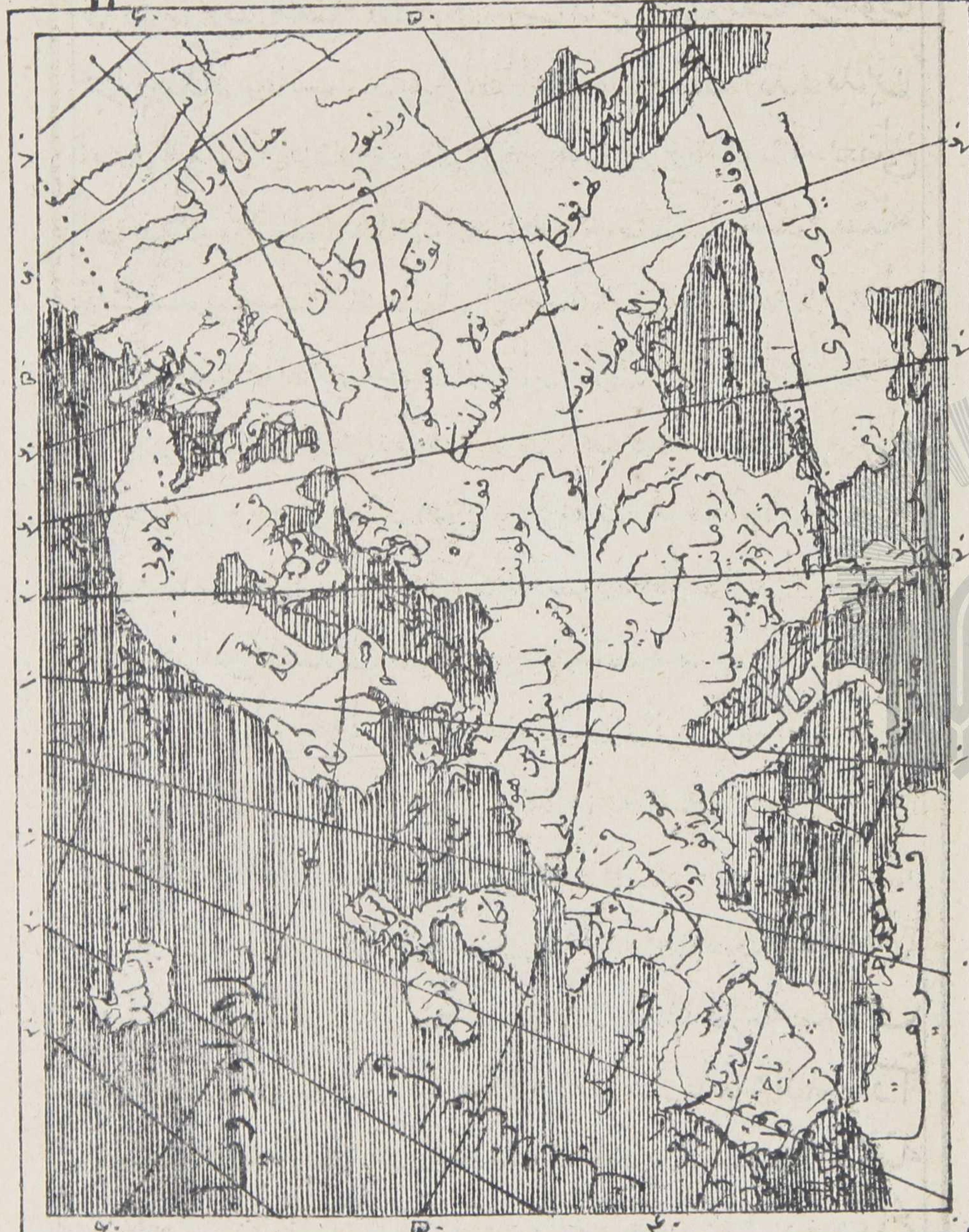
امّا هوای انها مختلفاست ودر فصل زمستان برودت ودر
موسم تابستان حرارت شدیداست ونهرهای انها بسیار است
وحاصلهای انها مثل حاصلهای چین است وان معادن طلا و
نقره ومس در انها یافت میشود واهالی انها بهرهٔ از علوم ندارند
ولکن قصص واشعار وتواریخ نزد انها یافت میشود وتجارتشان
وسیع است واز جمله عادات انها انستکه کسی که از بلادشان
بیرون میرود چون بازگشت کند ورا قبول نمیکنند وراه نمیدهند
ومیانه جزیره کرسیو وفرموسا سلسله جزائریستکه عدد انها
بمقدار ۳۶ جزیره میرسد وایندسلسله را لوشو میگویند و
اعظم انها در عرض شمالی ۲۶۱۴ وطول شرقی ۱۲۵۲۱ واقعست
وهوای انها خوب ولطیف ومواشی وحاصلهای انها بسیار است
واهالی انها در بعضی از چیزها باهل جاپان ودر بعض دیگر باهل
کوریا شباهت دارند امّا جزائر فیلیبیّه مقدار ۱۲۰۰ جزیره
است وجبال وکوههای اتش فشان انها بسیار است وزلزله در
انها بسیار حادث میشود وبادهای سخت زیاده میوزد وهوای
انها تر است واز این جهت با وجود واقعشدن انها در منطقه
حارّه تمام اوقات فصل بهار است ومیوه وغلّه انها منقطع نمی
شود واهل انها مقدار ۲۵۰۰۰۰۰ نفس است واعظم انها
جزیره منیلا استکه انرا لوزون نیز میگویند ودر طول شرقی
۱۲۰۵ وعرض شمالی ۱۴۳۶ واقعست وجمیع حاصلهای
اقالیم استوائیه در ان یافت میشود امّا جزیره بورنیو که ان را
جزیره مهراج وجزیره سریر میگویند میانه ۶ عرض شمالی و ۴۲۰

عرض جنوبی و ۱۰۹۵ و ۱۱۹۲۰ طول شرقی واقعست و مساحت
ان مقدار ۲۱۲۷۰۰ میل مربع و اهلش مقدار ۳۵۰۰۰۰۰
نفس است و دران فلفل و پنبه و قرنفل و صندل و آبنوس و
کافور و عسل و از معادن طلا و آهن و مس و الماس و انتیمون
یافت میشود و حیوانات ان مثل هندوستان و بورماست
و میانه بورنیو و گینیای جدید جزائر ملکاس است و اعظم انها
جزیره جیلبس است و انها را جزائر طیوب نیز میکویند و اهالی
انها مردمانی وحشی و تندخو هستند که عبادت اجرام فلکیه
میکردند و بعد بعضی از مذاهب هندیه در میانه انها پیدا
شد و از دویست سال قبل بعضی از انها در دین اسلام داخل
شدند و اما جزیره جاوه که انرا یافه میکویند یکی از جزائر صوند است
و در جنوب بورنیو واقع است و طول ان مقدار ۶۶۰ میل
و عرضش میانه ۵۰ و ۱۳۵ میل و مساحتش ۵۲۳۳۵
میل مربع است و تابع مملکت هولاند است و دران کوههائی
ممتد استکه ارتفاع بعضی از انها بمقدار ۱۲۰۰۰ قدم میرسد و
نهرهای کوچک بسیاری از انها سراشیب میکردد و حیوانات و
حاصلهای ان مثل جزیرهٔ بورنیو است و قصبه اش شهر بتاوی
است و اما جزیره تیمور از جزائر شرقیه صوند است و اهالی ان
مردمانی وحشی و بی تربیت و عبادت بتها میکنند و اما جزیرهٔ
سومطره میانه ۵۳ عرض جنوبی و ۵۴۰ عرض شمالی است و
طولش مقدار ۱۰۵۰ میل و عرضش میانه ۱۵۰ و ۲۰۰ میل است
و حاصل و حیوانات ان مثل بقیه اقالیم استوائیه است و اهالی

ان

ان کوتاه قامت و زرد رنگند و در جهات متوسطه قومی هستند
که کوشت انسان میخورند و دین انها بت پرستی است و شهر
بنکولن قصبه این بلاد است و ان در عرض جنوبی ۳۴۹ و
طول شرقی ۱۰۲۱۷ واقعست و هوایش کثیف و بد است و در
بحر بنکاله در شمالی سومطره جزائر نیکوبار است و در شمالی
انها جزائر اندامان است و جمیع انها خاکشان خوب و حیوانات
و نباتاتیکه در اقالیم استوائیه موجود است در انها یافت می
شود و در شمالی جزائر اندامان کوه آتش فشانی استکه ارتفاع
ان مقدار ۱۸۰۰ قدم است و اما جزیره سیلان که انرا سراندیب
نیز میکویند میانه ۵۶ و ۹۵۰ عرض شمالی و ۷۹۵۰ و
۸۱۵۵ طول شرقی واقعست و معظم طول ان مقدار ۲۷۰ میل
و عرضش میانه ۴۰ و ۱۴۰ میل و مساحتش مقدار ۲۷۰۰۰
میل مربع است و ارتفاع بلندترین کوههای ان بمقدار ۷۰۰۰ قدم
میرسد و نهرهای کوچک بسیار و دو نهر بزرک از انها سراشیب
میکردد و جمیع حاصلهای اقالیم استوائیه دران یافت میشود
و حیواناتش مثل هندوستان و بورماست و اهلش مقدار
۱۰۰۰۰۰۰ نفس است و از جمله شهرهای ان جفنا پاتام است
وان در عرض شمالی ۹۳۶ و طول شرقی ۷۹۵۰ واقعست
و دیگر شهر کلومبو است در جنوب غربی و اهلش مقدار ۵۰۰۰
نفس است و در شمالی ان جزیره کوچکی استکه محیطش مقدار
۲۰ میل است و جمیع اینها تابع دولت انکریز است و در جنوب
غربی هندوستان جزائر لکادیفا استکه بعضی از انها غیر مسکون

است واهالی انها فقیر و بی بضاعت و در ۱۹ جزیره متفرقند
وعدد انها مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است و دین انها اسلام است
واین جزائر در تحت حکم انکریز است امّا جزائر ملدیف در جنوبی
جزائر مذکوره است واهالی انها از اصول مختلفه اند و بدین
اسلام متدیّن و در خلیج فارس نیز چند جزیره است که بعضی از
انها در طیّ کلام در بلاد فارس و عربستان ذکر شد و بقیّه
قابل ذکر نیست **فصل هفدهم** در قارّه اوروپا و
ان از جهت شمال ببحر ثلج شمالی واز شرق بکوههای اورال ونهر
ولکا ونهر دون وبحر اسود وبوغاز قسطنطینیّه وبحر مرمر او
بحر جزائر روم واز جنوب ببحر روم وبوغاز کوه طارق واز غرب
باوقیانوس اتلانتیکی محدود است ومعظم طول ان از مصب نهر
کارا تا رأس فنسنت بمقدار ۳۴۹۰ میل میرسد ومعظم
عرضش از رأس شمالی تا رأس متبان مقدار ۳۴۲۰ میل است و
مساحت سطحش مقدار ۲۴۵۰۰۰۰ میل مربّع واهلش
مقدار ۳۲۰ ملیون است ومیانه قارات از حیث سعهٔ حال
اکرچه صاحب رتبه اوّلیه است ولکن ان بواسطه سعی واهتمام
اهل انست نه بجهت کثرت حاصلهایش چه که اکثر حاصلهای
معتبره ان را از قارات دیکر میاورند و دریاهای ان بسیار است
واز جملهٔ انها بحر ابیض است که سیزده نهر بزرك در ان ریخته
میشود وهر سال از شدّت برودت هوا منجمد میشود ودیکر بحر
شمالی است که انرا بحر جرمانی میکویند ومساحتش مقدار ۷۰۹
۳۵۱ میل مربّع است ودیکر بحر بلتیك است میانه اسوج



روسیا ومساحت ان مقدار ١٥١٩٠٠ میل مربع است ودیگر
بحر متوسط است وطول ان مقدار ٢٨ میل وکمتر عرضش مقدار
٨ میل است ومساحتش بمقدار ٨٩٠٠٠ میل مربع میرسد
وعرضش میانهٔ اندلس وافریقا مقدار ١٥٠ میل است ودیگر
بحر اسود است ومساحت ان با بحر ازوف بمقدار ٢٣٣٠٠٠
میل مربع میرسد واما بحیرات اوروپا بسیار است واکثر انها در
بلاد سویس وایطالیا والمانیا وروسیا واسوج است واعظم
انها بحیرهٔ لادوکاست در روسیا ومساحت ان مقدار ٤٠
٣٤ میل مربع است واما نهرهای ان بسیار است واعظم انها
در جهات شرقیه است ونهرهای کوچک بسیاری بانها منضم می
شود واما کوههای ان از جملهٔ انها کوههای ألپا است در بلاد
سویس وشمالی ایطالیا وبلندترین انها کوه بلانک است در بلاد
سویس که ارتفاعش مقدار ١٥٧٠٠ قدم است ودیگر کوههای
ابنین استکه از طرف جنوب از کوههای ألپا ممتد است ودر
بلاد ایطالیا میگذرد ودیگر کوههای کرپات استکه بلاد
اوستریا را تا شمالی نهر دونو خرق میکند ودیگر کوههای بلکان
است در بلاد عثمانیه وکوههای اورال که میانهٔ اوروپا واسیا
فاصل است وکوههای اسکندناویه که میانهٔ اسوج ونروج
فاصل است وکوه اتشفشان ان سه است اول کوه اتنا در
سیسیلیا دویم کوه بزوف در نزدیکی شهر ناپولی سیم کوه
هکله در جزیرهٔ ایسلاند اما هوای اوروپا در جهات شمالیه
سرد است چه که در منطقهٔ بارده واقعست اما در جهات متوسطه

وجنوبیه معتدل است واما حیوانات ومعادن ان در طی کلام
در ولایات مفرده ذکر خواهد شد واما اهالی ان باعتبار اصلشان
بچهار قسم منقسم اند اول شعوب جرمانیه یعنی ساکنین پروسیا
وجرمانیا وهولاند وبلجیک ودیمارک واسوج ونروج ولغات
انها فرع لغت جرمانیه است واهالی جزائر بریطانیه نیز در این قسم
داخل است دویم شعوب رومانیه ولغت انها فرع لغت لاتینیه
است واز اصل رومانی اند که بقبائل شمالیه از اهل فرانسا و
ایطالیا وغیر انها مخلوط شده اند سیم شعوب سقلبیه یعنی اکثر
ساکنین روسیا وبعضی از سکان اوستریا چهارم شعوب ترتریه
یعنی اتراک واهل شمالی روسیا ودین غالب در این قاره نصرانیت
است مگر در بلاد اتراک که دین غالب اسلام است واما یهود در
اکثر ممالک این قاره متفرقند وبعضی از قبائل شمالیه بکیش بت
پرستی باقی اند وبدانکه اینقاره بهفده مملکت تقسیم میشود اول
روسیا یعنی بلاد مسکوب دویم اسوج ونروج سیم دیمارک
چهارم جزائر بریطانیه یعنی انکلستان پنجم فرانسا ششم هولاند
هفتم بلجیک هشتم جرمانیا نهم پروسیا دهم بلاد سویس یازدهم
اوستریا دوازدهم پرتوکال سیزدهم اسبانیا چهاردهم ایطالیا
پانزدهم بلاد عثمانیه شانزدهم بلاد روم هفدهم جزائر ❊
قسم اول روسیا ست وان از جهت شمال ببحر ثلج شمالی واز
شرق بکوههای اورال ونهر ولگا ونهر دون واز جنوب ببحر اسود و
بلاد عثمانیه واوستریا واز غرب ببلاد عثمانیه واوستریا و
پروسیا وبحر بلتیک ونروج محدود ومساحتش مقدار

١٤٢٤٣٠ میل مربع و اهلش مقدار ٤٠٠٠٠٠٠٠ نفس است
و کوههای اورال و کوه قاف میانه ان و اسیا فاصله است و اما کوههای
الفینیه سلسله ایست که از کوههای اسکندناویه ممتد است و
دران بعضی از نباتات و بسیاری از معادن اهن و مس و رخام
یافت میشود و اواسط این بلاد اراضی عالیه ایست که ارتفاع
انها بمقدار ١٢٥٠ قدم میرسد و مخرج نهر ولکا و دینبر و دون
که بجهت جنوب جاری میشوند و چند نهر دیگر که بطرف شمال
جاری میگردد در انهاست و بسیاری از معدن اهن و زاج
و زغال سنگ و غیره در این جهات یافت میشود و اما کوههای
کرباثاز او استریا ممتد است و در انها معدن اهن و کبریت و
غیره یافت میشود و در این مملکت بیشه‌های وسیعی است که بسیاری
از چوبهای انها را بجهت ساختن کشتی بسایر ممالک اوروپا میبرند و
بیشتر انها در جهات شمالیه است و اما نهرهای روسیا از جمله
انها نهر دوینا است که طولش مقدار ٤٠٠ میل است و در بحر ابیض
ریخته میشود و دیگر نهر پتشوره است که طولش مقدار ٧٠٠
میل است و دیگر نهر اونیکا است که از بحیره اونیکا جاری میشود
و نهر طورینا که میانه روسیا و نروج فاصله است و در خلیج بوثنیا
که طولش مقدار ٣٠٠ میل و عرضش مقدار ١٠٠ میل است و
نهرهای بسیاری دران ریخته میشود داخل میگردد و اما خلیج
فینلاند طولش مقدار ١٤٠ میل و عرضش میانه ٢٢ و ٤٤ میل
است و نهرهای بسیاری دران ریخته میشود که از جمله انها
نهر نیفا است که از بحیره لادوکا جاری میگردد و دیگر نهر دوینا

غربی است که طولش مقدار ٤٠٠ میل است و نهر دنیبر و نهر
دنیستر که طولش مقدار ٤٨٠ میل است در بحر اسود داخل
میشود و نهر دنو میانه روسیا و بلاد عثمانیه فاصله است و
انرا نهر دینوب نیز میگویند و نهر کوبان که از جبال کوه قاف بیرون
میاید در بحر ازوف داخل میشود و اما بحر ازوف که انرا بحر اُزُف
نیز میگویند معظم طولش مقدار ١٢١٠ میل و معظم عرضش مقدار
١٢٠ میل و معظم عمقش ٤٨٠ قدم است و میانه ان و بحر اسود
شبه جزیرهٔ حادث میشود که انرا قِرِم میگویند و اما بحیرات
روسیا بسیار است و از جمله انها بحیره سامن است که طولش
١٤٠ میل و عرضش ٣٠ میل است و دیگر بحیره لادوکا است که
طولش ١٢٠ میل و عرضش مقدار ٢٥ میل است و دیگر بحیره
اونیکا است که طولش مقدار ١٥٠ میل است اما هوای این مملکت
بحسب اختلاف مواقع مختلف است چه که جانبی از ان در منطقه بارده
یعنی دائره شمالیه واقع و جزئی در منطقه معتدله و در بیابانهای
ان مرتعهای خوب از جهة مواشی قبائل تتر است و از معادن طلا و
نقره و الماس و اهن بخصوص در جانب شرقی کوههای اورال یافت می
شود اما شهرهای روسیا از جمله انها پطرزبورغ است که قصبه این
مملکت است و در کنار خلیج فینلاند واقع است و در خوبی و ظرافت
بهترین شهرهای اوروپا است و دران کتابخانه ایست که بمقدار
٣٠٠٠٠٠ مجلد کتاب مشتمل است و اهلش مقدار ٥٠٠٠٠
نفس است و دیگر مسکو است که مسافت ٤٨٧ میل در جنوب
شرقی پطرزبورغ است و در زمان قدیم قصبه این مملکت و اعظم

شهرهای اوروپا بوده واهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفس است وازطرف بر تجارتش بد نیست ودیکر شهر اودسا ست که اهالی ان بمقدار ۵۰۰۰۰ نفس میرسد وشهرهای مذکوره اعظم شهرهای این مملکت است واکثر اهل ان از طائفه روم است وجماعتی از لاتینیه وپروتستانیه ومسلمین وبت پرست ومجوس نیز در ان ساکنند واما حکم روسیا از نوع ملکی مطلق است وسلطان ان صاحب سلطنت عمومیه است وعسکر این مملکت در طرف بر ۷۰۰۰۰۰ وکشتیهای جنکیش ۴۰۰ است واما شعوبات ان از طوائف عدیده مخلوط است واز این جهت این مملکت را روسیا میکویند یعنی قبائل متفرقه واکثر انها اصلاً از صقالبه اند ولکن میان انها تتر واتراک ومغول وقلموق نیز یافت میشود واکثر اهل این مملکت بحالت خشونت ودرشتی وعادات متوحشه قدیمه باقی اند مکر اهالی بعضی از شهرهای مذکوره که در ظل تربیت وتمدنیت غنوده واسوده اند واز حیثیت طبع مردمانی قانع وسهل المعاشره ولهو ولعب وحوادثات جدیده را دوست میدارند واکابر انها بملاهی راغب ومایل وچونکه تازه از حالت بربریت وتوحش خارج شده اند لذا هنوز بدرجه سامیه ادب وتمدن وتربیت فائز نکردیده اند وعوام انها غالباً بحالت کثافت مشاهده میشوند وزنان انها بمنزله بندکان از برای مردانند چنانچه مردان بمنزله بندکان از برای اشرافند واما بلاد لبلاندیا لا بونیا در جهت شمال غربی در کنار بحر متجمد واقع است واز این جهت هوایش سرد است واهالی ان مثل بعض قبائل اسوج ونروج وشمال امریکا کوتاه

قامت وغلیظ العقل واعتماد انها در معیشت بنوعی از کاو وحشی است که انرا رنه میکویند که شیر وکوشت انرا میخورند واز پوستش کسب میکنند وبنهایت درجه نادانی وکند ذهنی اند وبعض اعتقادات مسیحیه که با اعتقادات بت پرستان مخلوط است معتقدند واملاک شمالی اسیا وطرف غربی بحر قرهین وجانب شمال غربی امریکا در تحت این ولایت است ووسعت جمیع انها مقدار ۸۰۰۰۰۰۰ میل مربع است واهالی انها مقدار ۷۰۰۰۰۰ نفس است

قسم دویم مملکت اسوج ونروج

است وان از جهت شمال با وقیانوس شمالی واز شرق بروسیا وخلیج بوثنیا وبحر بلتیک واز جنوب ببحر بلتیک وبوغاز کاتیغات واز غرب ببحر شمالی واوقیانوس اتلانتیک محدود ومساحت سطح ان مقدار ۳۰۰۰۰۰ میل مربع است واهلش بمقدار ۵۰۰۰۰۰ نفس میرسد وکوههای اسکندناوی میانه اسوج ونروج فاصله است وطول انها مقدار ۱۰۰۰ میل وارتفاع بلندترین سرهای انها بمقدار ۸۴۰۰ قدم میرسد واعظم نهرهای ان نهر دال است که طولش مقدار ۴۲۰ میل است ودیکر نهر طورینا مت که میانه اسوج وروسیا فاصله است ودر راس خلیج بوثنیا ریخته میشود ودیکر نهر عوثا ست که از بحیرهٔ وینر بیرون میاید واز جمله بحیرات ان بحیره وینر است که ذکر شد وطول ان مقدار ۱۰۰ میل وعرضش مقدار ۶۰ میل است واز جمله جزائر ان در بحر بلتیک کوتلاند وایلاند است ودر بحر اتلانتک در ناحیه شمال غربی جزیره لقدن واقعست واما هوای این ولایت سرد است

وفصل زمستان ان طولانی وتابستانش کوتاه است ودر جهت
شمالی بواسطه انکه داخل دائره شمالیّه است دو ماه ونیم در فصل
تابستان افتاب بان میتابد ودو ماه ونیم در زمستان از ان
غائب میشود که جمیع اوقات شب است واز این جهت فصل بهار
ندارد واما خاك اینولایت قابل زرع نیست مکر قلیلی از ان وبجهة
کثرت بیشه وکوه ونهر وبحیرات ولطافت وسردی هوای ان در
اکثر اوقات سیّاحان بواسطه تفرّج ورفع همّ وغم قصد انرا میکنند
ودر ان معدنهای نقره ومس واهن وقلع وکبریت وغیر اینها
یافت میشود واین مملکت بدو ولایت تقسیم میشود اسوج و
نروج اما اسوج بر ۲۴ قطعه منقسم است وثانی بر ۱۷ قطعه
ودر ان چند نُزعه است که اعظم انها نُزعه کوتا ست وطول ان
مقدار ۱۴۴ میل است واز جمله شهرهای ان ستکهلم است در
اسوج وان قصبه این مملکت است واهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس
است ومرکز تجارت تمامی این مملکت است ودیکر شهر کریستیانا
وان قصبه نروج است واهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و
نائب سلطان در ان اقامت دارد ومقرّ خود او در استکهلم است
واکثر اهل این مملکت بمذهب پروتستانیّه اند ولکن در جهت
شمالی ان کمی از بت پرستان ساکنند وانها بنهایت درجه نادانی
وجهالت اند ودر هر بلدی از بلاد این مملکت مدرسه عامّه
از برای تحصیل علوم بر پاست وسه مدرسه کلیّه وبیست
وسه مدرسه متوسّطه در تمام این مملکت بر پاست واکثر اهل
فلاحت وزراعت از خواندن ونوشتن با بهره ونصیب اند وحکم

این مملکت از نوع ملکی مقیّد است ومجلس احکام انها یکی در شهر
استکهلم ودیکری در کریستیانا است واهالی ان صاحب قوت
وشجاعت وامانت وحشمت وبشاشت اند واکثر طعام اهل
فلاحت ان شیر وپنیر وماهی است ودر بعضی از جاها بخوردن
نان وکوشت فخریّه ومباهات میکنند وببلاد خودشان بسیار
مایل وراغب اند واما ولایت نروج تابع ولایت دینمارك بوده
ودر سنه ۱۸۱۴ مسیحی بمملکت اسوج اضافه شد **قسم
سیّم** مملکت دینمارك است وان از شمال بمضیق سکاجراك
واز شرق باسوج واز جنوب بجرمانیا وبحر بلتیك واز غرب نیز بجرمانیا
محدود است وطولش از شمال بجنوب ۳۰۰ میل وعرضش
مقدار ۱۰۰ میل وسطحش ۲۲۰۰۰ میل مربّع واهلش مقدار
۲۰۰۰۰۰۰ نفس است واعظم نهرهای ان نهر ایدر است که
مخرجش در نزدیکی بحر بلتیك است ودر بحر جرمانیا ریخته میشود
وطولش مقدار ۵۴ میل است وبحیرات ان زیاده از ۴۰۰ بحیره
است وبزرکترین انها بحیره بلوین است که محیطش مقدار ۱ میل
است وچند جزیره تابع انست وبهترین انها جزائر لیست که در بحر
بلتیك واقعست واعظم انها جزیره زیلاند است که سطحش مقدار
۲۸۰۰ میل مربّع واهلش مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفس است و
دیکر جزیره فوین است در نزدیکی زیلاند که سطحش ۲۰۰۰
میل مربّع است وهوای این ولایت رطوبت دارتر از هوای بلادی
استکه در این قارّه از حیث عرض مساوی با انست وزیاده
از دو ثلث ایام سال در ان باران میبارد وتابستانش کرم است

واکثر اراضی ان ریك زار است و بسه قسم منقسم است دنمارك
اصلیه ومقاطعات سلسویك واین دو قسم داخل در معاهده
جرمانیه است وسیم جزائر فارو است در شمال اسکاتلند ودر
مملکت اصلیه سه ترعه است که اعظم انها ترعه کیال است که
میانه بحر بلتیك وبحر جرمانیا را بیکدیکر وصل میکند ودیکر ترعه
سیلنکنین است که میانه بحیره اودنیسی وبحر را بیکدیکر وصل
میکند واز امهات شهرهای این ولایت کوبنهاغن است وان
قصبه این ولایت است وبحسن منظر وکثرت ابنیه جمیله مشهور
ومعروف است ودران سه مدرسه کلیه وچند مدرسه دیکر
ویك کتابخانه است که بمقدار ۱۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و
اهلش بمقدار ۱۵۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر السنور است
واهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر الطونا است و
اهل ان بمقدار ۳۰۰۰۰ نفس میرسد واز جمله املاك خارجیه
این ولایت جزائر فارو است که بمقدار ۲۵ جزیره مشتمل است
ودیکر جزیره ایسلاند وغرینلاند در امریکای شمالی وجزائر
صلیب در هند غربی وسه قطعه از قطعات جرمانیا است و
اهالی جمیع املاك خارجیه ان مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است
واکثر اهل این بلاد بصید ماهی اشتغال دارند ودین غالب در
میانه انها مذهب پروتستانیه است وکمی از لاتینیه وغیره
نیز در میانه انها یافت میشود وحریت وازادی از برای جمیع
مذاهب حاصل است واز برای انها دو مدرسه کلیه یکی در
کوبنهاغن ودیکری در کیال است ودر قلعه کریستیانبرج که

از جمله املاك خارجیه انست زیاده از ۵۰۰۰ مدرسه
متوسطه ویك کتابخانه است که بمقدار ۳۰۰۰۰ مجلد کتاب
مشتمل است واهالی ان در تعلیم وتربیت اطفال خود بسیار
اهتمام دارند واما حکم این مملکت از نوع ملکی مطلق است واهالی
ان از اصل طوطونی اند ولغت انها بلغت سوج ونروج شباهت
دارد ومثل سایر اهل شمال استعمال مسکرات میکنند ودر
تمدن وتربیت از بقیه طوائف اوروپا پست تراند ودر سال
هشتم ونهم با اهالی سوج ونروج در نهب وغارت در دریا
متفق شدند واهل اوروپا کمال خوف وبیم از انها داشتند و
مدت مدیدی ملوك این ولایت بر بلاد انکلیس استیلا یافتند
ولکن حال سطوت انها محو ودست تعدیشان کوتاه است
قسم چهارم جزائر بریطانیه یعنی انکلستان است واین
مملکت بدو جزیره بزرك که در جهت شمال غربی اوروپا واقع
است ویکی از انها را بریطانیه کبیره ودیکری را ایرلند می
کویند مشتمل است واولی از انها بدو قسم منقسم است انکلند
واسکاتلند وچند جزیره که در نزدیکی ان واقعست مثل
جزائر شتلند وجزائر هبریدن وجزیره مان وجزیره وایت
تابع انست واین مملکت بحسب وسعت هفتمی ممالك اوروپا
واز حیثیت جمعیت چهارمی واز اعتبار تمدن وهیئت اجتماعیه
وقوه بحریه وامتداد املاك خارجیه وتجارت وصنائع و
علوم اولی انها محسوب میشود وقلعه کوه طارق وجزیره مالطه
وهفت جزیره در بحر متوسط که معروف بلبند قیه است

واملاك وسیعه دیکر در هند شرقی وافریقا وامریکا و
چند جزیره دراوقیانوس اتلانتیك واوقیانوس محیط وقاره
هالند جدید تابع انست وحکم ان از نوع ملکی مقیّد است
وحریت وازادی وانصاف وعدل وداد ان از سایر ممالك
بیشتر ومساحت دو جزیره اصلیه مقدار ۱۲۰۰۰۰
میل مربّع واهالی ان مقدار ۲۷۰۰۰۰۰۰ نفس است
واکثر انها پروتستانیه اند وحرّیت وازادی از برای جمیع
مذاهب حاصل است ودخل این مملکت از کمرك وجزیه بمقدار
۵۰۰۰۰۰۰۰ لیره انکلیسیّه میرسد ولکن دولت مقدار
۸۰۰۰۰۰۰۰۰ لیره انکلیسیّه باهالی ان مدیون است و
این بواسطه کثرت حربهائی است که میانه ان وبعضی دول دیکر
بخصوص مملکت فرانسا واقع شد ومردم در برّ وبحر بالطّوع
والرّغبة خدمت دولت را میکنند وعدد عساکران بمقدار
۱۵۰۰۰۰ نفر میرسد که غالباً در ایرلند یا در املاك
خارجیّه اند وعساکر دیکری در هند وغیره دارد وامّا
کشتیهای جنکی ان مقدار ۱۲۰۰ کشتی است وچونکه حکم
این مملکت از نوع ملکی مقید است لذا دو مجلس از برای
ترتیب احکام وقوانین ان که یکی از انها راجع باشراف واعیان
مملکت است واجزاء ان ۳۰۰ نفر است ودیکر بعامّه ناس
اجزاء ان ۷۰۰ نفر است در لندن منعقد میشود وبجهت
اجراء این قوانین در هر بلده وقطعه از این مملکت مجالس و
محافل معیّن ومقرر است امّا انکلیترا که انرا انکلند میکویند

بزرکترین اقسام انکلستان است واهلش بیشتر در امور
فلاحت وزراعت کمال اهتمام دارند وازاین جهت اراضی انها
معمور وخصیب است ودر زمستان وتابستان از اب باران
سیراب میشود واما نهرهای ان ازجمله انها نهر سا ورن است
که در نزدیکی شهر بریستل در خلیجیکه از اوقیانوس اتلانتید
ممتد است ریخته میشود ودیکر نهر مرسی است که نزد شهر
لیورپول در بحر ایرلند ریخته میشود ودیکر نهر تیمس است
ومیانه این نهرها ترعه های بسیار است که میانه انها را بیکدیکر
وصل میکند وباینواسطه سفر کردن از جائی بجای دیکر سهل
واسان است وچونکه این جزیره در کنار دریا واقع است
هوایش تر ومعتدل وبنابراین تاکه محتاج بحرارت شدیده است
در ان نمیروید ولکن حبوب ان بسیار است واسب وکوسفند
ومواشی دیکران خوب ودر ان معدن زغال سنك ومس و
سرب وقلع بسیار است واهالی ان در علوم وفنون وصنایع
باعلی درجه ان فائز شده اند ومدارس عامّه وخاصه ان بسیار
وکتب ارزان وفراوان وازاین جهت تحصیل علوم ومعارف و
فنون وصنایع بر هر کسی سهل واسان است وقصبه این
مملکت شهر لندن است وان در غنی وتجارت وجمعیّت اعظم
شهرهای عالم است وطولش ۵ میل وعرضش ۷ میل واهلش
مقدار ۲۰۰۰۰۰۰ نفس وبازارهایش بمقدار ۱۰۰۰۰ میرسد
ودر دو جانب نهر تیمس بمسافت ۳۰ میل از مصبّ ان بنا
شده ومردم از جانبی بجانب دیکران از روی پنج جسر که

سه جسر انها از سنك ودو جسر دیکر از اهن است عبور
میکنند وزیر زمین نهر دهلیز وسیعی از سنك بسته شده و
ان راه انهاست در زیراب و بناهای عظیمه این شهر بسیار است
ومشهورترین انها کنیسه سنت پولس وکنیسه وستمینستر
است و اما شهر لیورپول بحسب تجارت دویمی شهرهای انکلند است
واهلش مقدار ۲۵۰۰۰۰ نفس است وبمسافت ۲۳ میل از
ان شهر منچستر است وان شهر عظیمی است که انواع اقمشه
از پنبه دران بافته میشود ودیکر از شهرهای ان برمینکام و
شفیلد است ودر انها انواع الات اهن ساخته میشود ودیکر
لیدس واکزیتر است که قماشهای پشمینه در انها بافته میشود
ودیکر کدرمنستر است که فرش دران بافته میشود ودر
انکلند چند بحیرهٔ کوچك در جهت شمال است که در فصل
تابستان بجهت تفرّج وتماشا قصد انها میکنند امّا جهات
غربیّه انکلند در زمان قدیم مملکت مستقلی بوده وزمانیکه
رومانیّین در عصر یولیوس قیصر که ۵۵ سال قبل از حضرت
عیسی ع بود انرا فتح کردند اهلش بنهایت توحّش وبربریّت بودند
واز شیر مواشی وکوشت انها معیشت میکذرانیدند وحکومت
رومانیّین مدّت ۴۷۵ سال طول کشید وپس از ان طائفه
سکسنیّه در انکلند امدند وباهالی اصلیّه ان غلبه کردند
وبا انها امیزش نمودند واین بلاد در انوقت بهفت مملکت
مستقله منقسم بود تا اینکه در سنه ۸۲۷ ملك اغبرت
انرا یك مملکت ساخت واما اسکوتستیا یعنی اسکاتلند در جهت

شمالی

شمالی انکلند واقعست واهلش از ان کمتر وهوایش سردتر
وکوههایش بیشتر وبواسطهٔ کوههای اغرمبیان بدو قسم
تقسیم میشود اعلی واسفل امّا قسم اعلی در جهت شمال
غربی است وان کوههای بلند سردی است که سوای تربیت
بعضی از مواشی قابل چیز دیکر نیست ودران چند بحیره است
که از جمله انها بحیرهٔ لنس ولومند است که طولش مقدار ۳۰
میل است واهل سیاحت از هر ولایت بجهت تفرّج در فصل
تابستان قصد ان میکنند واما قسم اسفل در جهت جنوبی واقع
است ودر خوبی معادل انکلند است وزمین ان قابل زرع
وبرای مرتع مواشی خوب است واهالی ان بلاد خودشان
بسیار مایل وراغب وانها را بسایر بلاد مسکونه تفضیل می
دهند وبعلوم وشیوع معارف در بلادشان بسیار اهتمام دارند
اما اهل کوهها وسکان جزائر ارکاده وهبریدن وشتلند
غالبا مردمانی فقیر وبی بضاعت اند ودر اسکاتلند معدن
زغال سنك وقلع بسیار است وکارخانهای عظیمه از برای
ساختن اقمشه از پنبه وپشم وکتان والات اهن فراهم است
ودران سه مدرسه جامعه وچند مدرسه عامّه برپاست
ومدرسه ایدنبرك مشهورترین مدارس انکلستان است
در علم طبّ واما نهرهای اسکاتلند از جمله انها نهر فورث
است که در نزدیکی شهر ایدنبرك در خلیجیکه از بحر ممتدّ
است ریخته میشود ودیکر نهر کلاید ونهر توید است
که میانه ان وانکلند فاصله است واز جمله ترعه‌های ان

ترعه کلاسکو است که میانه نهر کلاید و نهر فورث را بیکدیگر
وصل میکند و دیگر ترعه کالیدونیا است که میان خلیج موری
و اوقیانوس اتلانتیک را جمع میکند و از امّهات شهرهای
اسکاتلند ایدنبرک و ابردین و دندی و کلاسکو است و
شهرهای مذکوره از حیثیّت تجارت و جمعیت اعظم شهرهای انت
واسکاتلند در زمان قدیم مملکت مستقلی بود تا اینکه در سنه
۱۶۰۳ مسیحیّه که آلیزابث ملکه انکلند وفات یافت بواسطه
انکه نسلی از او باقی نمانده بود سلطنت بیعقوب ملک که از
اقارب او بود راجع شد و از انوقت بمملکت انکلند منضم کردید
و این دو مملکت مملکت واحده و در تحت یک حکومت داخل
شد و اهالی ان مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ نفر است و بدیانت
عیسویّه بمذهب پروتستانیه متدین اند و امّا ایرلند جزیره
خوبی است و مساحتش مقدار ۳۰۴۰۰ میل مربّع است و
بخلیج سنت جارج و بحر ایرلند از انکلند و اسکاتلند منفصل
است و بچهار قطعه تقسیم میشود اوّل ولستر در جهت شمال و
اعظم شهرهای ان بلفاست است دوّم لینستر در جهت شرق و
اعظم شهرهای ان دبلین است سیّم منستر در جهت جنوب و
اعظم شهرهای ان کارک است چهارم کانت در جهت غرب و اعظم
شهرهای ان کالوه است و خاک این جزیره خوب و قابل کشت
و زرع و هوایش معتدل و تر است و حبوب و کتان که انواع
عدیده از اقمشه از ان میسازند در انجا بسیار است و اعظم
نهرهای ان نهر شنن است که طولش مقدار ۱۷۰ میل است

وبعد از کذشتن ان از چند بحیره در اوقیانوس اتلانتیک بحیره
میشود و اعظم بحیرات ان بحیره نیاغ است در جهت شمال شرقی
وطول ان مقدار ۱۵ میل و عرضش ۷ میل است و دیکر بحیره
ارن است و ان دو بحیره است که متصّل بترعه ایست و از جمله
ترعه‌های ان ترعه ملکیه است که میانه بحر ایرلند و اوقیانوس
اتلانتیک را بیکدیکر وصل میکند و این بحیرات بصفای اب و
حسن منظر مشهور و معروفند و از این جهت اهل سیاحت
در فصل تابستان محض تفرّج و تماشا و عیش قصد انها می
کنند و در ایرلند یک مدرسه جامعه است که در علم طبّ
مشهور است و ان مدرسه دبلین است و مدرسه دیکری
در مینوت از برای کاتولیکها است و سه مدرسه عمومیّه یکی
در بلفاست و دیکری در کالوه و سیّم در کارک است و بواسطه
انکه اکثر اراضی ان ملک اکابر و اشراف این بلاد است و بیشتر
اهالی شرکاء انها هستند از این جهت اکثر انها فقیر و بی بضاعت
و از علوم و فنون و صنایع بی بهره اند و اکثر اهل ایرلند از طائفه
کاتولیکیّه اند و مقدار ربع انها پروتستانیه است و انها
غالبًا در جهت شمالیّه ساکنند و اما شهر دبلین و کارک و
بلفاست اعظم شهرهای انست و ان در زمان قدیم مستقل بود
و در سنه ۱۱۷۲ عیسویّه انکلیس بان استیلا یافت
قسم پنجم مملکت فرانسه است و ان از جهت شمال ببلجیک
و خلیج انکریزی و از شرق بپروسیا و بوریا و بادن و بلاد
سویس و سردینیا و از جنوب بحر متوسّط و اسپانیا و از غرب

بخلیج بسکی محدود و مسافت سطح ان ۲۵۰۰ میل مربع و
اهلش مقدار ۳۳۰۰۰۰۰۰ نفس است و از جمله کوههای
ان سلسله کوههای سرفان است که از طرف شرقی این مملکت بجنوب
غربی ممتد است تا اینکه بطرف شرقی کوههائیکه میانه فرانسا و
اسپانیا فاصله است متصل میشود و شعبه های جنوبیه را
کانتال مینا مندو بلند ترین کوههای فرانسا کوه اوراست که
ارتفاع ان بمقدار ۴۲۳۰ قدم میرسد و در نزدیکی بلاد سویس
کوههای جورا و کوههای الپا است که میانه فرانسا و بلاد سویس
و ایطالیا واقعست و اما نهرهای این مملکت بسیار است و از جمله
انها نهر سین است که طولش مقدار ۴۵۰ میل است و از وسط
پاریس میگذرد و دیگر نهر لایر است که اعظم نهرهای فرانسا است و
طول ان مقدار ۶۰۰ میل است و از کوههای سرفان بیرون میاید
و در خلیج بسکی ریخته میشود و دیگر نهر کرن است که طولش
۴۰۰ میل است و در بحر بسکی ریخته میشود و دیگر نهر رون
است که طولش ۵۴۰ میل و مخرجش در کوههای الپا و عمیق و
سریع الجریان است و در بحر متوسط ریخته میشود و اما خلیجهای
ان از جمله انها خلیج انکریزی است که گذشتن کشتی از ان محل خطر
است و در جهت غرب خلیج دیگری است که انرا خلیج بسکی می
کویند و دیگر خلیج لایون است و ان جزئی از بحر متوسط است
و اما ترعه های این مملکت بمقدار ۸۴ ترعه میرسد و طول جمیع انها
۲۳۵۰ میل است و اکثر نهرها را بیکدیگر وصل میکنند و
بواسطه ان انتقال از جائی بجای دیگر سهل و اسان است و اما

جزائران از جمله انها جزائر الیریان و ری و نایر موتیر و بلی و اوشانت و
است در خلیج بسکی و جزائر هایرس در جهت جنوبی و جزیرهٔ
کارسیکا در بحر متوسط که طولش مقدار ۱۱۰ میل و عرضش
۵۰ میل است و در انها سلسله کوههائیست که ارتفاع رؤس
انها بمقدار ۹۰۶۰ قدم میرسد و از جمله شهرهای انها باستیا است
که اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر اجاشیا است که
مولد ناپلیون است و معدن ان بسیار است و اهلش مقدار
۱۰۰۰۰ نفس است اما زمین این مملکت خصیب و خوب و بهترین
ان اراضی شمالیه است که قابل تربیت حبوبات است و وادی
لیمان اخصب اراضی دنیا است و در جهت جنوب غربی بیابانها
است که ابداً نباتات در انها نمیروید و اما هوای فرانسا خوب
و لطیف و نواحی شمالیه ان بسیار سرد است بقسمیکه نهر
سین که قریب بپاریس است منجمد میشود و در اماکن متوسطه
ان هوا معتدل و پاکیزه و مقوی بدن است و در ماه تموز
شروع بدرویدن زراعتهای ان میشود و اما نواحی جنوبیه هوایش
کرم است و مع ذلک بد نیست و اما اشجار و نباتات ان از
جمله انها انجیر و امرود و شفتالو و صنوبر و صفصاف و بلوط و
زیتون و لیمو و توت سفید و سیاه و زردالو و بادام و کردو و انار
و خربزه و انار و انواع حبوب و بقول است و مشهور ترین شرابهای
ان شراب شمپین و برغندی است که انرا برندی میکویند و
از جمله معادن ان نقره و قلع و توتیا و انواع رخام و زغال سنگ
است و از بهائم اسب و استر و خر و کاو و کوسفند و روباه و کرک

وکربه برّی وسک ابی وغیر اینها از حیوانات دران یافت میشود وازامّهات شهرهای این مملکت پاریس است که قصبه ان ودر جمعیّت دوّیمی شهرهای اوروپاست ودر دو جانب نهر سین واقعست ومحیطش ۲۰ میل واهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ نفر است وازجمله قصرهای ان قصر عظیمی است که انرا لوفر میکویند ودران تصویرهای خوب کران بها وچیزهای تازه که قابل دیدن استکه از زمان قدیم تاحال از اقطار عالم جمع کرده اند موجود است وکنائس ومدارس ودیرهای ان بسیار است وازجمله مدرسهای ان مدرسه کلیّه ایست که تلامیذان بمقدار ۱۰۰۰۰ نفر میرسد وازجمله کتابخانه های ان کتابخانه ایستکه بمقدار ۵۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است واین شهر بکثرت مطبعه وسهولت اکتساب علوم وفنون معروف ومشهور است واکثر مدارس ان برای استفاده جمهور ناس مفتوح ومانعی از دخول نه ودیکر از شهرهای ان لایلن است که دوّیمی شهرهای فرانسا شمرده میشود وکارخانهای ان بسیار ودر ساختن اقمشه حریر مشهور وتجارتش وسیع واهلش مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است ودیکر شهر مارسلس است وان قدیم ترین شهرهای فرانساست واهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفر است ودیکر شهر طولان است درجهت جنوبی واهل ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است ودیکر شهر باردو است درجهت غربی وتجارت ان وسیع واهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر است ودیکر شهر روان استکه بمسافت ۷۰ میل از مصبّ نهر سین واقع است و

کارخانهایش متعدد واهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر است واما اهل این مملکت اکثر بفلاحت وزراعت اعتنا دارند ودر اینعمل بنهایت درجه ان رسیده اند واکثر انها صاحب ملکند وبالطبع مایل بتجارت نیستند ولکن در مدت کمی دران تقدّم یافتند بقسمیکه در امور تجارتیّه مشهورترین اهل اوروپا شدند وکارخانه های انها بسیار است وارباب انها در انواع صنایع دقیقه کمال مهارت دارند ولکن در اکثر مصنوعات رعایت ملاحظه ظرافت را بیشتر از منفعت ومتانت میکنند واما املاک خارجیّه ان ازجمله انها بوندی شاری وتاریکال بانان وماهای است در اسیا وجزیره بربون دراوقیانوس هنکی وجزیره مریم در نزدیکی جزیره مدکاسکر وجزائر غربیّه افریقا ومنزله سینغال درکنار بحر غربی وجزیره پطرس و میکیلون ومارتیکا وغوادیلوب وجزئی از جزیره مارتین وجزیره غیانا واما عسکر این مملکت مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفر است ولکن در وقت جنک سوای عسکر ردیف بمقدار ۵۰۰۰۰۰ نفر میرسد وکشتیهای جنکی ان مقدار ۴۰۰ است وحال در ساختن کشتیهای تجارتی سعی واهتمام دارند وعسکران بطریق قرعه کرفته میشود وتا مدت پنج سال باید که خدمت کند ویا انکه دیکری را عوض خود بدهد که بجای او خدمت کند واهل این مملکت صاحب نخوت وشجاعت وانصاف ومروّت وتمدّن وتربیت وبلهو ولعب وغنا ورقص مایل وراغب ودر جمع علوم وفنون سعی واهتمام دارند چنانچه مدارس پاریس و

فصل هفدهم

کتابخانه های ان در همه جا مشهور و معروف است و در
این مملکت برجها و قصرها و قلعه ها و بناهای خوب یافت
میشود که در دنیا شبیه و مثل انها نیست و اهالی ان بر
سفر میل و رغبت ندارند و حکمران جمهوری است و اکثر
اهالی ان از طائفه لاتینیه است ولکن مابین انها بسیاری
از پروتستانیه نیز یافت میشود و حریت و ازادی از برای
جمیع مذاهب حاصل است قسم ششم و هفتم
بلجیم و هالند است اما مملکت بلجیم که انرا بلجیک میکویند
از جهت جنوب بفرانسا و از غرب نیز بفرانسا و بحر شمالی
و از شمال بهالند و از شرق بجرمانیا محدود و مساحت سطح ان
۱۱۵۰۰ میل مربع و اهلش مقدار ۴۰۰۰۰۰۰ نفس
است و اکثر اراضی ان خوب و خصیب و هوایش معتدل
و خشک و مقوی بدن است و از طرف فرانسا نهر شلت
داخل ان میشود و از شهر کنت و انتورین میکذرد و در بحر
شمالی ریخته میشود و همچنین نهر میوسی یا ماس که از ان ببلاد
هالند میکذرد و در بحر شمالی ریخته میشود و ترعه های
ان بسیار است و از این جهت اکثر نهرهای ان بیکدیکر وصل
است و سفر کردن از شهری بشهر دیکر بکمال اسانی ممکن و
میسر است و از امهات شهرهای ان برسل است که در دو جانب
نهر سنکه در نهر شلت ریخته میشود واقع است و ان
شهر نیست خوش منظر و بساختن فرش و انواع اقمشه ثمینه
مشهور و معروف است و در ان کتابخانه ایست که بمقدار

در مملکت بلجیک

۱۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و دو مجلس از جهت ترتیب
قوانین و شرائع و احکام و قواعد مملکت در ان مقرر است و اهلش
مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است و مقر سلطان مملکت در انجاست
و دیکر شهر انتورین است که در دو جانب نهر شلت بنا شده
و ان شهری است خوش منظر و بناهایش خوب و اهلش مقدار
۸۰۰۰۰ نفس است و از جمله بناهای ان کنیسه ایست که
بشکل خاصی بنا شده که معروف ببناء غوتی است و دیکر
مناره ایست که ارتفاع ان بمقدار ۴۴۱ قدم میرسد
و اهالی ان در امور فلاحت و زراعت باعلی درجه ان فائز
شده اند و بیشتر زراعت انها حبوبات است و در صنائع و
امور تجارت ید طولی دارند و چیزهای خوب و پاکیزه میسازند
و بواسطه حریت و ازادی ایشان در تجارت انها را بقیمتی ارزانتر
از اهل دیکران میفروشند میدهند و اکثر انها از طائفه
لاتینیه اند و مابقی پروتستانیه است و مدرسه کلیه
دارند و تحصیل علوم و معارف از برای خاص و عام سهل و ارزان
است و جنکهای بسیار در ان واقع شده و حکمران از نوع
ملکی مقید است و دو مجلس از برای ترتیب احکام و قوانین
در شهر برسل مقرر است که اجزای انها از میان قبائل و طوائف
انتخاب میشود و اجزای مجلس اول هشت سال و اجزای مجلس
دویم چهار سال بوظیفه خود قیام میکنند و اصل اهالی
این مملکت از قبائل متفرقه است ولکن بیشتر با اهل فرانسا
و فلمنک شباهت دارند و بعضی از انها بلغت فرانساوی

بعضی بلغت فلمنکی تکلم میکنند و اما مملکت هالند که معروف بفلمنک است و نِدِرلند نیز انرا میکویند از جهت شمال و غرب ببحر جرمانیا و از شرق بمملکت جرمانیا و از جنوب بمملکت بلژیک محدود و مساحت سطح ان ١٣٠٠٠ میل مربّع و اهلش مقدار ٣٠٠٠٠٠٠ نفس است و از جهت شرق نهر راین داخل ان می شود و از ان میکذرد و در بحر شمالی ریخته میشود و نهر میوس و نهر شلت از بلجیک داخل ان میشود و از ان میکذرد و در بحر شمالی ریخته میشود و از بحر جرمانیا خلیج زویدرز داخل ان میشود و طولش مقدار ۴٠ میل است و از جمله بحیرات ان بحیرهٔ هارلیم است که طولش مقدار ١۴ میل است و اعظم جزائر ان جزیره بیولند و والکرن است و اما هوای ان تر و اکثر اراضیش ریک زار و مرتعها بیشتر جونی بواسطه انکه قسمی از ان مساوی سطح دریاست اهل ان ناچارند که در کنار دریا و نهرهائیکه در جنب بلاد انها واقعست سدهای عظیم بنا کنند که در وقت مدّ دریا انهارا از ضرر اب نکاهداری کند و مع ذلک کرارًا و مرارًا بلاد ایشانرا فرو کرفته و از امّهات شهرهای این مملکت هک است که قصبه ان است و در ان چند قصر و مجلس از برای ترتیب احکام و قوانین این مملکت مقرر و معین است و اهلش بمقدار ۴٠٠٠٠ نفس میرسد و دیکر شهر امستردم است که در زمان قدیم از حیثیت تجارت و قوّه بحریّه اعظم شهرهای عالم بوده و حال در ان کتابخانه ها و مدارس و مجالس و محافل عدیده از برای صنائع غریبه مهیّا و موجود است و اهلش

مقدار

مقدار ٢٠٠٠٠ نفس است و دیکر شهر لیدن است که مدرسه کلیّه و علماء ان مشهور است و اهلش مقدار ٣٠٠٠٠ نفس است و اهل این مملکت بواسطه هیجان دریا باراضی انها و کثافت و رطوبت هوا و بدی اب در امور فلاحت و زراعت عسرت و مشقت بسیار دارند و مع ذلک بلاد انها خصیب و نباتات بسیار و مرتع مواشی انها خوب است و تجارت ان در ایام قدیمه وسیع بوده و لکن حال کم است و کارخانه های بسیار از برای ساختن اقمشه صوف و کتان و حریر و پنبه در ان مهیّا و فراهم است و از جمله املاک خارجیّه ان جزائر کوراسائو و پوسینیا نیاست و جزئی از سورینام در کیانا که در امریکاست و چند قلعه و کارخانه در افریقا و جزائر یافا و سومطره و بورنیو و جیلبس و تیمور و غیر اینها از جزائر یکه در اوقیانوس محیط واقع است و اهالی جمیع املاک خارجیّه ان مقدار ١٠٠٠٠٠٠٠ نفس است و اکثر اهل این مملکت پروتستانیه و ما بقی لاتینیه و یهود است و چند مدرسه کلیّه در لیدن و غرونینجین و اترلیشت دارند و بتحصیل علوم و فنون و معارف راغب و مائل و بواسطه کثرت مدارس اکتساب تعلم از برای انها بکمال سهولت و اسانی ممکن و میسّر و مانعی نه و حکمران از نوع ملکی مقید است و دو مجلس از برای ترتیب قوانین و احکام مقرر و معین است که اجزاء یکی از انها را سلطان بنفسه اختیار میکند و اجزای دیکر را سایر ناس انتخاب میکنند و اینها احکام و شرائع مملکت را بموافقت سلطان ترتیب می

دهند و اصل اهالی ان از جنس اهل جرمانیا ست و مردمانی نظیف و ظریف و بعمل خیر و احسان و بناء مدارس راغب و مائل و راههای انها خوب و قریه هایشان نیکو و بازارهای انها وسیع و پاکیزه است **قسم هشتم** جرمانیا ست که انرا المانیا نیز میکویند و ان از جهت شمال ببحر جرمانی و تخوم دنمارک و بحر بلتیک و از شرق بپروسیا و اوستریا و از جنوب باوستریا و بلاد سویس و از غرب بفرانسا و بلجیک و هالند محدود و مساحت سطح ان ۲۴۵۰۰۰ میل مربع و اهلش مقدار ۳۷۰۰۰۰۰۰ نفر است و در ان سلسله کوههائی است که از جمله انها شعبه از کوههای الپا و شعبه از کوههای کرباث است و نهرهای ان بمقدار ۵۰۰ میرسد و مخرج نهر الطونا و ویسر و البه در ان است امّا هوای ان مختلف است و خاکش خصیب و خوب در ناحیه جنوبیّه اشجاریکه در اقالیم جنوبیّه نمو میکند در ان یافت میشود و نصف اهالی ان پروتستانیه و نصف دیگر لاتینیه و از یهود اکثر از ۳۰۰۰۰۰ نفر در ان ساکن و حرّیت و ازادی از برای جمیع مذاهب حاصل است و حکمران از نوع جمهوری است و هر طائفه وکیلی از جانب خود بدیوان عمومی که در شهر فرنکفارت منعقد میشود میفرستند و عساکران بمقدار ۳۰۰۰۰۰ نفر میرسد و اهالی ان صاحب همّت و حرص و امانت و ثبات در اعمال و در ابداع و اختراع موهبتی الهیّه دارند چنانچه ساختن بارود و صنعت چاپ و عمل ساعت را استنباط

کردند و علمای انها در تالیف و تصنیف کتب صاحب غیرت و همّت اند و ۲۰ مدرسه کلیه و ۱۵۰ کتابخانه که بمقدار ۵۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است از برای تحصیل علوم و فنون و معارف در ان موجود و فراهم و از علماء صاحب تالیف مقدار ۱۰۰۰۰ عالم در ان است که هر سال قریب ۵۰۰۰ کتاب تالیف میکنند و بواسطه کثرت وسائل اکتساب علوم از برای انها سهل و اسان است و از جمله شهرهای ان فرنکفورت و لیبسک و درسدن و مونیخ و اوغسبرج و استراسبرج و غیر اینهاست **قسم نهم** مملکت پروسیا ست و ان از جهت شمال ببحر بلتیک و از شرق بروسیا و از جنوب باوستریا و جرمانیا و از غرب نیز بجرمانیا محدود و مساحت سطحش مقدار ۱۰۶۰۰ میل مربع و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰۰ نفر است و از جمله نهرهای ان نهر اودر است که طولش مقدار ۵۶۰ میل است و در بحر بلتیک ریخته میشود و دیگر نهر الباست که طولش ۵۸۰ میل است و در بحر شمالی ریخته میشود و دیگر نهر فیستولا ست که طولش ۶۵۰ میل است و در بحر بلتیک ریخته میشود و از جمیع این نهرها کشتی بسهولت و اسانی عبور میکند و امّا بحیرات ان کوچک و قابل ذکر نیست و جزیرهٔ روجین در بحر بلتیک تابع انست و سطح ان ۳۷۰ میل مربع و اهلش مقدار ۲۵۰۰۰ نفر است و در حول ان چند جزیره کوچک واقع است امّا هوای این مملکت معتدل و در نواحی جنوبیّه موافق صحّت امزجه و در نزدیکی بحر بلتیک سرد و تر است و

از جمله معادن ان نقره و مس و اهن و قلع و نمک و کهربا است
و از امّهات شهرهای ان برلین است و ان شهری است خوش منظر
و بازارهایش وسیع و مستقیم و بناهایش عالی و فاخر و در ان
یک مدرسه کلیّه و چند مدرسه دیکر از برای تحصیل علوم و
فنون و معارف مهیا و موجود است و اهلش بمقدار ۰۰
۲۵۰۰ نفس میرسد و دیکر شهر بوتسدام است که صاحب بناهای
عظیم است و اهلش بمقدار ۴۰۰۰۰ نفس میرسد و دیکر
شهر کولون است و اهل ان مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است و
دیکر شهر کونغسبرج است در عرض شمالی ۵۴ ۴۲ و
طول شرقی ۲۰ ۴۸ و میانه ان و دریا مسافت ۲۴ میل است
و باروئی بان احاطه دارد که طولش مقدار ۱۷ میل است و اهل
ان بمقدار ۶۴۰۰۰ نفس میرسد و دیکر شهر دانتزیک
است که در طول شرقی ۱۸ ۳۱ و عرض شمالی ۵۴ ۲۱
واقع است و اما اهل این مملکت از امور فلاحت و زراعت
چنانچه باید و شاید اگاهی ندارند و در تربیت مواشی بسیار
اعتنا و اهتمام مینمایند و در ان قماشهای صوف و کتان و پنبه
ساخته میشود و چاپخانه های ان بسیار و تجارتش در مواشی
و حبوب است و اکثر تجارت بحری ان در دست غربا ست و
بیشتر اهالی ان پروتستانیه است و طائفه از لاتینیه و
یهود نیز در ان ساکن است و حریّت و ازادی از برای جمیع
مذاهب حاصل است و در ان شش مدرسه کلیه که بهترین
مدارس اوروپا است و چند مدرسه متوسّطه و ۲۲۰۰۰

مدرسه عمومیّه از برای تحصیل علوم و معارف مهیّا و فراهم
است و بحسب معرفت عمومیّه بهترین ممالک اوروپا است و
اهالی ان در تعلیم و تربیت اطفال خود کمال سعی و اهتمام دارند
و اما حکمران از نوع ملکی مطلق است و عساکران بمقدار
۳۰۰۰۰۰ نفر میرسد و هر یک از اهالی ان که بسنّ هفده
سالکی رسیده باشد سه سال باید که در میانه عسکر تعلیم
بکیرد و خدمت کند و تا سنّ سی سالکی عسکر ردیف اند و در
هر هفته یکمرتبه از برای تعلیم و مشق حاضر میشوند و در هر
سال سه هفته خیمه هایشان را از برای تعلیم و مشق نصب
میکنند پس فی الحقیقه عساکران بعدد اهالی ان است و انها
بهترین عساکر اوروپا هستند چنانچه از جنکهائیکه میانه
انها و مملکت اوستریا و فرانسا واقع شد مشهود و معلوم
میشود و اول کسیکه سبب شهرت و اعتبار این مملکت کردید
فریدریک اوّل بود و فریدریک ثانی بعضی از اراضی بان اضافه
کرد و لکن تا سنه ۱۸۱۵ از ممالک معظمه شمرده نمیشد و
از جمله توابع ان بعضی از مقاطعات جرمانیا است **قسم دهم**
بلاد سویس است و این ولایت کوچک و از جهت شمال بجرمانیا
و از شرق با اوستریا و از جنوب بسردینیا و اوستریا و از غرب
بفرانسا محدود و مساحت سطحش ۱۷۵۰۰ میل مربع و
اهلش مقدار ۲۲۰۰۰۰۰ نفس است و کوههای آلپا که
مرتفع ترین کوههای اوروپا است در ان ممتد است و ارتفاع
اعلای انها بمقدار ۱۵۷۰۰ قدم میرسد و هیچ وقت خالی

از برف نیست وچند نهر از انها بیرون میاید که اعظم انها نهر
راین است که از شمال در جرمانیا جاری میشود ودیگر نهر
رون است که ازجهت جنوب در فرانسا جاری میشود و
دیگر نهر بو است که میانه ایطالیا واوستریا جاری میکردد
ودر خلیج بندقی ریخته میشود واعظم بحیرات ان بحیره جنیفه
است که طولش مقدار ۴۰ میل وعمقش ۱۰۰۰ قدم وابش
زلال وصافی است ودیگر نهر قنستانس است که طولش ۴۵
میل وعرضش ۱۵ میل است واما هوای این مملکت بواسطه
ارتفاع ان خوب وموافق صحت امزجه است ودر کوههای
ألپا سرد ودر بیابانها معتدل ودر مقاطعه طیسین کرم
ودر وادیها بحسب بلندی وپستی انها مختلف است وبالا
رفتن از کوههای ان بواسطه زیادتی برف وپستیهای خطرناک
انها بسیار صعب ومشکل است وکاهی از اوقات تیکه‌های
بزرک برف بطرف وادیها سرازیر میشود وقریه‌هائیکه در
میانه راه واقعست خراب میکند ودران انواع وحوش ونوعی
از کرکس که کودکان خورد سال را بچنکال کرفته پرواز میکند
یافت میشود واین مملکت به بیست ودو قطعه تقسیم میشود
واز امهات شهرهای ان زوریک وبرن ولوسرن وجنیفه
است که صاحب بناهای عالی وفاخر واهلش برغبت در تحصیل
علوم ومعارف مشهور ومعروفند وارباب فلاحت وزراعت
انها کمال خبرت در اینعمل دارند ودران قماشهای حریر وپنبه
وکتان والات اهن ساخته میشود وبواسطه انکه کمرک از انها

مرفوع است تجارت انها بسیار خوب وربح وسود انها بیشتر است
ونصف اهالی ان پروتستانیه ونصف دیکر کاتولیکیه است و
اما حکم ان از نوع جمهوری است **قسم یازدهم مملکت**
اوستریاست وان ازجهت شمال به باواریا وساکسونیا و
پروسیا وروسیا واز شرق نیز بروسیا وملداویا واز
جنوب بولاخیا وسربیا وبلاد ترک وبحر ادریا ونهر بو واز غرب
بسردینیا وبلاد سویس وباواریا محدود ومساحت سطحش
۲۵۸۰۰ میل مربع واهلش ۳۴۵۰۰۰۰ نفس است
وکوههای کرباث وألپا از شرق بغرب دران ممتد است ودیکر
کوه اورتلو که ارتفاعش بمقدار ۱۲۸۵۰ قدم میرسد وکوه
دیکری که ارتفاعش ۱۲۷۷۵ قدم است وکوه البینا که
ارتفاعش ۱۱۵۰۰ قدم است دران ممتد است واعظم
نهرهای ان نهر دنو است که انرا دانیوب میکویند ودیکر نهر
ألطونا است که در بحر اسود ریخته میشود ودیکر نهر ألبا است
که در بحر شمالی ریخته میشود واعظم بحیرات ان بحیره بلاتون
است که طولش ۴۵ میل وعرضش ۱۰ میل است ودیکر
بحیره نیوسیدال است که طولش ۲۰ میل وعرضش ۴ میل
است اما هوای این مملکت مختلف است چنانچه در جهات
شرقیه معتدل ودر ناحیه غربیه سرد ودر بقاع نهر ألطونا
کرم است واما خاک ان خوب وبعضی از ان قابل زرع وبعضی
مرتع مواشی است واز معادن طلا ونقره ومس واهن وقلع و
زغال سنک ونمک دران یافت میشود واز چشمه‌های معدنی

مقدار ۴۰۰ چشمه دران یافت میشود و اعظم ترعه های ان ترعه فرنسیس است که طولش ۴۰ میل است و دیگر ترعه فینا ونیوسطادت است که طولش مقدار ۴۰ میل است و از امهات شهرهای ان فینا است در دو جانب نهر الطونا و دران بیست دیر و ۵۰ کنیسه است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر نیوسطادت است و اهل ان مقدار ۸۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر تریسته است که در کنار بحر ادریا واقع است و بندر تجارتی این مملکت است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و بواسطه انکه این مملکت از دریاهای بزرگ دور است تجارت بحریه اش چندان وسیع نیست ولکن تجارت بریه ان خوب است و اهلش در صنائع حذاقتی ندارند و فلاحت و زراعت ان بواسطه قلت خبرت اهلش باین عمل کم است و دران اقمشه صوف و کتان و کاغذ و الات اهن و ابگینه و ظروف ساخته میشود و دین غالب دران دیانت لاتینیه است ولکن بسیاری از رومیه و پروتستانیه نیز در انجا ساکن و بیشتر از ۸۰۰ دیر و ۴ مدرسه کلیه و چند مدرسه متوسطه از برای تحصیل علوم و معارف مهیا و موجود است و حکمران از نوع ملکی مطلق است و اهلش از قبائل عدیده مخلوط و ممزوج و بلغات مختلفه متکلم و باعمال متنوعه مشغول و این مملکت تا سال ۱۲ از جمله ممالک شمرده نمیشد و پس از ان شروع بترقی کرد و قوت یافت تا اینکه حال از ممالک عظیمه محسوب و معدود است **قسم دوازدهم و سیزدهم** مملکت

اسپانیا

اسپانیا و پرتوکال است اما اسپانیا از جهت شمال ببحر بسکی و از شرق ببحر متوسط و از جنوب نیز ببحر متوسط و اوقیانوس اتلانتیکی و بوغاز کوه طارق و از غرب نیز باوقیانوس مذکور محدود و مساحتش مقدار ۱۸۰۰۰۰ میل مربع و اهلش مقدار ۱۴۰۰۰۰۰۰ نفس است و اما کوههایش سوای کوههای برانس که میانه ان و فرانسا فاصله است ۴ سلسله دیگر است که این بلاد را شرقاً و غرباً خرق میکنند و در بعضی از انها انواع اشجار مثل کز و صنوبر و سندیان و غیره میروید و دران مقدار ۲۳۰ نهر جاری است ولکن اکثر انها نهرهای کوچک و قابل ذکر نیست و اعظم انها نهر اشبیلیه است که در قرطبه میگذرد و اشبیلیه همان شهری است که معروف بسیفیل است و این نهر در نزدیکی کادس در اوقیانوس ریخته میشود و طول ان مقدار ۲۵۰ میل است و چند نهر از جهت شمال و جنوب داخل ان میشود که از جمله انها نهر شنیل است که در شهر غرناطه میگذرد و نهر مرسیه که در شهر مرسیه جاری میشود و مصب ان در بحر متوسط است و دیگر نهر الودیان است که اول بجهت غرب و پس از ان بجهت جنوب جاری میشود و دیگر نهر تغوس است که بطرف غرب جاری میشود و در پرتوکال میگذرد و هم چنین نهر دورو و این سه نهر در اوقیانوس ریخته میشود و دیگر نهر ابره است که بجهت جنوب شرقی جاری میگردد و در نزدیکی شهر طرطوشه در بحر متوسط ریخته میشود و دیگر یازده نهر سوای نهرهای مذکوره است که در بحر متوسط ریخته میشود

واینها اعظم نهرهای اسپانیا هستند وچشمه های معدنی ان بمقدار ١٢٠٠٠ میرسد واما هوای ان معتدل ومقوّی بدن و خاکش خوب وبسیاری ازمعادن دران یافت میشود واسب خروکاو وگوسفند وبز ان بنهایت خوب وبسیاری از فنون لغویّه درنزد اهالی ان یافت میشود وحکمران ازنوع ملکی مقیّد است ودخلش بمقدار ٥٠٠٠٠٠٠ لیره انکلیسیّه وقرض ان بمقدار ٢٠٠٠٠٠٠٠ لیره انکلیسیّه میرسد وعسکر ان مقدار ٢٠٠٠٠ نفر است وکشتیهای جنکی ان قابل ذکر نیست واما شهرهای این مملکت ازجمله انها قرطبه است واهل ان مقدار ٥٠٠٠٠ نفر است ودیکر اشبیلیه است وان ازشهرهای معتبره بوده ودیکر طلیطله است که ازشهرهای مشهوره ان است ودیکر مادرید است وان قصبه این مملکت وشهری خوب صاحب بناهای عالی وکنائس ومدارس وقصرها و کتابخانه هاست واهلش مقدار ١٧٠٠٠٠ نفر است ودیکر بطلیوس وقادس وملاغه ومرسیه وبلنسیه وطرطوشه وبرشلونه وسلمنکه ولیوس وقستلیون وسرقسطه است واما مملکت پرتوکال ازجهت شمال وشرق بمملکت اسپانیا واز جنوب وغرب باوقیانوس اتلانتیك محدود ومساحت سطح ان ٣٦٠٠٠ میل مربّع واهلش مقدار ٣٥٠٠٠٠٠ نفس است واعظم نهرهای ان نهر دورو ونهر الودیان ونهر تاغوس است واما هوایش خوب ومعتدل وموافق صحت امزجه است وحکمران ازنوع ملکی مقیّد است وبلادش بدوازده

قطعه

قطعه تقسیم میشود واعظم شهرهای ان لیسبون است وان شهریست خوب وصاحب بناهای عالی وقصورش بهترین قصرهای اوروپا ودران ١٤٠ کنیسه و٧٥ دیر ویك کتابخانه ایست که بمقدار ٨٠٠٠٠ مجلد کتاب مشتمل است واهلش مقدار ٢٦٠٠٠٠ نفس است ودیکر شهر اپورتو است واهل ان مقدار ٧٠٠٠٠ نفس وتجارتش در لیمو وپرتقال وشراب است واهل این مملکت باوجود اینکه اراضی انها خوب وخصیب است بفلاحت وزراعت اعتنائی ندارند وکارخانه های انها کم است وبمذهب لاتینیه اند ویك مدرسه کلّیه درکویمبا دارند ومدارس عامّه انها کم است ودر زمان قدیم املاك خارجیّه ان وسیع بوده ولکن دراین عصر مکر قلیلی درامریکا وهند وجزائر اسیا باقی نمانده واهالی ان ازاصل اهل اسپانیا هستند ودر لغت وخلق وعادت بانها شبیه اند واین مملکت سابقا در تحت حکومت رومانیین بوده ودر سنه ١١٣٩ استقلال یافت ودر سال ١٥ مشهور شد واملاك ان در شرق وامریکا امتداد یافت ودر سال ١٦ مملکت عظیمی کردید ودر سنه ١٥٧٦ بمملکت اسپانیا اضافه شد وپس از ان در سنه ١٦٤٠ استقلال یافت ولکن حرّیت وسطوت وقوّه برّیه وبحریّه قبل را حاصل نکرد

قسم چهاردهم

مملکت ایطالیاست وان ازجهت شمال بفرانسا وسویسرا واوستریا محدود واز شرق ببحر ادریا واز جنوب وغرب ببحر متوسط و مساحت سطح ان ١٢٠٠٠٠ میل مربّع واهلش مقدار ٠٠٠

۲۰۰۰۰ نفس است وکوههای آلپا واپینین وکوه کورنوکه ارتفاعش مقدار ۹۵۲۰ قدم است وکوه فیلینوکه ارتفاع ان مقدار ۸۱۸۳ قدم است دران ممتد است واعظم نهرهای ان نهر پو است که میان ایطالیا واوستریا فاصله است ودیگر نهر تیبر است که در شهر رومیه جاری میگردد واز جمله خلیجهای ان خلیج بندقی وخلیج تریسته است واز جمله جزائران جزیره سیسیلیا وسردینیا وکارسیکا است وتوابع های ان بسیار است واعظم شهرهای ان شهر رومیه است که صاحب بناهای عالیه وقصرهای عظیمه است وکنیسه پطرس وپولس رسول دران واقعست وان بزرگترین کنائس عالم و بهترین انهاست ومقر پاپا که رئیس کنیسه لاتینیه است در انجاست واهل ان مقدار ۱۷۰۰۰۰ نفس است ودیگر شهر نابولی است واهل ان مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفس است ودیگر شهر پالیرمو است واهل ان مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است ودیگر شهر بولونیا است واهل ان مقدار ۸۰۰۰۰ نفس است ودیگر شهر پادوا است واهل ان مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است وبواسطه فقدان حریت در این مملکت اکثر اهالی ان بحالت جهل وغباوت مشاهده میشوند وبمذهب لاتینیه اند ودران بناهای فاخره جمیله یافت میشود که مثل انها در عالم نیست واکثر اهالی ان گندم گون وچشمهای انها درخشنده وموهایشان سیاه وزنان انها خوش صورت اند واین مملکت بچند قسم منقسم است واحکام مختلفه در انها

جاری واز جمله انها سردینیا است که انرا ساردو میگویند وان در شمال مملکت است ومساحتش مقدار ۱۹۱۲۵ میل مربع واز جمله شهرهای ان جنوا ونیقا وتورین است ودیگر لومباردیا ست واز جمله شهرهای ان میلانو وفیرونا وفینیس است ودیگر بارما ست وقصبه ان شهر بارما ست ودیگر مودینا ست وقصبه ان شهر مودینا ست ودیگر توسکانیا ست وقصبه ان شهر فیورنسا ست ودیگر نابولی است وقصبه ان شهر نابولی است

قسم پانزدهم مملکت عثمانیه است دراوروپا وان از جهت شمال باوستریا وروسیا واز شرق ببحر اسود وبحر مرمرا وبوغاز دردنیل وبوغاز قسطنطنیه واز جنوب ببلاد روم واز غرب ببحر روم واوستریا محدود ومساحت سطح ان ۱۴۰۰۰۰ میل مربع واهلش مقدار ۹۵۰۰۰۰۰ نفس است وکوههای بلقان انرا خرق میکند وارتفاع رؤس انها به مقدار ۱۰۰۰۰ قدم میرسد واز جمله نهرهای ان نهر ماریزا است که از کوههای بلقان بیرون میاید ودر بحر جزائر روم ریخته میشود وطول ان ۲۵۰ میل است ودیگر نهر دینو است که در بحر ادریا ریخته میشود ودیگر نهر وردار است که از کوههای بلقان بیرون میاید ودر بحر سالونیکیه ریخته میشود وطول ان مقدار ۲۰۰ میل است ودیگر نهر ملاس است که از کوههای بلقان بیرون میاید ودر بحر جزائر روم ریخته میشود واما هوای ان بهتر از هوای بقیه بلاد اوروپا است و امراض ووباهائیکه دران حادث میشود نه بواسطه بدی

فصل هفدهم

کثافت هواست بلکه بواسطهٔ عدم اعتناء اهالی ان بنظافت ابدان وبیوت وبازارهایشان است وزمین این مملکت خوب ودران لیمو وپرتقال وانار وانکور وانجیر وبادام وزیتون و اشجار برّیه مثل بلوط وصنوبر وصفصاف وغیره روئیده می شود وازجملهٔ معدنهای ان اهن ومس وقلع وکبریت ورخام است وازامّهات شهرهای ان قسطنطنیّه است که مشهور باسلامبول است وقسطنطین ملک سنه ۳۳۰ انرابنا کرد ودران ۳۰۰ حمّام و ۳۴۰ جامع است واهلش مقدار ۶۰۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهرادریانوبلی استکه دوّم شهرهای این مملکت است ومقام قدماء سلاطین بوده وتجارت ان وسیع وصاحب بناهای عالیه وقصور قدیمه وجامعهای خوب اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهر فیلیبوبلی استکه بواسطهٔ تجارتش مشهوراست واهل ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهرغالیبولی است و اهل ان مقدار ۸۰۰۰۰ نفس است ودیکر شهرسالونیکیّه استکه محل تجارت وبعمل اقمشه وپوست مشهور واهلش مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است ودرنزدیکی ان کوه اتوس است که انراکوه مقدّس میخوانند ودران ۲۲ دیرو ۵۰۰ کنیسه ویک مغاره است واهل این مملکت بااینکه اراضی انها خوب وقابل انواع زراعت است عمل فلاحت انها خوب نیست وبتجارت چندان التفاتی ندارند بلکه اکثر تجارت دردست روم و ارمن وغرباست وکارخانه های انها قابل ذکرنیست وعلوم

درنزد انها کمتر یافت میشود ولکن چند سال میشود که شروع باقامهٔ مدارس درقسطنطنیه کرده اند ودرتحصیل علوم جدّ وجهد مینمایند وامادیانت ترالت اسلام است ولکن میانه انها روم وارمن ولاتینیه ویهود وپروتستانیّه نیز یافت میشود وحرّیت وازادی ازبرای جمیع مذاهب حاصل است وحکمران ازنوع ملکی مطلق است واکثر اهالی ان مردمانی کریم وامین ودراین عصر شروع بتحصیل معارف وتمدّن و تربیت کرده اند

قسم شانزدهم جزائر اوروپاست

که بعضی ازانها دربحر ثلج شمالی وبعضی درا وقیانوس اتلانتیکی وبعضی دربحر متوسط واقعست وازجملهٔ انها جزائرسبیتسبرکن است دربحر ثلج شمالی که میانه ۷۶ و ۸۰ عرض شمالی و ۹ و ۲۴ طول شرقی است وبزرکترین این جزائر طولش بمقدار ۳۰۰ میل میرسد ودرانها کوههائی استکه ارتفاع بعضی ازانها بمقدار ۴۵۰۰ قدم میرسد واینها تابع مملکت مسکوب است ودیکر جزیره ایسلند استکه طولش مقدار ۲۸۰ میل وعرضش مقدار ۲۱۰ میل ومساحتش مقدار ۳۰۵۰۰ میل مربّع واهلش مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است واین جزیره تابع مملکت دینمارک است ودران کوههائی استکه ارتفاع بعضی ازانها بمقدار ۶۰۰۰ قدم میرسد وچشمه های ان بسیار است واب بعضی از انها بدرجهٔ غلیان میرسد وازجملهٔ حیوانات ان روباه وخرس سفید وکوساله دریائی وامثال اینهاست واکثر نباتات مأکوله شمالیه دران یافت میشود وازکناره های ان بسیاری از

انواع ماهی میکیرند و دیکر جزائر فرو است و انها مقدار ٢٥
جزیره است که میانه ایسلند و جزائر شتلند واقعست و تابع
مملکت دینمارک است و اهلش مقدار ٥٣٠٠ نفس است و
اکثر اعتماد انها بصید ماهی است و اما جزائر شتلند و هبریدن
تابع انکلستان است و اهالی انها فقیر و بی بضاعت و بیشتر
اعتماد انها بصید ماهی و طیور است و امّا جزائر بحر متوسّط از جمله
انها منورکه و میورکه و افیکه است و اینها تابع مملکت اسپانیا
ست و دیکر جزیره کارسیکا ست و ان تابع مملکت سارودست
و دیکر جزیره سیسیلیا یا سقلیه است و ان تابع مملکت ناپولی
است و دیکر جزیره مالطه است و ان تابع انکلستان است و
دیکر جزیره سردینیا ست و ان تابع مملکت سارودا ست و دیکر
جزائر بندقیه است و ان هفت جزیره بزرک و چند جزیره
کوچک است که بنفسه مستقل و در تحت حمایت دولت انکلند
داخل است و اما جزائر روم چند جزیره است که میانه بلاد روم
و اسیای صغری واقعست و از جمله انها جزیره میلو و اندروس
و تینو و سیرا و غیر اینها است و اما جزائر اسیا سابقا ذکر شد

فصل هیجدهم در قارهٔ افریقا و ان از جهت شمال به
بوغاز کوه طارق و اوقیانوس اتلنتیک و بحر متوسّط و از شرق
برزخ سویس و بحر احمر و بوغاز باب مندب و اوقیانوس
هندی و از جنوب با وقیانوس جنوبی و از غرب با وقیانوس
اتلنتیک محدود و مساحتش مقدار ١١٠٠٠٠٠٠ میل
مربّع و اهلش مقدار ١٠٠٠٠٠٠٠ نفس است و از جمله

کوههای ان سلسله کوههای اطلس است و ان فی الحقیقه
چند سلسله است که در بلاد غرب میانه ٢٦ و ٣٧ عرض
شمالی ممتد است و در این کوهها جنکلهای وسیعی است که
وحوش موذیه و درندکان واقعی در انها ماوی دارد و دیکر
سلسله ایست که از جهت جنوب از بلاد حبش ممتد است و
در وسط این قارّه سلسله کوههای قمر است و ان از جهت
غرب از جنوبی بلاد حبش ممتد است و معلوم نیست که در
وسط این قارّه منتهی میکردد یا اینکه بکوههای غربیّه متصّل
میشود و جانب بزرکی از اواسط اینقارّه غیر منکشف است
که کوههای ان و اهالیش معلوم نیست و در انچه منکشف شده
صحراها و بادیههای وسیعی است که از جمله انها صحراء کبیر است
که میانه ١٤ و ٢٩ عرض شمالی واقعست و طول ان مقدار
٢٤٠ میل و عرضش مقدار ٧٥٠ میل است اما نهرهای
افریقا مخرج و مصبّ بسیاری از انها معلوم نیست و از جمله
انها نیل مصر است و ان ازدو نهر مجتمع است که یکی از انها را
بحر ابیض و دیکری را بحر ازرق میکویند و مخرج این نهرها در
کوههای قمر است و در بحر متوسّط ریخته میشود و دیکر
نهر سنیکال است که از کوههائیکه در جنوبی صحراء کبیر است
بیرون میاید و در ١٤٥ عرض شمالی در اوقیانوس اتلنتیک
ریخته میشود و طول ان مقدار ٨٠٠ میل است و دیکر
نهر کمبیا ست که از کوههائیکه در جنوب غربی صحراء کبیر است
بیرون میاید و در عرض شمالی ١٤٣٠ در اوقیانوس

ریخته میشود وطولش مقدار ۱۰۴ میل است و دیگر نهر نیکر
استکه ازکوههائیکه درجنوبی صحراء کبیر است بیرون میاید
وچند شعبه میشود و اعظم انها دراوقیانوس تلانتیک
داخل میکردد وطول ان مقدار ۱۴۴۰ میل جغرافی است
ودیگر نهراورانیا استکه مصبّش در ۲۹ عرض جنوبی است
ودیگر نهر کویلیمان استکه دراوقیانوس هندی ریخته
میشود واما بحیرات افریقا ازجمله انها بحیره تشاد استکه در
اواسط اینقارّه در ۱۳ عرض شمالی واقعست وچند نهر ازجنوب
وغرب داخل ان میکردد ودران ماهی بسیاری یافت میشود و
دراطراف ان اراضی خصیب خوبی است ودیگر بحیره دبو است
درنزدیکی تنبکتو وبحیره قارون درمصر وبحیره دنبیه دربلاد
حبش واما هوای افریقا بواسطه واقعشدن ان دراقالیم
استوائیه وکثرت صحراهایش کرم وخشک است ودربعضی
ازجاهای ان باد سموم میوزد وبواسطه قلّت اب وکثرت ریک
درصحراهای ان سفرکردن درانها صعب است وازحیوانات
برّیه ودرندکان شیر وپلنک ویوز وکفتار وکرکدن وفیل
وشتر وزرافه واسب ابی وخر ونهنک و ۲۴۴ صنف از
طیور واقسام بسیاری از مار دران یافت میشود وازجمله
معادن ان طلا واهن ومس وزیبق ونمک وزغال سنک است
واما اهل ان سودان وبرابره است اما سودان درتمام اماکن
ان یافت میشود واما برابره درجهت شمالیّه ساکنند ودین
انها اسلام است وسودان بمذاهب مختلفه ازبت پرستی اند

ودران بمقدار ۱۵۰۰ لغت تکلم میشود وبواسطه عدم تعیین
حدود ولایات وممالک وقلّت معرفت بانها باعتبار وضع انرا
بهفت قسم تقسیم میکنیم قسم اوّل بلاد نیلیه استکه مشتمل
بمصر ونوبه وحبش وبعض ولایات کوچک است قسم دوّیم بلاد
مغرب استکه مشتمل بصحراء کبیر وبرقه وفزّان وتونس وطرابلس
وجزائر ومراکش وتوابع انهاست سیّم افریقای شرقی استکه
مشتمل بزنکبار وموزمبیق وصوفالا وغیر اینهاست چهارم
افریقای وسطی استکه مشتمل ببلاد سودان است پنجم
افریقای غربی استکه مشتمل بسنیکامبیه وکوینیه است
ششم افریقای جنوبی استکه مشتمل ببلاد راس وبلاد کفره
است هفتم جزائر است **قسم اوّل بلاد نیلیّه** است واز
جمله انها بلاد مصر استکه ازجهت شمال ببحر متوسّط وازشرق
ببحر احمر وازجنوب ببلاد نوبه وازغرب بصحراء کبیر وبلاد برقه
محدود است ومیانه ۲۳۴۰ و ۳۱۲۸ عرض شمالی و ۳۰
و ۳ و ۳۴۳ طول شرقی واقعست پس معظم عرض انها ۱۰۴۰
میل ومعظم طول انها ۲۳۰۰ میل جغرافی است ومساحت انها
مقدار ۸۰۰۰۰۰ میل مربّع واهل انها مقدار ۲۰۰۰۰۰۰
نفس است امّا نهر نیل مخرجش بتحقیق معلوم نیست وچند نهر
ازبلاد حبش دران ریخته میشود واب ان قابل اشامیدن
نیست وانواع ماهی ونهنک بسیاری دران یافت میشود و
امّا هوای این اقلیم باختلاف فصول مختلف میکردد چنانچه
ازماه کانون تا اذار سرد وازماه اذار تا وقت فیضان نیل بسیار



کرم واحراض وبائیه وچشم درد بسیار حادث میشود ودر
ان جمیع انواع حبوب جوارش وبزرها یافت میشود وازجمله
اشجاران سیب وکلابی وشفتالو ولیمو وعناب ونارنج و
زردالو وانار وموز وتمرهندی وحناء وخیارشنبر و
خرما وغیرایهاست ومواشی ان کماست ولکن شتر واستر
وخران بسیارخوب است وحیوانات بریه اش نیز قلیل است و
لکن کفتار واهو واسب ابی وشغال ونهنگ دران یافت می
شود وازطیوراهلیه وبریه انواع بسیاری دران موجود
است وازجمله معادن ان رخام ویشم ونطرون ونمک ویاقوت
ولاجورد وغیرایهاست واهل ان قبطی وعرب وترک است و
اما شهرهای مصرواماکن مشهوره اش ازجمله انها اسکندریه
است که درزمان قدیم باعتبار تجارت وعلوم وفنون مشهور
ترین شهرهای عالم بوده ودران کتابخانه عظیمی بود که دراول
استیلاء مسلمین سوخته شد ودرانوقت قصبه بلاد
مصربود واهالی ان ازاب چاهها ئیکه ازاب نیل پرمیکنند می
اشامند ودیگر شهررشید است که میانه ان واسکندریه
مقدار ۲۰ میل ومیانه ان ودریا مقدار ۲ میل است
ودرنزدیکی ان بوستانهای بسیاری است که درخت خرما
ولیمو وموز وحناء وغیرایها درانها غرس شده واهلش
مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است ودیگر شهردمیاط است و
اهل ان مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است ودیگر شهرمنوف
است واهل ان مقدار ۵۰۰۰ نفس است واکثرانها بنا فقرا

حصیر اشتغال دارند و از جمله قریه های این ناحیه برنبال و
رحمانیه و دمنهور و طرانه و وردان و غیر اینها ست اما شهر
قاهره قصبه این ولایت است و جوامع و مساجدان بسیار
است و مشهورترین جوامع ان جامع ازهر است که اکثر از
علوم موجوده در لغت عربیّه در انجا درس داده میشود و
دیگر شهر فیوم است و ان بلده ایست خصیب و اهلش مقدار
۵۹۰۰۰ نفس است و شیخ فیومی صاحب کتاب مشهور در
لغت عربیّه منسوب بانست و بعضی از اقمشه و گلاب و زیت
و شراب در ان ساخته میشود و لکن شرابش خوب نیست و
از برای ان ترعه از نیل است که انرا خلیج یوسف میگویند و
نزدیکی ان برکه قارون است که طولش مقدار ۳۰ میل و
عرضش مقدار ۴ میل است اما صعید که انرا مصر عالیه می
گویند از جمله شهرهایش اسیوط است که شیخ جلال الدّین
اسیوطی صاحب مصنفات کثیره در جمیع فنون منسوب بان
است و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰ نفس است و مجمع قوافل
نوبه و بلاد سودان است و افیون نواحی ان خوب است و دیگر
از بلاد نیلیه بلاد نوبه و حبش است اما بلاد نوبه از
جهت شمال بمصر و از شرق ببحر احمر و از جنوب ببلاد حبش و
از غرب ببلاد سودان محدود و بعضی ذکر کرده اند که دیانت
عیسویّه در سال هفتم داخل ان شد و اهالی ان از اصول
مختلفه و بهیئات متنوّعه اند و بلغات متفرقه که بعضی از انها بربریّه
و بعضی متفرّع از لغت عربیّه است تکلّم میکنند و اراضی ان

خورده خورده از حدود مصر بناحیه جنوب مرتفع میشود و
امّا هوای نوبه گرم و امراض مسریه در ان حادث نمیشود مگر
طاعون در بعض اوقات و ابتداء فصل باران در جهات جنوبیّه
در ماه حزیران است و در وادی نیل گرما شدت دارد و از
جمله حیوانات این جهات اسب و گاو و گوسفند و بز و شتر
و فیل و زرّافه و اهو و کفتار و اسب ابی است و از جمله طیور
انها کرکس و کلاغ و انواع طیور ابی است و از جمله اشجار و نباتات
انها ابنوس و گز و سنا و پنبه و تتن و تمر و انواع حبوبات
و بضاعت تجارت انها طلا و عاج و مشک و ابنوس و قهوه و
تمر و عسل و حبوب است و اما اهل نوبه مقدار ۱۵۰۰۰۰۰
نفس و مساحتش مقدار ۱۷۰۰۰۰ میل مربّع است امّا
شهرهای ان از جمله انها دراست و اهلش مقدار ۳۰۰۰ نفر
است و دیگر سنّار است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است
و دیگر دنگله قدیم است که بالکلیّه خراب شده و دیگر دنگله
جدید است در جانب یسار نیل و اما بلاد حبش از جهت شمال
بسنّار و از شرق ببحر احمر و خلیج عدن و از جنوب باراضی مجهوله
که شعبه هائی از کوههای قمر در انها منشعب است و از غرب
ببلاد شلوک محدود و این مملکت در زمان قدیم صاحب
شوکت و اقتدار بوده و دین عیسوی در سال ۴ داخل ان
گردید و مقدار ۷۰ سال بلاد یمن را مالک شدند تا اینکه
سیف بن ذی یزن انها را بیرون کرد و لکن حال مملکت انها ضعیف
و بی اعتبار است و حکام انها از نوع ملکی مطلق است و کوههای

این بلاد بسیار است واز جمله انها سلسله ایست که بر
محاذات شط بحر احمر ممتد است وطول ان مقدار ۳۰ میل است
واز جمله نهرهای انها نیل ازرق است که انرا بحر ازرق میگویند
ونیل ابیض در ۱۶ عرض شمالی بان میرسد ونهرهای بسیاری
از کوهها انها سراشیب میشود که مجال ذکر انها در این مختصر
نیست واین بلاد با وجود اینکه در منطقه حارّه واقعست
گرمای انها شدّت ندارد مگر در کنارهای بحر احمر وفصل باران
از ماه نیسان شروع میشود وخاک انها خوب وحبوب ومیوهها
مثل انگور ولیمو ونارنج وغیر اینها بخوبی بثمر میرسد واز جمله
حیوانات انها اسب وگاو وگاومیش وگوسفند وفیل وشیر
وپلنگ وکفتار وکرگدن ویوز وزرافه ونهنگ واسب ابی
است وطیور ودبابات انها مثل اکثر اقالیم استوائیه است
ومعادن انها سوای نمک کم است واهالی انها در هیئت بعرب
شباهت دارند ودر لغتشان بسیاری از الفاظ عربیّه
استعمال میکنند وباعتبار اصل ودیانت باقسام مختلفه
منقسم اند واما شهرهای این مملکت از جمله انها تیغری است
واهلش مقدار ۶۰۰۰ نفس است ودیگر انتالو است که
پای تخت این مملکت است واهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است
ودیگر غندار است در ۱۲۳۵ عرض شمالی و ۳۷۳۳
طول شرقی واهل ان مقدار ۱۰۰۰۰ خانه است واما مملکت
عادل که انرا بلاد زیلع میگویند اهلش از جنس بربر ودین
انها اسلام وتجارتشان در بنده گان وطلا ونقره وعاج و

زیت وعسل ونوعی از فلفل است واعظم شهرهای ان زیلع و
بربره است واین بلاد سابقًا تابع حبش بود ودر سنه
۱۵۳۵ در تحت حمایت دولت عثمانیه داخل گردید واما
مملکت اجان میانه عادل وزنگبار واقعست واهلش بعضی
عرب وبعضی سودان است واما مملکت دارفور میانه ۱۱ و
۱۶ عرض شمالی است وطولش مقدار ۳۴۵ میل وعرضش
مقدار ۲۳۰ میل است واز باران سیراب میشود و
بیشتر اعتناء اهالی ان بفلاحت وزراعت است وبواسطه
قوافل با مصر تجارت میکنند وبضاعت تجارت انها بنده گان
وعاج وپوست کرگدن واسب ابی است ودین غالب انجا
اسلام است واهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است وقصبه
ان شهر قنه است در ۱۴۱۱ عرض شمالی و ۲۸۸ طول
شرقی واهل ان مقدار ۶۰۰۰ نفس است **قسم دوّیم**
بلاد مغرب است وان از جهت شمال با وقیانوس اتلانتیک
وبوغاز کوه طارق وبحر متوسّط واز شرق ببلاد مصر وبحر متوسط
واز جنوب بصحراء کبیر واز غرب با وقیانوس محدود ومعظم طول
ان از شرق بغرب مقدار ۲۶۰۰ میل وعرضش در بعضی از
جایها ۵۵۶ میل ودر بعض دیگر ۱۴۰ میل است وزمان
قدیم بلاد بربر نامیده میشده وبهفت قسم منقسم است
برقه وفزّان وتونس وطرابلس وجزائر ومراکش وفاس اما
برقه از جمله شهرهای ان برقه وابن غازی ودرنادمّی است
واما بلاد طرابلس حاصلهای انها بسیار واسب ومواشی انها

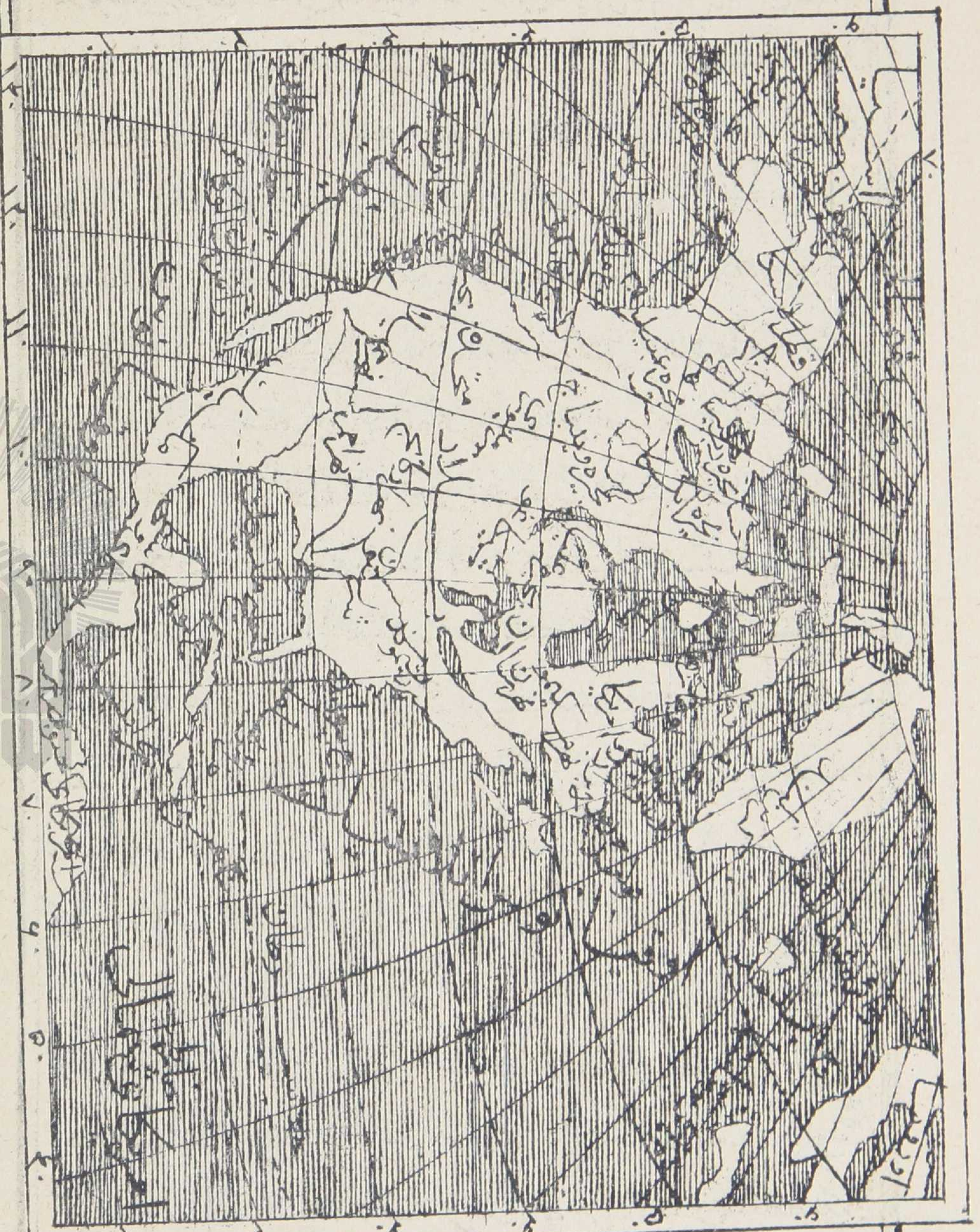
خوبی درخت خرما دران بمقدار صد قدم نمو میکند و ثمرش مشهور است و درانجا درخت سدر بسیار است و در کناره های دریا طلا یافت میشود و با مالطه و بلاد یونان و جزایر انها تجارت بسیاری دارد و بواسطه قوافل با فزّان و غدامس و بلاد صحراء تجارت میکنند و بانجا اقمشه و اسلحه میفرستند و بعوض بنده کان و عاج و طلا و غیرا ینها میاورند و از جمله شهرهای ان طرابلس است و اهل ان مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر لبیداست که حال قابل ذکر نیست و دیگر شهر مسوراتاست و اهل ان مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است و اما بلاد فزّان از جهت شمال بطرابلس و از شرق بوادی برقه و از جنوب و غرب بصحراء کبیر محدود و معظم عرض ان از شمال بجنوب مقدار ۲۵۵ میل و معظم طولش از شرق بغرب مقدار ۲۰۰ میل است و در شمالی ان سر سلسله کوه است که انهارا جبال سود میگویند و علوّ انها بمقدار ۱۵۰۰ قدم میرسد و طولشان از شمال بجنوب مقدار ۱۰۰ میل است و اما هواء فزّان گرم و باران دران کم میبارد و بیشتر اعتماد اهالی ان بدرخت خرما ست و لیمو و انار و انجیر نیز یافت میشود و از جمله حیوانات اهو و پلنک و کفتار است و اهالی این بلاد بنابر قول بعضی ۷۵۰۰۰ انفس و بحسب اخبار دیگران گفته اند مقدار ۱۵۰۰۰ نفس است و از جمله شهرهای انها سقنا است و اهل ان مقدار ۲۰۰۰ نفس است و در نزدیکی ان مقدار ۲۰۰۰۰ درخت خرما است که خرمای انها را در

بازار طرابلس میفروشند اما بلاد تونس از شمال ببحر متوسط و از شرق ببحر مذکور و طرابلس و از جنوب ببلاد بعض قبائل متبدّیه و از غرب ببلاد جزائر محدود و مساحت انها مقدار ۷۰۰۰۰ میل مربّع است و از جمله حاصلهای انها حبوب و انواع میوه ها و صابون و پشم و اسفنج است و حکم این مملکت از نوع ملکی مطلق است و در زمان سابق تابع مملکت عثمانیّه بوده و الان بنفسه مستقل است و از جمله شهرهای ان تونس است و اهل ان مقدار ۱۳۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر قیروان است که در صدر اسلام بنا شده و در نزدیکی ان شهر رقاده است که اول خلفاء فاطمیّین که معروف بمهدی بود دران اقامت داشت و دیگر شهر صفاقس است و اهل ان مقدار ۴۰۰ نفس است اما بلاد جزائر از جهت شمال ببحر متوسّط و از شرق بتونس و از جنوب بصحراء کبیر و از غرب بمراکش محدود و میانه ۸۳۰ طول شرقی و ۱۳۰ طول غربی واقع و طولش مقدار ۵۴۰ میل و عرضش میانه ۴۰ و ۱۰۰ میل است و سابقا تابع مملکت عثمانیه بوده و پس از ان در سنه ۱۵۸۵ استقلال یافت و بعد اکثر انها در تحت حکومت فرانساویّه داخل گردید و در انها چند نهر است که از کوههای اطلس بیرون میاید و در بحر متوسّط ریخته می شود و اعظم انها نهر شلف است و اما هوای این بلاد خوب و جمیع حاصلهای اقالیم حارّه در انها یافت میشود و اهل انها بمقدار ۲۵۰۰۰۰۰ نفس میرسد و از جمله شهرهای انها

مستغانم و قسطنطینیه و تلمسان است و اما بلاد مراکش
از جهت شمال با وقیانوس اتلانتیک و بوغاز کوه طارق و بحر
متوسّط و از شرق بمقاطعه تلمسان و از جنوب بصحراء کبیر و
از غرب نیز با وقیانوس محدود و مساحت انها مقدار ۴۲
۳۰۱۵ میل مربّع است و بچهار قسم تقسیم میشوند اول

و دران شیر و پلنک و افعی بسیار است و اهالی ان قبائل
متوحشه است و اما اجزاء شرقیه و وسطی از این قاره چنانچه
باید و شاید معلوم نیست و از جمله انهار نکبار است که فیمابین
۳ عرض شمالی و ۱۰ عرض جنوبی واقعست و دیکر مکر نکاست
که انرا منو متبا نیز میکویند و اهلش سودان است و از جمله

خارتهٔ امریکای شمالی



وانواع رخام واز سنکهای نفیسه الماس و زمرّد ولؤلؤ
وغیر اینهاست واهلش بمقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفس میرسد
که بعضی از انها اهالی اصلیه وبعض دیکر از نسل اهل اوروپا
هستند که بعد از استکشاف این قارّه درانجا متوطن شدند
واما زمین اینقارّه وسیع وحیز وبرکتش بسیار بقسمیکه هر
کاه ۵۰۰ ملیون نفس باهالی ان اضافه شود تمام بکمال
وسعت ورفاهیّت معیشت خود میکذرانند وهیچ تنکی و
سختی پیدا نمیشود واین قارّه پیش اهل اوروپا معروف
نبود تا اینکه مِستِر کرستوفر کلمبوس سنه ۱۴۹۲ انرا
کشف کرد ودر انوقت قبائل متوحّشه بسیاری درانجا
ساکن بود که شباهت بطائفه هُنُود داشتند وبعد از
انکه مستر کلمبوس باسپانیا مراجعت کرد واخبار کشف
کردن انرا داد مِستِر امریکوس فسپوسیوس بان جهت
مسافرت کرد وشطوط جنوبیّه انرا کشف کرد پس هردو
باسم او نامیده شد وحال اینکه حق ان این بود که کلمبیه باسم
کلمبوس نامیده شود واین قارّه بدو قسم تقسیم میشود
شمالی وجنوبی اما امریکای شمالی باعتبار دول واحکام وبعضی
از ان باعتبار موقع ومحل بچند قسم تقسیم میشود اوّل
املاک روسیا در امریکا قبل از این ذکر شد که مسکوف در
اثناء سنه ۱۶۴۰ سیبریا را فتح کرد وباین واسطه تجارت
خوبی رویت وبعض چیزها پیدا کرد وهمچنین بجهت شرق
پیش امد تا اینکه بوغاز بیرین را قطع کرد وجزائر کوریله

ألوتیان و شطوط امریکا مالك شد و این املاك در مقدار ۱۴۱ طول غربی از بحر شمالی تا کوه ماد الیاس است و این بلاد سرد و کوههای انها خالی از برف نمیمانند و دریاهائی که میانه کوهها و دریاست بعضی از گیاهها میروید و جنگلهای بسیار در انها واقعست دوّیم بلاد گرین لند است یعنی بلاد خضراء چه که لَنْد در لغت انگلیسیّه بمعنی بلد و زمین و گِرین بکاف فارسی بمعنی سبز استعمال میشود اما طرف جنوبی این بلاد در ۳۰ ۵۹ عرض شمالی و شطّ شرقی انها بجهت شمال شرقی تا محاذی جزیره سبتسبرکن ممتد و شط غربی انها بجهت شمال غربی ممتد و بوغاز دافیس و بوغاز بافین محدود و اما جهات شمالیه انها معلوم نیست و اهالی اصلیه انها از طائفه اسکیمو است و ایشان مردمانی کوتاه قامت و پر طاقت و کلاه انها مانند کلاه رهبانان و در زمستان در خانه های کوچکی که از سنگ میسازند و سقف انها را از گیاه و علف میپوشند بسر میبرند و طعام انها از گوشت گوساله دریائی است که صید میکنند و دین انها بت پرستی است و اما تجارت این بلاد در دست مملکت دینمارك است که الات اهن و انواع اقمشه و اسلحه با نجا میفرستند و در عوض پر طیور و شاخ اسب دریائی و پوست گوساله دریائی و پوست روباه و خنزیر و خرس و یوز و امثال اینها میگیرند و در این بلاد سلسله کوههائی است که ارتفاع بعضی از انها بمقدار ۳۰۰۰ قدم میرسد و نهری

که قابل ذکر باشد در انها نیست و لکن چشمه های انها بسیار و از جمله انها چشمه گرمی است که درجه حرارتش بمقدار ۱۰۴ میرسد و اما هوای این بلاد سرد و در زمستان دریا تا مسافت بعیده منجمد میشود و روشنی شفق در این بلاد بیشتر از اقالیم معتدله و استوائیه است و در دریاهای انها نوعی ماهی یافت میشود که روغن انرا بجهت چراغ میگیرند و برای سوزانیدن بسیار خوب است و طول این ماهیها گاهی بمقدار ۶۰ قدم میرسد و در انها اسب ابی و گوساله دریائی و خرس سفید یافت میشود و در شطوط گرین لند بسیاری از جزائر غیر مسکونه است که پرنده گان دریائی انها بیشمار است و بواسطه پر شان انها را صید میکنند و پر انها نرم تر از پر طیور اقالیم استوائیه است سیّم املاك انگلیس در امریکا و ان اراضی ایست که میانه ۵۰ ۴۲ و ۷۰ عرض شمالی و ۵۵ و ۱۴۰ طول غربی واقعست و از جهت شمال ببحر ثلج شمالی و از شرق بخلیج بافین و بوغاز دافیس و اوقیانوس اتلانتیك و از جنوب باوقیانوس مذکور و بلاد متّحده و از غرب باوقیانوس محیط و املاك مسکوب محدود و بچهار قسم تقسیم میشود اول برتانیه جدیده دوّیم کناده سیّم اسکاتلند جدید چهارم فانلند جدید و جزائر برموداس اما برتانیه جدیده اراضی ایست که در شمالی ۵۰ عرض شمالی واقعست و خلیج هدسون که طولش مقدار ۱۰۰۰ میل و معظم عرضش مقدار ۶۰۰ میل است میانه ۵۲

و ۴۷ عرض شمالی در انها واقعست و بواسطه بوغاز
هدسون با وقیانوس متصل است و مدخل ان نزد مدخل
بوغاز دافیس است و در این بلاد چند بحیره است که از
جمله انها بحیره وینیبك است میانه ۵۱ و ۵۴ عرض شمالی
و ۹۶ و ۹۹ طول غربی و چند نهر از غرب در ان ریخته می
شود و چند نهر از ان بخلیج هدسون بیرون میرود و در نزدیکی
ان جنگلهای وسیعی است که چوبهای انها از برای بناء خوب
است و از جمله انها درختی است که در امریکا بسیار است و
در ایام بهار سوراخ میشود و اب شیرینی از ان بیرون میاید
که هرگاه انرا بجوشانند شیره خوش طعمی میشود و اگر زیاده
بجوشانند شکر میگردد و دیگر بحیره عیاض است که از
نهر یکه طولش مقدار ۸۰ میل است پیدا شده و دیگر بحیرهٔ
عبید است که میانه ۳۸ ۶۰ عرض شمالی و ۱۱۰ و
۱۱۹ طول غربی واقعست و طولش مقدار ۲۷۰ میل و
محیطش مقدار ۱۰۰۰ میل و چند نهر داخل ان میگردد و
نهر مکنزی که در ۷۰ عرض شمالی در بحر شمالی ریخته می
شود از ان خارج میگردد و چند نهر در خلیج هدسون ریخته
میشود که از جمله انها نهر شرشل و نهر نلسون و نهر سفرن
و نهر ألبنی و نهر موس و نهر مین و غیر اینها ست و بدان که
سلسله کوههائیکه امریکا را از شمال بجنوب خرق میکند
اول انها در نزدیکی حدود املاك مسکوب نزد بحر شمالی
است و از انجا بجنوب غربی ممتد است و ارتفاع بعضی از انها

در این بلاد مقدار ۱۶۰۰ قدم است اما هوای این بلاد
جهات شمالیّه انها سرد و جهات جنوبیّه اعتدالش بیشتر
و هوای جوار خلیج هدسون تر و زمینی که قابل کشت و زرع باشد
در این بلاد کم است و در انها معدن اهن و قلع و رخام و
زغال معدنی یافت میشود و از جمله حیوانات انها کاومیش
برّی و گرگ و روباه و گربه برّی و خرگوش و سنجاب است
و در ابهای انها انواع بسیاری از ماهی یافت میشود و اهالی
انها از طائفه اسکیمو و قبائل دیگری از هنود متوحّشه
است که بطوائف کثیره که لغات انها مختلف است تقسیم می
شوند و اما بلاد کناده میانه ۴۲ ۳۰ و ۵۰ عرض شمالی
و میانه ۶۴ و ۹۷ طول غربی واقع و از جهت شمال برتانیه
جدیده و از شرق بخلیج مادلارنس و برنسویك جدید و از
جنوب ببلاد متحده و جزئی از نهر مادلارنس و بحیره انتاریو و
بحیره اری و بحیره هورون و بحیره علیا و از غرب بحیره هورون
و بحیره علیا و برتانیه جدیده محدود و بدو قسم تقسیم می
شود کناده علیا در جهت غرب و کناده سفلی در جهت
شمال شرقی و حدّ میانه انها نهر اتاوا است که در نهر مادلارنس
ریخته میشود و حدّ میانه کناده علیا و بلاد متحده چند
بحیرهٔ بزرك است که از جمله انها بحیره علیا ست که طولش
مقدار ۴۰۰ میل و معظم عرضش مقدار ۱۰۰ میل و محیطش
مقدار ۱۲۰۰ میل است و ابش خوشگوار و ماهیش بسیار
و در فصل تابستان که روی ان گرم میشود قعرش سرد

است و در ان چند جزیره است که طول یکی از انها بمقدار ۱۰۰ میل و عرضش مقدار ۴۰ میل است و زیاده از ۴۰ نهر در ان ریخته میشود و طلاطم این بحیره سخت است واما هوای این بلاد اجمالاً سرد و مقوّی بدن و اراضی کنادهٔ علیا قابل انواع زراعت است ولکن کنادهٔ علیا از این حیثیت مثل ان نیست و در انها از حیوانات کاومیش برّی و خرس و کرک و امثال اینها یافت میشود و از جمله معادن انها اهن و مس و قلع و زغال سنک است و اهالی انها مقدار ۱۱۰۰۰۰۰ نفس است و جمیع انها در تحت حکومت انکلیس است و از جمله شهرهای کناده سفلی کوِیبک است و اهل ان مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و دیکر منتریال است و اهل ان بمقدار ۳۰۰۰۰ نفس میرسد و از جمله شهرهای کناده علیا کینستون است که محل تجارت این جها است و دیکر تورونتو و کوینستن است واما اسکاتلند جدید از جهت شمال بنهر مار لارنس و از شرق بخلیج مار لارنس و از جنوب باوقیانوس اتلانتیک و خلیج فوندی و از غرب نیز بخلیج فوندی و بلاد متحده محدود و از جمله شهرهای ان هلیفاکس و شهر مار یوحنا ست و جزیره بریتون و ادورد در خلیج مار لارنس و جزیره سابل تابع ان است واما فانلند جدید جزیره ایست در خلیج مار لارنس که میانه ۴۶۵۵۰ و ۵۱۳۰ عرض شمالی و میانه ۵۳۳۰ و ۵۸۲۰ طول غربی واقعست و طول این جزیره مقدار

۳۸۰ میل و عرضش از ۴۰ تا ۲۸۷ میل مختلف است و محیط ان مقدار ۹۰۰ میل است و هر سال مقدار زیادی ماهی خشک از انجا بافاق میرود و در غربی فانلند جدید جزیره انتیکوسی است که طولش مقدار ۹۰ میل و عرضش ۲۰ میل است و جزائر برموداس که در عرض شمالی ۳۱½ و طول غربی ۶۵ واقعست تابع اسکاتلند جدید است و اکثر لوازم این جزائر از بلاد متحده میاید و اهالی انها از اب چاه میاشامند چهارم بلاد متحده است و ان چند قسم مستقل است که هر یک بنفسه صاحب احکام و شرائعی است ولکن جمیع در تحت یک حکم عمومی که ملاحظه امور متعلقه باقسام مذکوره عموماً در ان کرده میشود متحّد ند و حدود این املاک از جهت شمال املاک انکریز و بحیراتیکه ذکر شد و نهر مار لارنس است و از شرق اوقیانوس اتلانتیک و خلیج مکسیکو و از جنوب مکسیکو و خلیج ان و خلیج کلیفورنیا و از غرب مکسیکو و اوقیانوس محیط و مساحت انها مقدار ۲۵۰۰۰۰۰ میل مربّع و اهل انها مقدار ۲۳۵۰۰۰۰۰ نفس است و کیفیت اتحاد این بلاد اجمالاً اینست که در سنه ۱۹۰۷ مسیحیّه ولیس از ان بسیاری از اهالی اوروپا بخصوص از املاک انکلیس ببعض اماکن بلاد متحده رحلت کردند و بعد از ان که جمعیّت انها زیاده کردید و املاک وسیعه از هنود بجنک و جزیدن کرفتند و بلاد انها معمور و اباد شد دولت و

فصل نوزدهم

انکلیس عمّال خود را میفرستاد وجور و تعدّی بانها میکرد تا اینکه اقسام مذکوره در شهر فیلدلفیا دیوانی منعقد کردند و وکلاء از هر قسم حاضر شد و بالاخره در سنه ۱۷۷۶ بنا بر معاضدت و معاونت از عموم جمهور رشد و بحرّیت و ازادی ندا درداد ند و معاهدات مستحکمه در این باب نمودند پس جنکهای بسیار میانه انها و دولت انکلیس واقع شد تا اینکه بالاخره در سنه ۱۷۸۲ بلاد مذکوره بحرّیت و ازادی بانها مسلّم کردید و اقسامیکه اوّلا در این معاهده داخل شدند ۱۳ قسم است نیوهمشیر و مساشوستس و رود ایلند و کنتیکوت و نیویورک و نیوجرسی و فنسلوانیا و دلاوار و مریلند و ورجینیا و کرولینای شمالیّه و جنوبیّه و جاورجیا و جانب بزرکی از این بلاد غیر معمور بود که سوای قبائل هنود وحوش کسی در انها مسکن نداشت و پس از حرّیت رو باباد ی نهاد و اهالی انها بسیار شد و بسیاری از اهل اوروپا در انجا امدند و رفته رفته بلاد داخله معمور کردید و طائفه هنود از پیش انها کریختند و چند قسم دیکر داخل در معاهده انها شدند تا اینکه الان عدد انها بمقدار ۳۱ میرسد و اقسام زائده از ۱۳ قسم مذکور ماین و فرمانت و مشیغان و اوهیو و اندیانا و الینوی و کنتوکی و تنیسی و الاباما و فلاریدا و میسیسبی و لوسیانا و وسکونس و ایووا و میسّوری و ارکانساس و تکساس و کلیفورنیا ست امّا ماین و فرمانت در شمالی اقسام اصلیّه

است و بقیه اقسام در غربی انها ست و اقسامیکه در این معاهده داخل نشدند منیسوتا و نبراسکا و اوریکون و اوتاه و هندیا و نیومکسیکو است و اقسام سابقه بحسب وسعت مختلف است و بزرکترین انها تکساس است که مساحت ان مقدار ۱۰۰۰۰۰ میل مربّع است و کوچکترین انها رود ایلند است که مساحتش ۱۲۵۰ میل مربّع است و در این بلاد دو سلسله کوه ممتد است که یکی از انها کوههای کتسکل است که ارتفاع انها بمقدار ۶۴۷۶ قدم میرسد و دیکری کوههای صخریّه است که سابقا ذکر شد و نهرهای این بلاد بسیار است و اکثر انها صلاحیت عبور کشتیهای بزرک دارد و از جمله انها نهر کنتیکوت است که در خلیج جزیره طویلیکه در نزدیکی شهر نیوهافن است ریخته میشود و طول ان مقدار ۴۰۰ میل است و دیکر نهر هدسون است که مخرجش در شمالی نیویورک است و طولش مقدار ۳۵۰ میل است و دیکر نهر دلاوار است که مخرجش در جنوبی نیویورک است و در خلیج دلاوار ریخته میشود و طولش مقدار ۳۰۰ میل است و دیکر نهر سسکوهنّا ست که مخرجش در جنوبی نیویورک است و در خلیج شسابیك ریخته میشود و طولش ۵۰۰ میل است و نهر بتوماك که طولش مقدار ۵۰۰ میل است نیز در این خلیج ریخته میشود و چند نهر دراو قیانوس ریخته میشود که از جمله انها نهر جمس و رونوك و بیدی و سوانا

وغیر اینها ست واما نهر اوهیو بجنوب غربی جاری میشود و مصبّ ان در نهر مسسیپی است و نهر واباش که طولش مقدار ۵۰۰ میل است دران ریخته میشود واز جهت جنوب نهر تنیسی که طولش مقدار ۱۲۰۰ میل است در ان داخل میکردد واما نهر مسوری از کوههای صخریّه بیرون میاید وبجنوب شرقی جاری میکردد ودر نهر مسسیپی ریخته میشود وطول ان مقدار ۳۱۰۰ میل است و نهر پلات که طولش مقدار ۱۵۰۰ میل است ونهر جحر اصفر که طولش مقدار ۱۱۰۰ میل است وچند نهر دیکر دران ریخته میشود ودیکر نهر ارکانساس است که مخرجش در کوههای صخریه است وبجنوب شرقی جاری میکردد و در نهر مسسیپی ریخته میشود وطول ان ۲۰۰۰ میل است ودیکر نهر احمر است که از جبال صخریّه بیرون میاید وبجنوب شرقی جاری میکردد ودر نهر مسسیپی ریخته میشود وطول ان مقدار ۱۵۰۰ میل است واما نهر مسسیپی مخرجش در شمالی منیسوتا ست وبطرف جنوب جاری میکردد ودر خلیج مکسیکو ریخته میشود وطول ان مقدار ۳۱۰۰ میل است ودیکر نهر ریو دلنورت است که از کوههای صخریّه بیرون میاید وبجنوب شرقی جاری میکردد ودر خلیج مکسیکو ریخته میشود و طول ان مقدار ۲۰۰۰ میل است ودیکر نهر برازوس است که طولش مقدار ۹۰۰ میل است ودیکر نهر

کلورادو است که طولش مقدار ۴۰۰ میل است ودیکر نهر کلومبیا ست که از کوههای صخریّه بیرون میاید وبشمال غربی پس بغرب جاری میکردد ودر اوقیانوس محیط ریخته میشود وطولش مقدار ۱۰۰۰ میل است ودیکر نهر کولورادو است که از جبال صخریّه بیرون میاید وبجنوب غربی جاری میکردد ودر خلیج کلیفورنیا ریخته میشود وطولش مقدار ۱۰۰۰ میل است ودر این بلاد ترعههای بسیاری است که میان نهرها وبحیرات را بیکدیکر وصل میکنند واز جمله انها ترعه ایست که میانه نهر هدسون وبحیره اری را بیکدیکر وصل میکند ودیکر ترعه ایست که میان بحیره اری ونهر اوهیو را بیکدیکر وصل میکند وطول ان مقدار ۱۳۰۷ میل است و امّا هوای این بلاد جهات شمالیّه انها سرد وجنوبیّه معتدل ودر فلوریدا حرارت شدت دارد وهم چنین جهاتیکه در نزدیکی خلیج مکسیکو است واجمالا موافق صحت امزجه است مکر این که در بعضی اماکن تب بسیار عارض میشود ولکن این اماکن بالنّسبه بوسعت این بلاد چیزی نیست واما حاصلهای انها بسیار وخاک انها قابل انواع زراعت وجمیع انواع حبوب و اکثر انواع میوه ها در انها یافت میشود وسیب انها بسیار خوب است ودر دنیا نظیر ندارد واز جمله معادن انها طلا و نقره واهن ومس وقلع وزیبق وزغال سنک ورخام است وچند بحیره شور در انها ست که نمک از انها استخراج میکنند واز حیوانات اهلیّه انچه در سایر بلاد موجود است در اینها

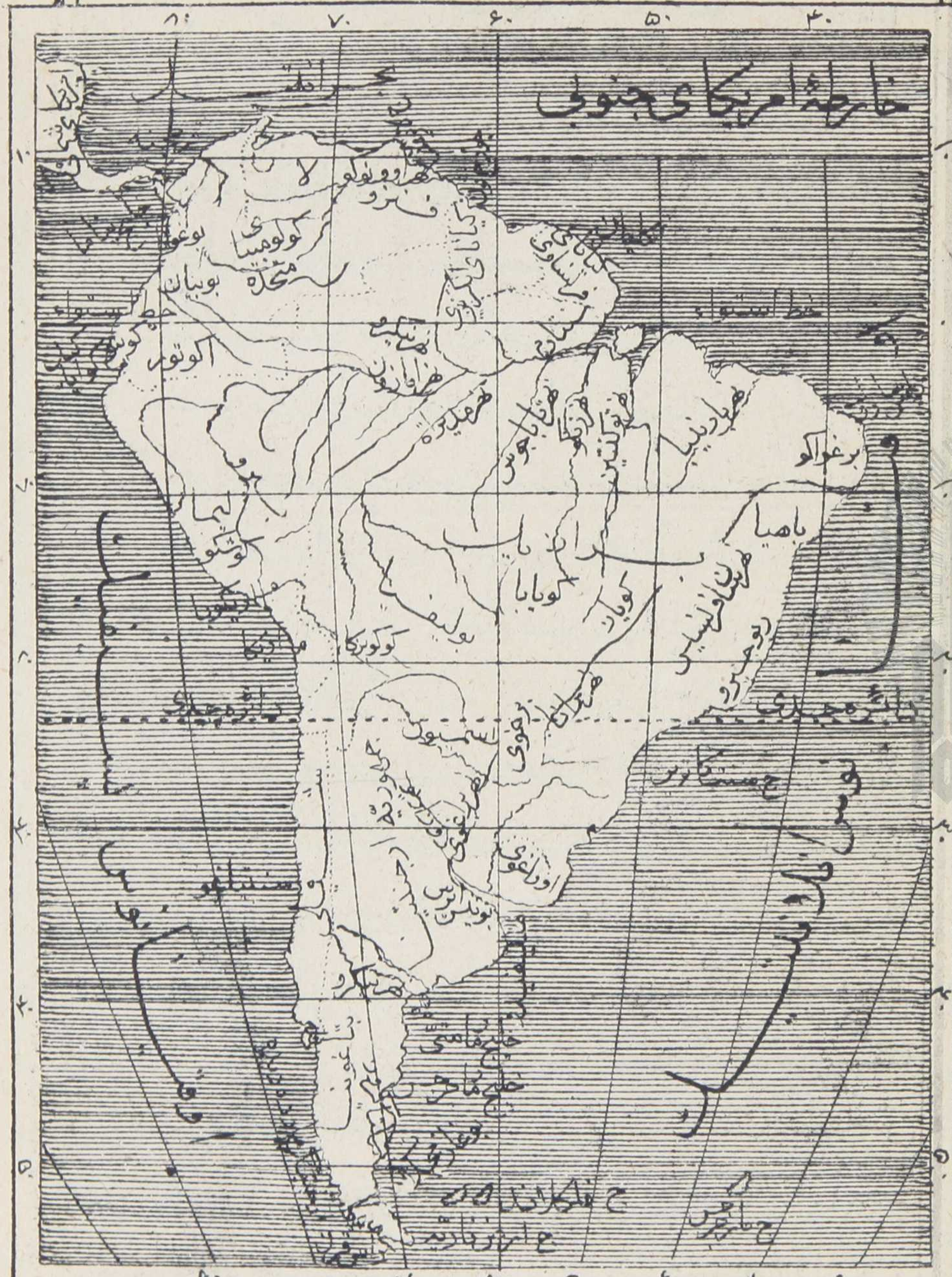
نیز یافت میشود و دیگر اسب برّی و کاومیش برّی و خرس و گرگ و گربه برّی و انواع بسیاری از طیور که بمقدار ۳۶۲ نوع میرسد و بعضی از مارها که سمّ انها مهلک است در این بلاد یافت میشود و اما حکم انها از نوع جمهوری است و حکّام از قبل طوائف تا مدّت معیّنی انتخاب میشود و لکن قضاة تا مدّت حیاتشان بوظیفه خود قیام مینمایند مگر اینکه تقصیری که موجب عزل است از انها صادر شود و هر قسمی از اقسام مذکوره صاحب حکم خاصی است مگر اینکه جمیع در احکام عمومیّه که راجع بجمیع اقسام است شریک و متّحدند و وکلاء خود را بدو دیوان که در شهر وشینتون بر پا است میفرستند و در انجا انچه که چیز عمومی است و انچه به دول خارجه متعلق است ملاحظه میکنند و دین غالب در انجا دیانت پروتستانیه است و حرّیت و ازادی از برای جمیع مذاهب حاصل است و در این بلاد مقدار ۳۰ مدرسه جامعه و ۱۰۰ مدرسه از برای تحصیل علوم جلیله و بسیاری از مدارس متوسّطه است و کتب ارزان و فراوان و تحصیل انها از برای هر کسی سهل و اسان است و دخل این بلاد از گمرک و غیره بمقدار ۵۵۰۰۰۰۰ ریال میرسد و عساکر قانونیّه انها مقدار ۱۲۰۰۰ نفر و ردیف انها ۲۰۰۰۰۰ نفر است وکشتیهای جنگی انها مقدار ۷۰ کشتی است و لکن در وقت حاجت هر قدر که بخواهند برای انها ممکن است و از جمله شهرهای این بلاد بستون است که در عرض شمالی ۴۲ ۲۱ و طول

غربی ۷۱ ۴ واقعست و تجارت ان وسیع است و در نزدیکی ان تل بونکر است که واقعه مشهوره میانه عسکر انکلیس و اهالی ان در انجا واقع شد و دیگر شهر نیوهافن است و ان شهری است خوب و محل تفرّج و تماشایش بسیار و مدارسش مشهور و معروف است و دیگر شهر نیویورک است و ان بحسب تجارت و جمعیت اعظم شهرهای این بلاد است و چند مدرسه از برای تحصیل علوم و فنون و معارف در ان مهیّا و موجود است و اهلش بمقدار ۵۰۰۰۰۰ نفس میرسد و دیگر شهر فیلادلفیا است که میانه نهر دلاوار و نهر سکولکل است و ان شهری است خوب بازارهایش مستقیم و از بعض انها با بعضی دیگر زوایای قائمه مثل تقطیع صفحه شطرنج حادث میشود و در ان بناهای فاخره و مدارسی که در علم طب مشهور و معروف است یافت میشود و دیگر شهر بالتیمور و وشینتون و شرلستون و سفنّا و نیوارلینس و سنسناتی و سانت لوی و استوریا و مارفرنسیس است پنجم مکسیکو است و ان از جهت شمال و شرق ببلاد متّحده و از جنوب بکواتمالا و اوقیانوس محیط و از غرب باوقیانوس مذکور و خلیج کالیفورنیا محدود و این بلاد تابع اسپانیا بود تا اینکه سنه ۱۸۲۴ در تحت حکم جمهوری استقلال یافت و در انها بسیاری از معادن طلا و نقره و زیبق یافت میشود و سلسله کوههای صخریّه از انها خرق میکند و در انها چند کوه اتش است که بلندترین انها بوکتابتل است که ارتفاع ان بمقدار ۲۰۰۰۰ قدم میرسد و در

سال ۱۴ که اهل اسپانیا این بلاد را فتح کردند هنودی که
در انها ساکن بودند صاحب تمدّن و مُدُن و ضیاع و عقار بودند
پس اکابر و اشراف و اعیان انها را بقتل آورده و رعایا را در تحت
بندگی و اطاعت خود در آوردند و این بلاد را مالک شده با
اهالی اصلیّه انها مخالطت نمودند و اهالی حالیّه ان یا از نسل
اهل اسپانیا و یا مخلوط از انها و هنود است و اراضی این بلاد
مرغوب و خوب است و لکن چنانچه باید و شاید اعتنائی بانها
ندارند و از جمله شهرهای انها تمبیکو و فیراکروز و پتوسی و مکسیکو
و زکاتیکاس و غیر اینهاست و شبه جزیره کلیفورنیا در غرب
و شبه جزیره یوکاتان و چون کمپیشی تابع انهاست ششم
امریکای وسطی است که انرا گواتمالا میگویند و ان از جهت شمال
بمکسیکو و از شرق ببحر کریب و از جنوب ببرزخ داریان و اوقیانوس
محیط و از غرب باوقیانوس مذکور محدود و ان نیز تابع مملکت
اسپانیا بوده و در سنه ۱۸۲۴ در تحت حکم جمهوری داخل
گردید و لکن بواسطه حربهای داخلیّه که مابین اهالی ان واقع شد
ترقی از برای ان حاصل نگردید و کوههای صحریّه انرا فرق میکند
و سه کوه آتش فشان در ان واقعست و از جمله بحیرات ان بحیرهٔ
نکراگا است که طولش مقدار ۱۸۴ میل و عرضش مقدار
۷۷ میل است و نهر سانتجوان از ان بیرون میاید و در بحر
کریب ریخته میشود و از جمله شهرهای ان تروکسلو و فیراپاس
و سانت سلودور و لیون و غیر اینهاست و اما جزائر هند غربیّه
مجموع جزائری است که در مدخل خلیج مکسیکو و در بحر کریب

واقع است و از جمله انها مجموع جزائری است که انرا انتلیس کبری
میگویند که یکی از جزائر ان جزیره کوبا است که طولش مقدار
۷۰۰ میل و عرضش مقدار ۷۰ میل است و ان تابع مملکت
اسپانیا است و دیگر پورتوریکو است که طولش مقدار
۱۲۰ میل و عرضش مقدار ۴۰ میل است و ان نیز تابع مملکت
اسپانیا است و دیگر هایتی است که طولش مقدار ۳۹۰
میل و عرضش مقدار ۳۰ میل و مستقلاً در تحت حمایت انگریز
است و اهالی ان بنده گانی هستند که آزاد شده اند و دیگر
جُمیکا است که طولش مقدار ۱۵۰ میل و عرضش مقدار ۴۰
میل است و ان تابع انگلند است و دیگر مجموع جزائر کریبیت
و ان چند جزیره کوچک است که بعضی از انها تابع انگلستان
و بعضی تابع فرانسا و بعضی تابع هالند و بعضی تابع دنمارک
و بعضی تابع اسوج است و اعظم انها جزیره ترنیداد است که
تابع انگلستان است و دیگر مجموع جزائر بهاما است و ان چند
جزیره است که از جمله انها جزیره گوانیهانی است و ان اوّل ملکی
است که کلمبوس بعد از مسافرت او از اسپانیا سنه ۱۴۹۲
بان رسید و حاصلهای این جزائر بسیار و شکر و قهوه و تتون
و پنبه و جمیع میوه های اقالیم استوائیه در انها یافت میشود
و هوای بعضی از انها خوب و بعضی بد و کثیف است و بادهای سخت
که بعض اوقات خانه ها را خراب میکند در انها بسیار میوزد و
از جمله شهرهای انها هفانا و سانسلفدور و برتوبرنس و کینستون
و سانتجوان است و اکثر انها بنده گانی هستند که انها را از

افریقا از برای کار زراعت و زرع پنبه ونیشکر اورده اند واما امریکای جنوبی از شمال بجنوب سلسله کوههای اندس انرا خرق میکند و بلندترین انها کوه سوراتاست که ارتفاع ان بمقدار ۲۵۴۰۰ قدم میرسد و دران چند کوه اتش فشان است که بلندترین انها کوه کوتوباکسی است که ارتفاع ان بمقدار ۲۰۰۰۰ قدم میرسد و از جمله نهرهای ان نهر امازون است که از کوههای اندس بیرون میاید ودر اقیانوس اتلانتیك ریخته میشود وطول ان مقدار ۴۰۰۰ میل وعرضش مقدار ۱۸۰ میل است ونهرهای بسیاری از شمال وجنوب داخل ان میشود ودیگر نهر لابلاتاست که طولش مقدار ۲۰۰۰ میل وعرضش مقدار ۱۵۰ میل است وان بچند قسم تقسیم میشود که از جمله انها کلومبیاست وان بسه قسم منقسم است ونیزویلا وغرناطه جدیده واکوادور و جمیع انها در تحت حکم جمهوری داخل است واهالی انها بمقدار ۳۰۰۰۰۰۰ نفس میرسد ونهر اورونوکو در ونیزویلا میگذرد وطول ان مقدار ۱۳۰۰ میل است واز جمله شهرهای ان کراکاس است که اهلش مقدار ۲۳۰۰۰ نفس است واز جمله شهرهای غرناطه جدیده شهر بوغوتاست که اهلش مقدار ۳۵۰۰۰ نفس است ودیگر شاغرس وپناماست واز جمله شهرهای اکوادور کویتواست که اهلش مقدار ۷۰۰۰۰ نفس است وکوه کوتوباکسی مذکور در نزدیکی ان واقعست واین شهر میان کوههای بلندی که از مساوات دریا



بسیار مرتفع است واقعشده و در انجا زلزله هائیکه خانه و
قریه ها را خراب میکند بسیار حادث میشود و دیگر از اقسام
ان بلاد بیرو است که در جنوبی اکوادور است و در زمان
قدیم تابع مملکت اسپانیا بوده و پس از ان در تحت حکم جمهوری
استقلال یافت و در انها معدن طلا و نقره و مس یافت می
شود و اهالی انها بامور فلاحت و زراعت چندان اعتنائی
ندارند و قصبه این بلاد شهر لیما ست که اهلش مقدار
۴۰۰۰۰ نفر است و عدد اهالی انها بمقدار ۱۷۰۰۰۰۰
نفر میرسد و انها از هنود یکه اهالی اصلیه انها ست و اهل
اسپانیا که در انجا متوطن شدند مخلوط و ممزوج ند و دیگر
مملکت برازیل است و ان اعظم اقسام امریکای جنوبی است و
مساحتش مقدار ۲۷۰۰۰۰۰ میل مربع و اهلش مقدار
۴۵۰۰۰۰۰ نفر است و جانب عظیمی از ان صحراها و
بیابانهائی است که اشجار و حیوانات بریه انها بسیار است
و از جمله معدنهای ان طلا و نقره و الماس است و نهر امازون
از غرب تا شرق انرا خرق میکند و اعتناء اهالی ان بامور فلاحت
و زراعت کم است و تجارت ان در دست غربا است و قبائلی
از هنود متوحشه در انجا ساکنند و حکمران از نوع ملکی
مقید است و دین غالب در انجا دیانت لاتینیه است و
قصبه ان شهر ریوجنیر و است و ان در عرض جنوبی
۲۲°۵۴'۵۰" وطول غربی ۴۳°۹'۳۵" واقعست و
اهلش مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است و دیگر از شهرهای

سانت سلوادور است که در عرض جنوبی ۱۲°۵۸' وطول
غربی ۳۸°۳۲'۳۰" واقعست و اهلش مقدار ۱۲۰۰۰۰
نفر و تجارتش وسیع است و دیگر شهر برنامبوکو است
که در عرض جنوبی ۸°۵' وطول غربی ۳۵°۱۵' واقع است و
اهلش مقدار ۴۲۰۰۰ نفر است و دیگر شهر فلاریکا ست
که اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و این مملکت از نهرهای
بسیاری سیراب میشود و چند سلسله کوه در ان ممتد است
و بواسطه قلت اعتناء اهالی ان حاصلهایش کم است و غنی و
رتبه هیئت اجتماعیه ان از غیرش پست تر و در شمال برازیل
بلاد کویانا است و اهالی انها مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفر است
و شرقی انها تابع فرانسا و غربی تابع انکلستان و اوسط تابع
هولند است و اراضی انها پست و ترعه های انها بسیار است
و بیشتر اهالی انها بنده کانند و اما بلاد بولیفیا میانه بیرو
و برازیل واقعست و چند شعبه از کوههای اندس در انها
منشعب است و بلندترین رؤس این کوهها در این بلاد واقع
است و در حدیکه فاصل میانه انها و بیرو است بحیره تیتیاکا
واقعست و طول ان مقدار ۱۵۰ میل است و در جنوب غربی
انها بریه کوبمرا ست و حکم انها از نوع جمهوری است و از جمله
شهرهای انها شوکوبیسا ست که اهلش مقدار ۳۵۰۰۰
نفر است و در نزدیکی ان معدن نقره یافت میشود و اما
بلاد شیلی اراضی ایست که میان کوههای اندس و دریای
محیط از حدود بولیفیا تا حدود باتاکونیا واقعست و در

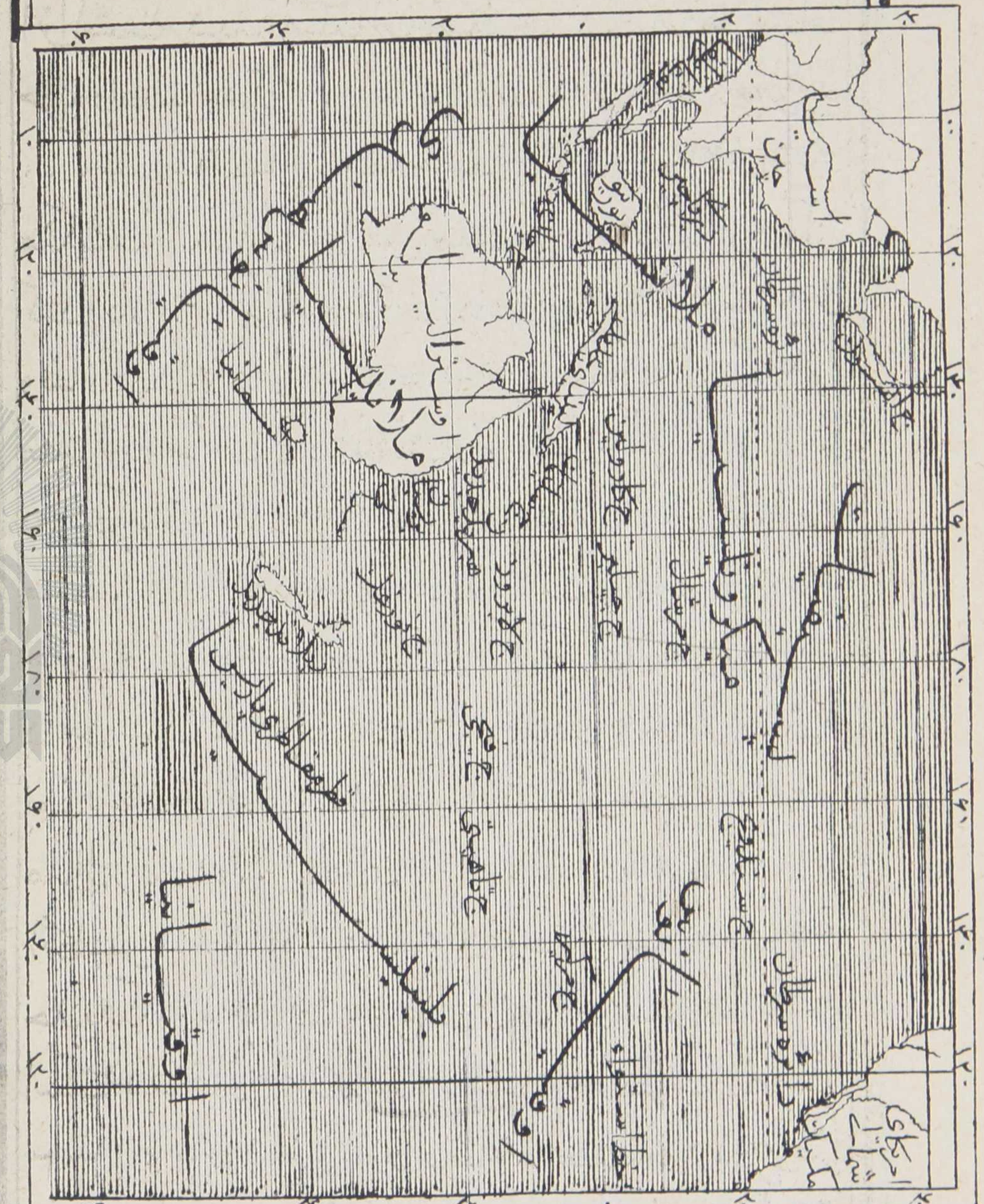
انها چند کوه آتش فشان است و از جمله معدنهای انها طلا و نقره و زیبق است و حکم انها از نوع جمهوری است و از جمله شهرهای انها سانتیاغو است که اهلش مقدار ۶۵۰۰۰ نفس است و در کنار دریا شهر کوکیمبو و فالپراسو و کنسپلشن و فالدیفیا واقعست و عدد جمیع اهالی انها بمقدار ۱۲۰۰۰۰۰ نفس میرسد که بعض انها از اصل اسپانیولی و بعض دیگر از انها و اهالی اصلیه این بلاد مخلوط و ممزوجند و اما بلاد بونس ایرس که انها را لاپلاتا میگویند از شمال ببولیفیا و از غرب بشیلی و از شرق ببرازیل و اوروگوای و اوقیانوس اتلانتیک و از جنوب بپاتاگونیا محدود و مستقلا در تحت حکم جمهوری داخل و از جمله شهرهای انها بونس ایرس است که اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است و نهر لاپلاتا از شمال تا مقدار ۳۵ عرض جنوبی در ان میگذرد و چند بحیره و چند نهر غیر از نهر مذکور در انها واقعست و اما هوای انها در جهت جنوب معتدل و در شمال گرم است و از انجا بسیاری از پوست گاو و شاخ و پیه آن باطراف میرود و اما بلاد براگوای که از جهت شرق و جنوب میانه نهر برانا و از غرب میانه نهر براگوای است از انها منفصل است و از جمله شهرهای انها اسمشن است که اهلش مقدار ۱۰۰۰ نفس است و در جنوبی برازیل بلاد اوروگوای است و اهالی انها بمقدار ۱۵۰۰۰۰ نفر میرسد و از جمله شهرهای انها منتفدیو است که اهلش مقدار

۱۲۰۰۰ نفس است و امّا پاتاگونیا از جهت شمال بشیلی و لاپلاتا و از سایر جهات باوقیانوس محدود و مساحت سطح ان مقدار ۴۴۰۰۰۰ میل مربّع و اهالی ان قبائل متوحشه از هنود است و عدد انها بمقدار ۱۵۰۰۰۰ نفس میرسد اما ارض نار جزیره ایست در طرف پاتاگونیای جنوبی و بوغاز مجلان میان انها فاصله است و طرف جنوبی انرا راس هورن میگویند و اما جزائر فالکلند در شرقی مدخل بوغاز مذکور است و تابع انگلستان است و خالی از سکنه است و همچنین جزائر شتلند که در عرض جنوبی ۶۱ تا ۶۴ و طول شرقی ۵۴ تا ۶۵ واقعست و جزیره جاورجیا که در عرض جنوبی ۵۴ و طول غربی ۳۶ واقعست و ارض سندویچ که در جنوب شرقی انست و جمیع اینها خالی از سکنه است و اما جزائر کلوباغوس در تحت خط استواء محاذی اکوادور است و خالی از سکنه است و اما جزیره سانت فیلکس و جزیرهٔ جوان فرناندز تابع شیلی است و جزیره اخیره بجزیره روبنصن کروزو معروف است و در اوقیانوس اتلانتیک جزیرهٔ ترین و جزیرهٔ فرناندو واقعست و انها تابع برازیل است

فصل بیستم

در اوسترالیا و جزائر بحر محیط بدانکه جزائریکه در بحر محیط واقع است باوسیانیکا یا اوقیانیا معروفست و ان بملانسیا و اوسترالیا و پلینیسیا تقسیم میشود اما ملانسیا بجزائر بورنیو و جیلبس و فیلبین و غیر اینها که سابقاً ذکر شد مشتمل است و اما اوسترالیا بهولند جدید و گینیای جدید و زیلند

جدید وارض فاندیمان وچند جزیره کوچک مشتمل است اما
هولند جدید قارّه بزرکی است که اهل هولند سنه ١٤٠٤
انرا کشف کردند ومساحت ان مقدار ٣٠٠٠٠٠٠ میل
مربّع واهلش مقدار ١٧٠٠٠٠٠ وبنا بر قول بعضی از جغرافیین
٣٠٠٠٠٠٠ نفر است وجانب عظیمی از ان الی الان غیر
منکشف است واما هوایش معتدل وانواع بسیاری از حیوانات
که در قارات دیکر نیست دران یافت میشود وهم چنین طیور
ونباتات واهالی اصلیّه اش نوعی از سودان است که بجنس
ملقّی نزدیک است وانها بحالت بربریّت وتوحّش اند وعدد
نفوسی که از غرباء درانجا ساکن اند بمقدار ٤٠٠٠٠ نفس
میرسد ودر این نواحی شهر سیدنی که در ٣٥٥٥ عرض
جنوبی و ١٥١٣٥ طول شرقی است در تحت حکم انکریزی
داخل است ودر جنوبی هولند جدید ارض فاندیمان است و
بوغاز باس میانه انها فاصله است ومساحت این جزیره ٢٧٠٠٠
میل مربّع واهلش مقدار ٤٠٠٠٠ نفر وتابع دولت
انکلیس است واهالی اصلیّه ان همچنانست که در هولند
جدید کذشت واز جمله شهرهای ان هوبارتستن ولانسستن
است ودر شمالی هولند جدید کینیای جدید است که میانه
١٣٢ و ١٥٢ طول شرقی ومیانه خط استواء و ١٠ عرض جنوبی
واقعست ودران کوهها بلند وجنکلهای وسیعی است
واهلش از اهل هولند جدید باتربیت تر ومتمدن تر اند و
عدد انها بمقدار ٥٠٠٠٠٠ نفر میرسد واما زیلند جدید



در شرقی هولند جدید است و ان دو جزیره استکه بوغازی میانه انها فاصله است و مساحت این دو جزیره مقدار ۹۵۰۰۰ میل مربع و اهالی انها مقدار ۴۰۰۰۰ نفس و هوای انها خوب و اراضی انها خصیب است و در انها سلسله کوههائیست که ارتفاع بعضی از انها بمقدار ۱۴۰۰۰ قدم میرسد و اهالی انها قبائل متوحّشه ایستکه در این ایام بواسطه داخل شدن مبشّرین انجیل میانه انها قدری تمدّن و تربیت حاصل کرده اند و در انجا نوعی از کتان استکه بنهایت خوبیست اما کلیدونیای جدید میان ۱۳۷ و ۲۲۳۰ عرض جنوبی و میانه ۱۶۳۳۷ و ۱۶۷۱۴ طول شرقی است و اهالی ان از سکّان جزائر ماضیه متمدّن تر و با تربیت تراند و در شمالی ان جزائر هبریدس جدید است و انها مجموع جزائریستکه میانه ۱۴۱۰ و ۲۰ عرض جنوبی واقعست و در شمالی انها جزائر سلیمان استکه میانه ۵ و ۱۰ عرض جنوبی و ۱۵۵ و ۱۶۰ طول شرقی واقعست و اهالی انها بنهایت توحّش و بربریّت اند و در اوسترالیا جزائر بسیاریست که ذکر انها موجب تطویل است و اما بلینیسیا مشتمل بجمیع جزائر بحر محیط استکه تا جنوبی خطّ ۳۰ عرض شمالی واقعست سوای جزائر مذکوره از ملانیسیا و اوسترالیا و از جمله انها مجموع جزائر بیلو استکه میانه ۴۵ و ۱۲۸ عرض شمالی و میانه ۱۳۴۵ و ۱۳۶۴۰ طول شرقی واقعست و دیگر جزائر فیجی و جزائر شرکه و جزائر اصدقاء و جزائر ربانیین و جزیره تبکادن استکه در ۲۵۴ عرض جنوبی و

۱۳۰۲۵ طول غربی واقعست اما جزائر سندویچ مقدار ده جزیره استکه میانه ۱۸۵۰ و ۲۲۲۰ عرض شمالی و میانه ۱۵۴۵۳ و ۱۶۰۱۵ طول غربی واقعست و اهالی انها سنوات چندی بحالت توحّش و بربریّت باقی بودند تا اینکه مبشّرین انجیل در میانه انها داخل شده و از انها تمدّن و تربیت حاصل کردند و حکم انها از نوع ملکی مقیّد است و دولت بلاد متحدّه و انکلند و سایر دول اوروپا استقلال انها را مسلّم داشته اند و بواسطه انکه این جزائر محطّ کشتیهائی استکه در این دریاها جاری میشود لابدّ اهالی انها زیاده خواهد گردید و بدانکه بعضی از اهل امریکا و انکلستان اراضی وسیعه در جهت قطب جنوبی داخل دائره جنوبیّه کشف کرده اند و جمیع خالی از سکنه بوده و این اراضی بسیار سرد و داخل شدن بانها از کثرت یخ که در دریاهای این نواحی است کمال صعوبت و عسرت دارد و کشف انها سنه ۱۸۴۰ تاریخ مسیحی بوده . . این تفصیل کرهٔ زمین و متعلقات ان بود که باینجا منتهی شد و دائره ان بمقدار چهل هزار هزار متر که هر متری یکذراع و ثلث ان میشود میرسد و مع ذلک کوچکترین کواکب است و عدد نفوسی که در روی انند مقدار هزار و پانصد ملیون است قال مؤلّفه هذا ما رأیت ان اشرحه فی هذا الفنّ مقتصراً علی اهمّ اموره مع انّه یمکن ان یؤلّف فی کلّ بلاد مجلّدات فجاء هذا الکتاب بحمده تعالی کافیاً فی بابه منزّهاً عن الاسهاب المملّ و الایجاز المخلّ وکان الفراغ من تسویده سنة اثنتین وخمسین وثمانمائة بعد الالف من تاریخ المسیحیّ والحمد لله اوّلاً وآخراً انتهی

اتنا	اطنا	ایرلاند	ایرلند
اجمیر	ازمیر	برلین	برلن
ادریانوپل	ادرنه	بسیفیک	پسیفیک
اربل	صیدا	بطرسبرج	پطرزبورغ
اسکوتسیا	اسکاتلند	بغداد	بغداد
اسوج	سوایدن	بلجیک	بلژیك
استکهم	استکحلم	بناما	پناما
اسلامبول	قسطنطنیه	بوشهر	ابوشهر
اغره	اکره	بودیه	بودیه
افریقا	افریکا	بیتلحم	بیتالحم
البرت	البر	تتار	تاتار
الپا	الپا	تولنس	تونیز
الیصابات	الیزابت	جاپان	ژاپون
المان	نمسه	جرکس	چرکس
امریکا	ینکی دنیا	جنبارن	چنبارن
انکلیترا	انکلند	جیلان	گیلان
اندلس	اسپانیا	ختن	خلم
اوسترالیا	استرلیا	خیوه	خوارزم
اوستریا	استریا	دکن	دکهن
اوروپا	فرنکستان	دمشق	شام
اورشلیم	بیت المقدس	دمغان	دامغان
	دینمارك	دیمارك	

ساردن

ساردن	سردینیا	کلیبولی	کلیپولی
سجستان	سیلستان	کلات	کیلات
سرالون	سیرالون	کنك	کانك
سقوطره	سقطره	کورسیکا	کارسیکا
سیلان	سراندیب	لکنو	لکهنو
سینا	طور	ماداکاسکا	مدکاسکر
شاهرود	شهرود	مرسلیا	مرسیلیا
شوشتر	ششتر	مغرب	ماروك
صربستان	سربستان	مکسیك	مکزیك
صین	چین	ملتان	مولتان
صیام	سیام	میلان	ملان
طرابزون	طربزان	نابولی	ناپولی
غمره	عموره	ناپولی	نیپل
فالکلاند	فالکلند	ندرلاند	ندرلند
قبرس	قبرلیس	نروج	نوروج
قرطجنه	قرطاجنه	نیشابور	نیشاپور
قلزم	بحراحمر	ویانا	وین
قلمق	قالمق	هملایا	همالیا
قوهستان	کوهستان	هندکوش	هندوکش
کابل	کابول	هولاند	هالند

مخفی نماند که چون اکثر اسامی اقالیم و ممالک و بلاد و مُدُن و قُری
بالنسبه با ختلاف لغات یا در لغت واحده مختلف میشود لذا بعض

هو الاول والآخر

در
مطبعهٔ
گلزار حسنی بسعی
واهتمام مترجم بزیور
طبع آراسته شد
و بدون اذن
کسی حق
چاپ
ندارد

بمبئی